





# حقوق کودکان فاقد سرپرست قانونی

تألیف:

فاطمه رضایی

دکتر ولی ا... نصر

حمیدرضا الوند

سرشناسه: رضایی، فاطمه، ۱۳۴۹  
عنوان و نام پدیدآور: حقوق کودکان فاقد سرپرست قانونی / تالیف: فاطمه رضایی، ولی الله نصر، حمیدرضا الوند  
مشخصات نشر: تهران، سازمان بهزیستی کشور، اداره کل روابط عمومی، ۱۳۸۷.  
مشخصات ظاهری: ۱۸۹ ص.  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۶۹-۹۵-۳  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۴ - ۱۸۹.  
عنوان قراردادی: ایران. قوانین و احکام  
موضوع: حقوق کودک -- ایران  
موضوع: کودک -- ایران -- سرپرستی  
موضوع: فرزندخواندگی -- ایران.  
موضوع: قیمومیت -- ایران.  
شناسه افزوده: نصر، ولی الله، ۱۳۵۲-  
شناسه افزوده: سازمان بهزیستی کشور. اداره کل روابط عمومی.  
رده‌بندی کنگره: ۵۱۵:KM5 / ۵۸۷ / ۱۳۸۷ ح ۷  
رده‌بندی دیویی: ۳۴۶/۵۵۰۱۳۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۲۷۲۶۲

## حقوق کودکان فاقد سرپرست قانونی

نویسنده: فاطمه رضایی، دکتر ولی‌اله نصر، حمیدرضا الوند

سال انتشار: ۱۳۸۷

نوبت چاپ: اول

ناشر: اداره کل روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۶۹-۹۵-۳

فیپا: ۱۵۲۷۲۶۲

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

طرح روی جلد: محمد فاطمی

عکس روی جلد: سمیه فروغی

## فهرست مطالب

|                                                                                 |           |
|---------------------------------------------------------------------------------|-----------|
| پیشگفتار .....                                                                  | ۹         |
| مقدمه .....                                                                     | ۱۱        |
| <b>فصل اول: بی سرپرستی کودکان .....</b>                                         | <b>۱۵</b> |
| تاریخچه و مفهوم بی سرپرستی .....                                                | ۱۷        |
| دولت و کودکان فاقد سرپرست قانونی .....                                          | ۱۹        |
| روش اول - تعیین سرپرست و پرداخت هزینه های مربوط به زندگی کودکان بی سرپرست ..... | ۱۹        |
| روش دوم - نگهداری از کودکان بی سرپرست در مراکز شبانه روزی با هزینه دولت .....   | ۲۱        |
| حمایت از کودکان بی سرپرست در ایران .....                                        | ۲۲        |
| قوانین حمایت از کودکان بی سرپرست در حقوق ایران .....                            | ۲۲        |
| الف) قانون اساسی .....                                                          | ۲۲        |
| ب) قوانین عادی .....                                                            | ۲۳        |
| <b>فصل دوم: فرزندخواندگی .....</b>                                              | <b>۲۷</b> |
| تاریخچه قوانین فرزندخواندگی .....                                               | ۲۹        |
| فرزندخواندگی در اسلام .....                                                     | ۳۰        |
| فرزندخواندگی در ایران .....                                                     | ۳۴        |
| بررسی قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳ .....                              | ۳۶        |
| محرمیت در فرزندخواندگی .....                                                    | ۵۳        |
| ممنوعیت ازدواج با فرزندخوانده .....                                             | ۵۵        |
| تعارض قوانین در فرزندخواندگی .....                                              | ۵۵        |
| تأثیر تابعیت والدین فرزندپذیر .....                                             | ۵۹        |
| فرزندخواندگی اتباع خارجه در ایران .....                                         | ۶۱        |
| تشریفات صدور حکم سرپرستی .....                                                  | ۶۱        |
| نقد قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست .....                                     | ۶۴        |

|     |                                                           |
|-----|-----------------------------------------------------------|
| ۷۳  | .....انواع فرزندخواندگی                                   |
| ۷۷  | ..... <b>فصل سوم: امین موقت</b>                           |
| ۷۹  | .....کودکان فاقد سرپرست موثر و با صلاحیت                  |
| ۸۰  | .....بررسی مستند قانونی نهاد امین موقت                    |
| ۸۴  | .....شرایط متقاضیان امین موقت                             |
| ۸۵  | .....تشریفات صدور حکم امین موقت                           |
| ۸۹  | ..... <b>فصل چهارم: قیمومت</b>                            |
| ۹۱  | .....نهاد قیمومت در حقوق ایران                            |
| ۹۵  | .....تشریفات صدور حکم قیمومت                              |
| ۹۶  | .....مقایسه نهادهای سرپرستی با یکدیگر                     |
| ۹۸  | .....قانون واگذاری قیمومت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی |
| ۱۰۲ | .....اداره سرپرستی                                        |
| ۱۰۳ | .....وظایف دادستان در امور اطفال بی سرپرست                |
| ۱۰۵ | ..... <b>فصل پنجم: ضمائم</b>                              |
| ۱۰۷ | .....ترمینولوژی حقوقی                                     |
| ۱۲۴ | .....واژه نامه انگلیسی                                    |
| ۱۲۸ | .....نمونه فرم‌های قضایی                                  |
| ۱۲۸ | .....نمونه دادخواست تقاضای فرزندخواندگی                   |
| ۱۳۰ | .....نمونه نامه معرفی طفل از سازمان بهزیستی به دادگاه     |
| ۱۳۱ | .....نمونه قرار دوره آزمایش                               |
| ۱۳۳ | .....نمونه تعهدات مالی به فرزندخوانده (۱)                 |
| ۱۳۴ | .....نمونه تعهدات مالی به فرزندخوانده (۲)                 |
| ۱۳۵ | .....صورت جلسه تحویل طفل به خانواده فرزندپذیر             |
| ۱۳۶ | .....نمونه حکم سرپرستی دائم (فرزندخواندگی)                |

|     |                                                          |
|-----|----------------------------------------------------------|
| ۱۳۸ | ..... نمودار مراحل صدور حکم قضایی سرپرستی (فرزندخواندگی) |
| ۱۳۹ | ..... نمودار فرآیند فرزندپذیری در سازمان بهزیستی         |
| ۱۴۰ | ..... نمونه حکم امین موقت (۱)                            |
| ۱۴۱ | ..... نمونه حکم امین موقت (۲)                            |
| ۱۴۳ | ..... نمونه حکم قیمومت                                   |
| ۱۴۴ | ..... قوانین مرتبط                                       |
| ۱۶۶ | ..... موادی از قانون مدنی                                |
| ۱۷۹ | ..... فهرست منابع                                        |





## پیشگفتار

حمایت از کودکان رسالتی است که از دیرباز علم حقوق به آن تأکید داشته است. بطلان یا عدم نفوذ اعمال حقوقی کودکان و انتصاب اشخاصی تحت عنوان ولی قهری، وصی و قیم که موظف و مأمور به اداره امور و انجام اعمال حقوقی به نمایندگی از آنان باشند شاهد مثالی از این حمایتها است و در این میان حمایت قانون از کودکان بی سرپرست و فاقد سرپرست مؤثر و با صلاحیت، رسالتی است بس خطیرتر و حساس تر. لذا به استناد ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹ و در جهت تحقق مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دفتر امور شبه خانواده به عنوان یکی از دفاتر کل زیر مجموعه معاونت امور اجتماعی مسئولیت تأمین مراقبت شبانه‌روزی و ایجاد زمینه‌های پرورش برای کودکانی که به دلایل مختلف به طور موقت یا دائم از داشتن سرپرست مؤثر و با صلاحیت محروم شده‌اند را بر عهده دارد.

ارائه خدمات تخصصی به کودکان فاقد سرپرستی که به موجب حکم قضایی به سازمان بهزیستی سپرده می‌شوند از جمله اهداف عالیه‌ای است که طی دو برنامه «مراقبت در خانه‌های کودکان و نوجوانان» و «مراقبت در خانواده و خانواده جایگزین» انجام می‌پذیرد. محور و اساس حمایتها و اقدامات اجرایی، در جهت ایجاد امنیت اجتماعی - اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌ها و موجبات عادی سازی زندگی این قبیل کودکان، برخورداری آنان از کانون خانواده و تقویت برنامه‌های مراقبت در خانواده است. بی‌تردید تثبیت جایگاه حقوقی و قانونی فرزندان بی‌سرپرست و بدسرپرست در جامعه و توسعه مبانی حقوقی در زمینه‌های مختلف حضانت و سرپرستی می‌تواند یکی از ابزارهای بسیار مهم برای رسیدن به این اهداف باشد. اما از آن جا که در زمینه وجود مجموعه حقوقی خاص کودکان فاقد سرپرست قانونی خلاءای احساس می‌شد، لذا سازمان بهزیستی در راستای خدمت رسانی بهینه و ارتقاء سطح دانش حقوقی کارشناسان و دست‌اندرکاران امور راجع به کودکان بی‌سرپرست اقدام به تهیه مجموعه حقوقی تحت عنوان «**حقوق کودکان فاقد سرپرست قانونی**» نمود. در این مجموعه سعی بر آن شده تا قوانین و مقررات ناظر بر حمایت ویژه قانون از کودکان بی‌سرپرست به صورت عملی و شفاف‌تر بیان شود که امید است مطالعه آن بتواند تا حد امکان موجبات ارتقاء توان علمی مقامات قضایی، وکلا، مشاوران حقوقی و کارشناسان شاغل در این حوزه را فراهم آورد.

دکتر ابوالحسن فقیه

رئیس سازمان بهزیستی کشور

## مقدمه

دیر زمانی نیست که بشر به این حقیقت پی برده که ترقی زندگی اجتماعی با تعلیم و پرورش کودکان شایسته امکان‌پذیر است و بی‌ارتباط نیست اگر گفته شود اقدامات صورت گرفته در زمینه صیانت از حقوق کودکان براساس همین تفکر پایه‌ریزی شده است. قرارداد ژنو ۱۹۲۴ میلادی درباره حقوق کودکان، اعلامیه حقوق کودک ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق سیاسی و شهروندی به خصوص در مواد ۲۳ و ۲۴ آن، پیمان‌نامه جهانی حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به ویژه ماده ۴۰ و کنوانسیون جهانی حقوق کودک ۱۹۹۰ از جمله تلاش‌های صورت گرفته در زمینه حقوق کودکان است. اما علیرغم تلاش‌های بسیار جوامع بین‌المللی در راستای اجرای حقوق کودکان، همه ساله گزارشات اسفباری مبنی بر سوء تغذیه، فقر، بی‌سوادی، بیماری، شرایط بد محیطی، بردگی، فروش و قاچاق، اسارت ناشی از بدهی، کار اجباری، آزارهای جنسی، اجبار به فعالیت‌های غیرقانونی چون قاچاق مواد مخدر، تهیه عکس و فیلم‌های مستهجن و بدترین اشکال کار کودک و... منتشر

می‌شوند که بیان از واقعیت تلخی دارد: «فقدان قانونی واجد ضمانت اجرا در سطح بین‌الملل برای حمایت از کودکان»

جمهوری اسلامی ایران به منظور تحقق همه جانبه حمایت از حقوق کودکان در اول اسفند ۱۳۷۲ به صورت مشروط و با حق تحفظ به کنوانسیون جهانی حقوق کودک پیوست. اما علیرغم این تلاش، قوانین ایران در زمینه حقوق کودک در مواردی با کنوانسیون در تعارض است (عبادی، ۱۳۷۶). از جمله تعارضات آشکار عدم تعیین سن کودک در قوانین و مقررات جاری به دلیل وجود دیدگاه‌های متفاوت قانون‌گذار ایران از سن کودک و فقدان مرز مشخص برای تعیین سن کودکی از بزرگسالی است. لذا در هیچ یک از منابع حقوقی ایران تعریف جامع و مانعی از کودک ارائه نشده است. به طوری که برخی قوانین، پایان دوران کودکی را رسیدن به سن بلوغ با شاخصه‌های جسمانی و برخی دیگر رسیدن به سن بلوغ با شاخصه‌های عقلی و دماغی عنوان نموده‌اند و در قوانین پراکنده‌ای نظیر ماده واحده قانون رشد متعاملین، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات ریاست جمهوری، کاندیداتوری مجلس شورای اسلامی، قوانین کار، گذرنامه، خدمت وظیفه عمومی و... سنین متفاوتی بیان شده است (گلدوزیان، ۱۳۸۰)، که این امر می‌تواند از موجبات رکود در روند پژوهشهای علمی و عملی از سوی فعالان حقوق کودک در ایران باشد.

حمایت قانون از کودک در ابعاد گوناگون مطرح است. زیرا کودکان در هر دوره از زندگی دارای حقوق ویژه و نیازمند حمایت‌های خاص هستند تا در سایه این حمایت‌ها بتوانند از صحت و سلامت روحی - جسمی برخوردار شده و حضور مفید و سازنده در اجتماع داشته باشد. حمایت قانون از کودک از رحم مادر آغاز می‌شود و پس از تولد، بر سرپرستان قانونی و جامعه خود حقوقی از جمله حق حیات، هویت، حضانت، تربیت، حمایت‌های پزشکی، اجتماعی، روحی و روانی و... دارد. لذا به منظور پرورش و نگهداری کودکان در خانواده نهادهای ولایت قهری، وصایت و حضانت توسط مقنن پیش‌بینی شده است. ولایت قهری سمت پدر و جد پدری است و حضانت نهاد حمایتی مبتنی بر نگهداری جسمی و فیزیکی صغیر، که این دو نهاد در حقوق خانواده بررسی می‌شود. وصایت سمت انتصابی از طرف پدر یا جد پدری برای سرپرستی اولادشان برای بعد از فوت موصی است که در باب اول قسمت چهارم قانون مدنی مطالعه می‌شود.

صرف‌نظر از نهادهای حقوقی فوق که ناظر به حمایت کودک در خانواده است، نهادهای حقوقی دیگری برای مراقبت و پرورش کودکان در خانواده جایگزین مورد نظر قانون‌گذار ایران بوده است. بدین مفهوم چنانچه خانواده به هر دلیل قادر به پرورش و نگهداری از کودک خود نباشد، سازمانهای دولتی و عمومی در این امر مهم مداخله می‌نمایند. گاهی این مداخله به صورت نگهداری بی‌واسطه کودک توسط دولت و نهادهای تحت نظارت دولت و گاه به صورت نظارت بر پرورش و نگهداری این کودکان در خانواده‌های جایگزین است. علاوه بر نظارت، سیاست‌گذاری و تدوین قوانین جامع در زمینه توسعه برنامه‌های مراقبت در خانواده و خانواده جایگزین از جمله وظایف دولتها است که بی‌تردید سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در این بخش از حساسیت خاصی برخوردار است و چه بسا وضع و اجرای قوانین انعطاف‌ناپذیر و ناهماهنگ با عرف و تحولات روز جامعه، ورود ناسنجیده در مسائل حقوقی این قلمرو و وضع قوانین متأثر از جریانهای افراطی و تفریطی بدون اعتنا به آثار و عواقب آن بر موجودیت جامعه و افراد ضربات جبران‌ناپذیری وارد خواهد آورد. بنابراین آشنایی با قوانین و مقررات موجود می‌تواند چشم‌انداز شفافی از وضعیت موجود ارائه دهد.

مجموعه پیش رو دارای پنج فصل است. در فصل اول موضوع کودکان بی‌سرپرست و حمایت قانون از این کودکان مطرح شده است. در فصل دوم به موضوع فرزندخواندگی به عنوان یکی از نهادهای حمایت از کودکان در خانواده جایگزین پرداخته شده است. با توجه به اینکه اصلی‌ترین قانون در زمینه حمایت از کودکان بی‌سرپرست در سال ۱۳۵۳ به تصویب رسیده که در موقعیت اجتماعی کنونی، پاسخگوی نیازهای جامعه نمی‌باشد و نیازمند بازنگری کلی است، در همین رابطه لایحه‌ای تحت عنوان «قانون حمایت از کودکان فاقد سرپرست قانونی» با همکاری قوه قضائیه و سایر ارگانهای ذیربط تهیه شد که در مراحل تصویب می‌باشد. لذا سعی بر آن شد که این فصل به صورت تفصیل بیان شود و به همین سبب فصل دوم در مقایسه با سایر فصول مفصل‌تر است. فصل سوم به موضوع امین موقت پرداخته است و فصل چهارم اشاره‌ای کوتاه دارد بر مسائل حقوقی قیمومت. همچنین به منظور تسهیل در مطالعه و بهره‌برداری از مطالب، فصل پنجم (ضمائم) به توضیح بخشی از اصطلاحات حقوقی مندرج در متن (ترمینولوژی حقوقی)، واژه‌نامه انگلیسی، نمونه

فرمهای قضایی و اداری، قوانین و مقررات مرتبط که در متن اصلی به آن استناد شده است، اختصاص یافته است.

در مجموعه حقوقی حاضر سعی بر آن شده است که مباحث سرپرستی از کودکان فاقد سرپرست مورد بررسی قرار گیرد اما بی تردید این نگارش بدون لغزش نیست. لذا ضمن عرض پوزش، خاضعانه از همه صاحب نظران تقاضا داریم که با ارائه نظریات انتقادی و تکمیلی خود ما را قرین لطف قرار دهند.

در خاتمه از زحمات حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید مجتبی موسوی قاضی محترم شعبه ۴۵ دادگاه عمومی تهران، جناب آقای جلال ایران پور وکیل محترم دادگستری و کلیه کارشناسان حوزه امور شبه خانواده کمال تقدیر و تشکر را داریم.

## فصل اول

### بی سرپرستی کودکان





## تاریخچه و مفهوم بی‌سرپرستی:

بی‌سرپرستی کودکان، مفهوم پیچیده اجتماعی، فرهنگی و انسانی است که در جوامع بشری پیشینه دیرینه دارد و به موازات این قدمت، حمایت از این قبیل کودکان همواره در کانون توجه بوده به نحوی که اولین قانون نوشته، درخصوص حمایت از کودکان بی‌سرپرست توسط حکمران مشهور بابل، حمورابی در ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در الواح دوازده‌گانه یافت شده است. اما از این تاریخ تا اوایل قرن شانزدهم میلادی مدرک مستندی در این زمینه وجود ندارد. با وجود این مردم، نهادهای اجتماعی و مذهبی براساس فرهنگ و معتقدات هر جامعه به این امر مقدس مبادرت می‌کردند، تا این‌که از اوایل قرن شانزدهم میلادی در همه کشورهای غربی موضوع رسیدگی به ایتم به صورت سازمان یافته مورد توجه قرار گرفت (صنعتی‌نیا، ۱۳۷۰).

قانون هنری هشتم اولین قانون انگلستان جهت رسیدگی به امور مستمندان بود. در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۴۰ میلادی، اولین دارالایتم برای نگهداری کودکان ایجاد شد (صنعتی‌نیا، ۱۳۷۰). امروزه در این کشور از روشهای ایجاد پرورشگاه، خانواده جایگزین<sup>۱</sup> و فرزندخواندگی جهت حمایت از کودکان بی‌سرپرست (موسوی‌نژاد، ۱۳۷۷) و در فرانسه سه شیوه نگهداری در مراکز شبه خانواده (شبان‌روزی‌ها)، خانواده داوطلب و فرزندخواندگی برای حمایت از کودکان بی‌سرپرست استفاده می‌شود (موسوی‌نژاد، ۱۳۷۷). به همین منوال در سایر کشورها نظیر فنلاند، ایتالیا، ایرلند، آلمان، دانمارک، یونان، تایلند، پاکستان، قوانین و نهادهای حمایتی دیگر تدوین شده است (علمچی میبیدی، ۱۳۸۱).

اگرچه جنگ، زلزله، سیل، گرسنگی، قحطی، بیماریهای واگیر، مرگ و میر طبیعی والدین و... هنوز از عوامل مهم بی‌سرپرستی کودکان هستند، اما امروزه در اثر عوامل متعدد رفتارهای فردی و اجتماعی تغییر کرده و نهادهای فرهنگی و مذهبی در زندگی اجتماعی رنگ باخته‌اند تا جایی که عوامل دیگری چون اعتیاد، الکل و فحشا به علل فوق افزوده و مراقبت از کودکان را به واسطه

---

۱- ( Foster Family ) خانواده‌هایی که می‌توانند علاوه بر کودکان خود پذیرای کودکان دیگری نیز در کانون گرم خانوادگی باشند (موسوی‌نژاد، ۱۳۷۷).

بدسرپرستی و آزار و غفلت از این کودکان برجسته کرده است. آمارهای موجود دفتر امور شبه خانواده سازمان بهزیستی کشور بیانگر آن است که حدود ۷۰ درصد کودکان مقیم در مراکز شبانه‌روزی را کودکان بدسرپرست تشکیل می‌دهند (عملکرد سالانه دفتر امور شبه خانواده سازمان بهزیستی، ۱۳۸۵). کودکانی که در اثر عواملی چون؛ عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادر، آزارهای جسمی و روحی و... به استناد ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی به عنوان کودک فاقد سرپرست مؤثر و با صلاحیت و به موجب حکم دادگاه به مراکز نگهداری شبانه‌روزی منتقل شده‌اند. اما پدیده بدسرپرستی همچنان بر سر این قبیل کودکان سایه افکنده و موجب شده تا آنان در مقایسه با کودکان فاقد سرپرست در وضعیت نامناسب‌تر جسمی و عاطفی باشند. زیرا اغلب آنان به دلیل وضعیت نامناسب خانوادگی در شرایط حاد عاطفی و جسمانی به سر می‌برند. مزاحمت‌های احتمالی والدین اصلی و عدم حمایت همه جانبه قانون از خانواده‌های متقاضی سرپرستی، عدم اجازه قوانین موجود در خصوص سرپرستی دائم برای کودکان بدسرپرست از جمله عوامل تقلیل تعداد متقاضیان سرپرستی است که متأسفانه این کودکان را محکوم به اقامت‌های طولانی مدت در مراکز شبانه‌روزی می‌کند. این در حالی است که براساس تحقیقات به عمل آمده مراکز شبانه‌روزی علیرغم تأمین امکانات مادی، پاسخگوی نیازهای روحی - روانی کودکان نیستند و در مقایسه با نهاد خانواده کارایی ضعیف‌تری در پرورش روحی و جسمانی کودکان دارند (رضایی، ۱۳۸۴).

تفکیک علل بی‌سرپرستی بسیار با اهمیت است و در عمل می‌تواند به اتخاذ سیاست‌های خاص مبنی بر حمایت قانون از کودکان فاقد سرپرست قانونی کمک کند. بدین معنا زمانی که بی‌سرپرستی ناشی از بلایای طبیعی (سیل، زلزله و...) باشد می‌بایست با تدوین قوانین جامع، از خانواده‌های جایگزین یاری جست و در جایی که بی‌سرپرستی به علت قوای قهریه غیرطبیعی ناشی از طلاق، اعتیاد، فحشا والدین و... باشد توجه به برنامه‌های پیشگیرانه و تقویت بنیانهای عاطفی خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان براساس تأکیدات قانون اساسی می‌تواند از گسترش این معضل اجتماعی بکاهد (علمچی میبدی، ۱۳۸۱). بی‌شک تدوین چنین برنامه‌هایی نیازمند شناخت ویژگی، ابعاد و عوامل بی‌سرپرستی است و می‌بایست پژوهشهای علمی در این زمینه صورت گیرد تا روشهای منطقی حل معضلات و مسائل آن در چارچوب نظام ارزشها و باورهای اجتماعی و مذهبی جامعه با مشارکت دولت، نهادهای اجتماعی و

مردمی یافت شود. این امر مشارکت همگانی ارگانهای دولتی و غیردولتی و اندیشمندان علوم اجتماعی را می‌طلبد و در موارد بد سرپرستی، لزوم تدوین یا اصلاح قوانین به منظور حمایت بیشتر از افراد متقاضی سرپرستی و تجویز سرپرستی دائم از سوی قانون‌گذار بنا بر مصلحت جامعه و طفل می‌تواند راهکارهای مناسبی برای اجتناب از اقامت طولانی این قبیل کودکان در مراکز نگهداری از کودکان باشد.

### دولت و کودکان فاقد سرپرست قانونی:

مطابق بند ۲ ماده ۲۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد ۱۹۶۶، هر کودکی بدون هیچ گونه تبعیض از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ملیت یا منشاء اجتماعی، دارایی یا تولد (نسب) که به اقتضای وضعیت صغارت (خردسالی) ایجاد شده است، حق دارد از اقدامات حفاظتی (حمایتی) خانواده، جامعه و دولت برخوردار گردد. براساس تأکیدات کنوانسیون جهانی حقوق کودک، سرپرستی از کودکانی که به جهات و علل گوناگون سرپرست خود را از دست داده‌اند در درجه اول بر عهده دولتهاست. به همین سبب در اکثر کشورهای دنیا، کمک به ایتام توسط دولت به دو روش انجام می‌گیرد:

### روش اول - تعیین سرپرست و پرداخت هزینه‌های مربوط به زندگی کودکان

#### بی سرپرست:

روانشناسان و جامعه‌شناسان جهان بر این عقیده‌اند که بهترین محیط برای پرورش کودکان، محیط خانواده است. زیرا کودکان علاوه بر امکانات مادی نیازمند امکانات معنوی و محبت هستند (امامی، ۱۳۸۲). این امر از سوی کنوانسیون جهانی حقوق کودک نیز مورد تأکید است و بر این اساس به دولتها توصیه شده تا سیاست‌ها و برنامه‌های خود را بر کوتاه‌تر نمودن مدت اقامت کودکان در مراکز شبانه‌روزی و ایجاد شرایط مساعد مراقبت و پرورش در خانواده و خانواده

جایگزین پایه‌گذاری نمایند و از نهادهای حقوقی مراقبت از کودکان در خانواده که می‌توانند در بنیان و استحکام خانواده‌ها نقش ویژه‌ای ایفا نمایند بهره‌جویند.

بنابر مراتب فوق و به دلیل عدم کارآیی مؤسسات و مراکز شبانه‌روزی در نگهداری کودکان بی‌سرپرست و مطابقت بیشتر این روش با معیارهای تربیتی و اخلاقی کودکان، حمایت از کودکان فاقد سرپرست در خانواده‌های جایگزین اعم از بستگان و غیربستگان از سوی دولت‌ها ترویج می‌شود، به نحوی که امروزه اکثر کشورها با توجه به رشد جمعیت تحت پوشش خود همزمان با شاخص کلی رشد جمعیت، افزایش نرخ تورم و مسائل مالی دیگر، سیاست تعیین و انتخاب «سرپرست جایگزین» برای کودکان بی‌سرپرست را در اولویت کاری خود قرار داده‌اند (شاهنگی، ۱۳۸۵) و قوانینی به منظور حمایت و سرپرستی از کودکان فاقد سرپرست تدوین و مقوله‌ای به نام فرزندخواندگی قانونی در انواع گوناگون در نظر گرفته شده است (نظری، ۱۳۸۰).

بی‌گمان سرپرستی از کودکان فاقد سرپرست در خانواده‌های جایگزین علاوه بر فواید چشمگیر اجتماعی برای رشد کودکان نیز مناسب است. زیرا از سویی موجب رفع مشکلات روحی کودکان فاقد والدین می‌شود و از طرفی دیگر در جهت کاستن ناهنجاریهای روانی زن و شوهر محروم از نعمت فرزند کارساز است و این امر علاوه بر استحکام خانواده، موجب سالم‌سازی جامعه شده و از بار مسئولیت سنگین دولت می‌کاهد.

علیرغم فواید فردی و اجتماعی، متأسفانه در مواردی سوء استفاده و بهره‌برداری اقتصادی از این نهاد حمایتی مشاهده شده است (غمامی، ۱۳۸۴)، ولی نباید این امر سبب شود تا قانون‌گذاران به بهانه سوءاستفاده‌های احتمالی نظیر تجارت کودکان برای مقاصد نامشروع (جنسی، پزشکی، آزمایشگاهی، کار و...) از حمایت کودکان در خانواده جایگزین چشم‌پوشی نمایند و در جهت پیشبرد اهداف اجتماعی از آن بهره‌برداری نکنند. به منظور جلوگیری از فسادهای احتمالی، ضمن نظارت تخصصی و نامحسوس بر وضعیت کودکان تحت مراقبت خانواده‌های جایگزین باید در تنظیم قوانین و مقررات مربوطه و به روزرسانی آن دقت کافی را به کار برده و به فواید و مفسده‌های آن بیاندیشد. همچنین قانون‌گذار نباید در مراحل صدور احکام سرپرستی به تشریفات بسیار ساده اکتفا کند یا قوانین و رویه‌های اداری و قضایی سخت و دست و پاگیر تدوین کند. اولی احتمال رواج پدیده «خرید و فروش کودکان» توسط سوداگران را افزایش داده و دومی احتمال

افزایش تعداد مؤسسات نگهداری کودکان فاقد سرپرست در جامعه را موجب می‌شود و این در حالی است که بسیاری از زوجین نابارور متقاضی فرزندپذیری هستند. بنابراین تدوین قوانین متعادل و منطبق با عرف و نیازهای روز جامعه و براساس شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه می‌تواند قانون‌گذار را در رسیدن به اهداف مفید فردی و اجتماعی یاری کند.

## روش دوم - نگهداری از کودکان بی‌سرپرست در مراکز شبانه‌روزی با هزینه دولت:

زمانی که افراد جامعه نسبت به نگهداری از این قبیل اطفال غفلت می‌ورزند یا شرایط اجتماعی اجازه نگهداری کودکان در خانواده‌های جایگزین را نمی‌دهد، به ناچار از این کودکان در مراکز شبانه‌روزی نگهداری می‌شود (علمچی میبدی، ۱۳۸۱). هر چند هیچ مدرکی دال بر تأیید چنین مراکزی نیست، اما مدارکی نیز مبنی بر رد آنها وجود ندارد، زیرا به هر حال ضروری است مکانی جهت نگهداری از کودکان رها شده در جامعه وجود داشته باشد (صنعتی‌نیا، ۱۳۷۰).

مطالعات گذشته نشان داده است که مؤسسات به رغم تلاش برای ارائه خدمات رفاهی و مادی تا حد ممکن، نمی‌توانند جایگزین مناسبی برای تمام وظایف و نقشهای خانواده فراهم کنند. کمبود تعاملات گرم و صمیمی بین کودکان و مراقبان آنها، فقدان الگوها، نقشها و محرکها طبیعی در محیط زندگی این کودکان در مراکز می‌تواند سبب ایجاد اختلال در رشد عاطفی - روانی و مانع شکل‌گیری رفتارهای مناسب در آنها شده و موجب بروز مشکلات عاطفی، رفتاری و اجتماعی در این کودکان شوند (هیلگارد، ۱۳۸۵). واقعیهایی موجود بیانگر آن است که علیرغم صرف وقت و هزینه‌های گزاف بهترین مراکز شبانه‌روزی در مقایسه با نهاد خانواده، کارکرد ضعیف‌تری در پرورش کودکان بی‌سرپرست دارند. تحقیقات به عمل آمده پیامدهای اسفبار عدم ایجاد حس دلبستگی در کودکان مقیم در پرورشگاه‌ها را نشان می‌دهد. همچنین اختلالات هیجانی، کمبود وزن، عقب‌ماندگی ذهنی و سایر بیماری‌ها در این کودکان در مقایسه با کودکان در محیط خانواده بیشتر مشاهده شده است (اسپیتز، ۱۹۴۵ و ۱۹۶۵ به نقل از برک، ۱۳۸۶).

به همین دلیل در سالهای اخیر روند سیاست موسسه‌زدایی در مراقبت از کودکان موجب توسعه طرحهای پذیرش موقت یا دائم کودکان در خانواده‌های جایگزین را فراهم نموده است.

## حمایت از کودکان بی‌سرپرست در ایران:

خانواده در پرورش و حمایت از کودکان در سنین نوزادی و بلوغ نقش اصلی را بر عهده دارد. رشد کامل و متعادل شخصیت کودکان باید در محیط خانوادگی سرشار از شادی، عشق و تفاهم صورت پذیرد. اما زمانی که خانواده به دلایل گوناگون در معرض آسیب و از هم پاشیدگی قرار گیرد، نهادهای اجتماعی و در رأس آنها دولت به صورت مستقیم، پرورش و نگهداری از کودکان آنان را بر عهده می‌گیرند. در چنین مواقعی دولت موظف است ترتیباتی اتخاذ نماید تا کودکان از مراقبت در خانواده جایگزین برخوردار شوند.

بدیهی است نظام خانواده، خویشاوندان و نهادهای اجتماعی باید از حمایت کافی در تأمین احتیاجات خاص کودکان فاقد سرپرست قانونی برخوردار باشند. از جمله نهادهای اجتماعی فعال در زمینه حمایت از کودکان فاقد سرپرست قانونی در حال حاضر «سازمان بهزیستی» است. این سازمان در یکی از ابعاد مهم خدماتی خود حمایت و پذیرش کودکان بی‌سرپرست و فاقد سرپرست مؤثر و با صلاحیت را با تأمین کلیه امکانات مادی و معنوی و تلاش برای بازگرداندن آنان به خانواده و جامعه بر عهده دارد. بی‌تردید این سازمان اجتماعی به منظور ایفای وظیفه‌اش برای صیانت از بنیانهای اجتماعی به ویژه نهاد خانواده و جلوگیری از ورود بی‌رویه کودکان به مراکز شبانه‌روزی نیاز به قوانین جامع حمایتی دارد که از جمله آن می‌توان به قوانین اساسی و قوانین عادی اشاره نمود.

## قوانین حمایت از کودکان بی‌سرپرست در حقوق ایران:

### الف) قانون اساسی:

اصل ۲۱: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او. حمایت مادران، به خصوص در دوران بارداری و حمایت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.

ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.»

اصل ۲۹: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک فرد کشور تأمین کند.»

## ب) قوانین عادی:

۱. به استناد ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹ در جهت تحقق مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تأمین موجبات برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی، تهیه هنجارها و استانداردهای خدماتی، توسعه دامنه اجرای برنامه‌های بهزیستی در زمینه حمایت خانواده‌های بی سرپرست و نیازمند، ارائه خدمات مختلف به کودکان و تدارک امکانات پیشگیری، درمانی، توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولین جسمی و روانی، تجدید تربیت منحرفین اجتماعی، حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال بی سرپرست، معلولین غیرقابل توانبخشی و سالمندان نیازمند، آموزش نیروی انسانی خدمات بهزیستی و توانبخشی و تأمین موجبات تشویق، جلب مشارکت و فعالیتهای گروه‌های داوطلب و مؤسسات غیردولتی سازمان بهزیستی تشکیل گردیده است.

۲. به استناد تصویب نامه شماره ۷/۲۵۴۶ مورخ ۱۳۵۸/۴/۲۵ هیأت وزیران کلیه مراکز رفاه خانواده به وزارت بهداری و بهزیستی منتقل گردیده است. از جمله انجمن ملی حمایت کودکان، جمعیت

حمایت از اطفال بی سرپرست، سازمان ملی رفاه خانواده، سازمان بهزیستی و آموزش کودکان و نوجوانان (واحد حمایت از خانواده‌های بی سرپرست شاهنشاهی خدمات اجتماعی سابق و...).

۳. به استناد ماده واحده قانون تغییر نام، کلیه وظایف و اختیارات وزیر بهداری و بهزیستی در امور بهزیستی به رئیس سازمان بهزیستی کشور محول شده است.

۴. قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۵۳ که روند قانونی و قضایی فرزندخواندگی و سرپرستی را مشخص و به دلیل اهمیت موضوع، حدود و ثغور آن را اعلام می‌دارد.

۵. قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۷۴/۵/۱۱ هیأت محترم وزیران:

♦ به استناد قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست ۱۳۷۱/۸/۲۴ کلیه کودکان بی سرپرست که به هر علتی به طور دائم یا موقت سرپرست خود را از دست داده‌اند تحت پوشش و حمایت سازمان بهزیستی کشور می‌باشند.

♦ به استناد ماده ۴ قانون تأمین کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ نگهداری روزانه یا شبانه‌روزی کودکان در واحدهای بهزیستی یا واگذاری سرپرستی و نگهداری این گونه کودکان به افراد واجد شرایط از وظایف سازمان بهزیستی می‌باشد.

♦ به استناد ماده ۹ و ۱۰ قانون تأمین کودکان بی سرپرست، سازمان بهزیستی کشور موظف به اجرای قانون بوده و کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و وابسته به دولت و مؤسسات عمومی و سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می‌باشد موظفند همکاری لازم را در زمینه اجرای این قانون با سازمان بهزیستی کشور داشته باشند.

♦ به استناد آیین‌نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۴/۵/۱۱ هیأت محترم وزیران، کودکان بی سرپرست مشمول قانون با هماهنگی نیروی انتظامی مورد شناسایی قرار می‌گیرند و پس از تحقیقات اولیه و طی مراحل قانونی از طریق مراجع ذیصلاح قضایی به سازمان بهزیستی کشور معرفی می‌شوند و در موارد اضطراری به منظور حفظ سلامت کودکان، واحدهای بهزیستی راساً کودکان کمتر از هفت سال را با رعایت ضوابط، پذیرش خواهند نمود و اقدامات اجرایی را به منظور ایجاد حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی از کودکان بی سرپرست به نحو نگهداری و مراقبت از



پسران بی سرپرست تا رسیدن به سن قانونی و دختران بی سرپرست تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند انجام خواهد داد و به منظور جلوگیری از جدایی فرهنگی و اجتماعی کودک از فرهنگ بومی خود و فراهم شدن زمینه بازگشت به خانواده و اجتماع حتی‌الامکان کودکان بی سرپرست در شهرهای محل تولد یا شهرهای همجوار پذیرش و نگهداری می‌شوند و در صورتی که در بدو پذیرش، والدین یا بستگان کودک شناسایی شوند و به منظور پیشگیری از ورود کودکان به واحدهای شبانه‌روزی و همچنین حفظ نهاد خانواده‌ها و در صورت نیاز خانواده، سازمان بهزیستی حمایت‌های مالی، فرهنگی و اجتماعی ارائه می‌نماید.

♦ به استناد ماده ۴ آیین نامه قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۴/۵/۱۱، شرایط خانواده‌های داوطلب واجد شرایط و نحوه نگهداری آنها براساس دستورالعمل اجرایی مورد عمل در سازمان بهزیستی تعیین شده است.

♦ به استناد بند «د» ماده ۶ آیین نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست؛ سازمان بهزیستی عهده‌دار امر واگذاری کودکان مشمول قانون به خانواده‌های داوطلب می‌باشد.

♦ به استناد مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون فوق‌الذکر سازمان بهزیستی کشور وظیفه اعمال نظارت مستمر و برنامه‌ریزی شده در امر کودکان را به عهده دارد و موظف است که موارد تخلف را بررسی نموده و به مراجع ذیصلاح قضایی منعکس و متخلفان را معرفی نماید و نظارت مستمر بر امر واگذاری داشته و مددکاران اجتماعی خود را برای نظارت و آمادگی از وضعیت کودکانی که به خانواده‌های داوطلب سپرده شده اعزام نماید.

♦ بند ۴ ماده ۲ قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست دال بر حمایت‌های مقرر در اصل ۲۱ قانون اساسی مشخصاً حمایت از کودکان بی سرپرست را موضوع این قانون می‌داند.

♦ بند ۳ ماده ۴ قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست، نگهداری روزانه یا شبانه‌روزی کودکان و زنان سالمند بی سرپرست در واحدهای بهزیستی یا واگذاری سرپرستی و نگهداری این‌گونه کودکان و زنان به افراد واجد شرایط.

♦ ماده واحده قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست ۱۳۷۱/۹/۱، دولت را مکلف به تضمین بیمه و رفاه زنان و کودکان بی سرپرست موضوع بند (۴) اصل ۲۱ قانون اساسی نموده است.

۶. به استناد قانون واگذاری قیمومت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹ مجلس شورای اسلامی سازمان بهزیستی متکفل امور محجوران به ویژه کودکان بی سرپرست می باشد.

۷. فصل اول قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، موضوع، اهداف، قلمرو و وظایف در ماده (۱) بند (ط) صراحتاً حمایت از کودکان و زنان بی سرپرست را هدف سیاستهای رفاهی در تحقق توسعه عدالت اجتماعی کشور دانسته است.

۸. قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت:

**ماده ۲۶-** به موجب بندهای ۲ و ۱۳ ماده ۲۶ و آیین نامه نحوه صدور و ابطال پروانه فعالیتهای بهزیستی موضوع ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی، سازمان بهزیستی کشور موظف است پس از بررسی های کارشناسی برای متقاضیان فعالیت خانه های کودکان و نوجوانان پروانه صادر نمایند.

**ماده ۸۸ -** به منظور منطقی نمودن حجم دولت و کاهش تصدیگری آن، به موجب قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی، موظف است پس از بررسی های کارشناسی مراکز دولتی را به بخش خصوصی واگذار نماید.

۹. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی:

**ماده ۹۵ بند ه):** ارتقاء مشارکت نهادهای غیردولتی و مؤسسات خیریه، در برنامه های فقرزدایی و شناسایی کودکان یتیم و خانواده های زیر خط فقر، در کلیه مناطق کشور توسط مدیریت های منطقه ای و اعمال حمایت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد یاد شده توسط آنان و دستگاه ها و نهادهای مسئول در نظام تأمین اجتماعی.

**ماده ۹۶ بند ج):** تأمین بیمه خاص (در قالب فعالیتهای اجتماعی) برای حمایت از زنان سرپرست خانوار و افراد بی سرپرست با اولویت کودکان بی سرپرست.

**ماده ۹۷ بند ه):** خدمات رسانی به موقع به افراد در معرض آسیب های اجتماعی با مشارکت سازمان های غیردولتی.

## فصل دوم

### فرزندخواندگی



## تاریخچه قوانین فرزندخواندگی:

سرپرستی از کودکی که فرزند طبیعی افراد نباشد تحت عنوان «فرزندخواندگی» با هدف حمایت و نگهداری از کودکان بدون سرپرست و نیز حمایت خانواده‌های فاقد فرزند از زمانهای قدیم در جوامع بشری معمول بوده (متولی، ۱۳۸۴)، تا جایی که سرانجام در بیشتر کشورها منجر به وضع قوانینی در این زمینه شده است.

در حقوق جوامع باستانی نظیر هند، مصر، یونان، روم و غیره مقرراتی درباره فرزندخواندگی وجود دارد. در روم قدیم، فرزندخواندگی با کارکردهای نظامی، اقتصادی، عاطفی و اجتماعی به ویژه نسبت به مقامات بالای اجتماع، نوعی توافق میان طرفین بود که با رأی دادگاه ایجاد و علقه خانوادگی به وجود می‌آورد (متولی، ۱۳۸۴).

در بین رومیان مرسوم بود که با فوت پدر ریاست خانواده به عهده پسر خانواده قرار می‌گرفت. به همین دلیل داشتن فرزند ذکور اهمیت زیادی داشت و تصور می‌شد در صورت فوت پدری که فاقد فرزند ذکور است کانون خانواده از هم پاشیده خواهد شد. بنابراین اگر مردی پسر نداشت یا قادر نبود صاحب فرزند شود، پسر شخص دیگری را با توافق پدر واقعی می‌خرید و طی تشریفات خاص نزد قاضی، کلیه حقوق پدر واقعی بر پسر فروخته شده از بین می‌رفت (امامی، ۱۳۷۰) و برای چنین فرزندی مزایای بسیار زیادی قائل می‌شدند (مشگی، ۱۳۶۹).

در قرون وسطی علیرغم تأکید مسیحیت به فرزندخواندگی، کلیسا به این بهانه که مهم‌ترین عامل عضویت خانواده، داشتن خون اجداد اصلی است که فرزندخوانده طبیعتاً از آن محروم می‌باشد و بلاعقب‌بودن هم ننگی محسوب نمی‌شد تا لازم باشد جای فرزند واقعی به وسیله فرزندخوانده پر شود (مشگی، ۱۳۶۹)، با این نهاد به شدت مخالفت شد. لذا نهادی تحت عنوان فرزندخواندگی در مذاهب گوناگون مسیح پذیرفته نشده بود. اما بعضی از افراد با تشریفات و قوانین مذهبی فرزند تعمیدی که با آثار فرزندخواندگی متفاوت است می‌پذیرفتند تا این‌که مقارن با زوال سلطه کلیسا بر اروپا، این نهاد احیا گردید (امامی، ۱۳۷۰).

## فرزندخواندگی در اسلام:

قبل از ظهور اسلام، فرزندخواندگی در میان قبایل عرب شبه جزیره عربستان به دلیل موقعیت مکان و زمان آن زمان بسیار مرسوم بود. زیرا اعراب بدوی به دلیل زندگی طاقت‌فرسای چادرنشینی در صحرای خشک و سوزان، زندگی مناسبی نداشته و همواره در حال جنگ، قتل، غارت و هجوم به سایر قبایل و کاروانها بودند. بی‌تردید در چنین شرایطی داشتن نیروی تهاجمی یا دفاعی امری ضروری محسوب می‌شد و برای تأمین این نیاز و ایجاد اقتدار لازم در نظر قبایل، داشتن فرزند پسر به عنوان نیروی جنگی از ارزش فراوانی برخوردار بود. اما فرزند دختر نه تنها چنین نیازی را برآورده نمی‌ساخت بلکه در صورت شکست در جنگ در معرض تجاوز مهاجمان قرار می‌گرفت. لذا از ترس هتک حیثیت و شرافت خانوادگی ناشی از ربوده شدن دختر و تجاوز به وی، در زمانی که دختران معصوم و بی‌پناه خود را زنده به گور می‌کردند به قبول پسرخواندگان اقدام می‌نمودند. این طرز تفکر در میان مردم آن زمان قوت داشت و با شدت و تعصب فراوان رعایت می‌شد و اگر خانواده‌ای پسر نداشت یا تعداد آنها کم بود، از طریق فرزندخواندگی این کمبود را جبران می‌کرد و بر چنین رابطه‌ای (فرزندخواندگی) ضوابط خاص فرزند صلبی یعنی تمتع از ارث و حرمت نکاح را حاکم دانسته، فرزندخواندگی را «تبّنی» و فرزندخوانده را «دعی» می‌نامیدند (امامی، ۱۳۷۰).

بدین نحو جامعه عرب آن زمان که از فلسفه وجودی بسیاری از امور انسان‌دوستانه فاصله گرفته بود، سرپرستی از کودکان یتیم را نیز مانند بسیاری از موضوعات در پيله‌ای از خرافات محصور نموده و به اسبابی چون داشتن فرزندان ذکور فراوان حتی در قالب فرزندخواندگی به یکدیگر مباحثات می‌کردند و در چنین شرایطی بود که اسلام به عنوان دینی استوار بر پایه‌های عدالت‌خواهی، برابری و تقوی در شبه جزیره عربستان ظهور کرد تا بت‌های نفس را بشکند و در بسیاری از معیارهای عشیره‌ای و قبیله‌ای غلط دوران جاهلیت تغییر حاصل نموده و در ارزشهای واقعی جامعه تحولاتی به وجود آورد. لذا با نزول آیات ۳ و ۴ سوره احزاب خرافه‌گرایی در نهاد مقدس فرزندخواندگی را به شدت مورد انتقاد قرار داد (علمچی میبیدی، ۱۳۸۱). در این آیات شریفه آمده است: «... وَ مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ أَدْعَوْهُمْ لَا بِأَنَّهُمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ...». بنا بر

مفاد آیه خداوند متعال نهی کرده که فرزندخوانده‌ها را فرزند خود بنامیم و احکام فرزندان صلبی و واقعی را بر آنان جاری نماییم و در ادامه آیه بیان شده، فرزند پنداشتن فرزندخواندگان گفتار زبانی شما است و تفسیر شده است: «این که فرزندان دیگران را به خود نسبت می‌دهید، سخنی است که با دهان خود می‌گویید و جز این اثری ندارد و نیز وقتی می‌خواهید پسر خوانده خود را معرفی و یا صدا کنید طوری صدا بزنید که به پدرشان نسبت داده شوند و اگر پدران آنها را نمی‌شناسیم پسر خود هم نخوانیم و به غیر پدرانشان نسبت ندهیم، بلکه آنان را برادر خطاب کنیم و یا به اعتبار ولایت دینی ولی خود بخوانیم» (صنعتی‌نیا، ۱۳۷۰) و در آیه ۳۷ همین سوره ازدواج با مطلقه یا بیوه فرزندخوانده مباح و مجاز شمرده شده است و اعلام شده که فرزندخوانده همانند فرزند صلبی انسان نبوده و تمام آثار حقوقی رابطه‌ی بنوت اعم از نفقه، ولایت، حضانت، ارث، حرمت نکاح و... در مورد آنها اجرا نمی‌شود.

نزول آیات کریمه فوق سبب شد تا بسیاری تصور نمایند که در حقوق اسلام، فرزندخواندگی به عنوان یک نهاد حقوقی به طور کلی به رسمیت شناخته نشده است (صفایی و امامی، ۱۳۷۸). برخی نیز پنداشتند در اسلام فرزندخواندگی مردود و منسوخ شده و فرزند رضاعی جایگزین آن است. حال آن‌که فرزند رضاعی با فرزندخوانده هیچ ارتباطی نداشته و اینها دو مقوله از هم جدا می‌باشند. فرزند رضاعی به کودکی گفته می‌شود که طبق شرایط خاص از شیر زنی تغذیه نماید. چنین فرزندی صرفاً از نظر حرمت نکاح همانند فرزند صلبی است و غیر از آن هیچ یک از احکام فرزند

۱. زید بن شراحیل کلبی از قبیله بنی عبدود به روایتی، برده و اسیری بود که شخصی بنام حکیم بن خرام از بازار عکاظ خریداری و در مکه به خدیجه (سلام الله علیها) فروخت و خدیجه زید را به پیامبر بخشید که بعد از مدتی این غلام آزاد شد و پیامبر او را به فرزندخواندگی پذیرفت و زینب را که زنی صاحب جمال بود برای وی خواستگاری کرد. اما این وصلت به دلایلی ادامه نیافت و پس از مدتی آنان از هم جدا شدند. بعد از وقوع طلاق و انقضای عده، پیامبر زینب را به ازدواج خود درآورد. این عمل از نظر اعراب نوعی خرق عادت بود و مورد اعتراض شدید مردم به ویژه منافقین قرار گرفت که چرا پیامبر با عروس خود ازدواج کرده است تا این‌که آیه ۳۷ سوره احزاب نازل شد: «وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قُضِيَ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» و پیامبر در برابر اعتراضات فرمودند: «من پسری ندارم تا عروس داشته باشم و چون زید فرزند صلبی من نیست، خرق عادت نشده و با عروس خود ازدواج نکرده‌ام؛ چرا که فرزندخوانده فرزند نیست». آیه کریمه ۴۰ از سوره احزاب در این زمینه می‌فرماید: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (امامی، ۱۳۷۰).

واقعی بر آن مترتب نیست. اما از حیث روابط اجتماعی آثاری چون رعایت احترام، روابط حسنه اخلاقی بین طرفین، انفاق و سرپرستی مادر در دوران کهولت و از کارافتادگی دارد (عبادی، ۱۳۷۶). اما سؤال اساسی این که آیا سلب برخی آثار حقوقی و اجتماعی از فرزندخوانده به عنوان فرزند مجازی و متمایز ساختن آن از فرزند واقعی به معنای عدم پذیرش بنیادین فرزندخواندگی در اسلام است؟ چگونه می‌توان تصور نمود دین اسلام که به تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان توجه داشته و در زمینه نگهداری یتیمان در خانواده و رسیدگی از کودکان یتیم توصیه‌های فراوانی نموده به نحوی که در تعلیم اسلامی و سیره عملی ائمه و تاریخ اسلام نمونه‌های بسیاری از آن را می‌توان یافت، نسبت به سرپرستی از آنان بی‌تفاوت و حتی آن را مردود اعلام نماید؟ چگونه ممکن است اسلام فرزندخواندگی را رد نماید ولی پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) سرپرستی سه دختر به نام‌های زینب، رقیه، ام‌کلثوم که به روایتی خواهران حضرت خدیجه بودند را در منزلشان تقبل نمایند؟ (موسوی، ۱۳۸۴).

بنابر توضیحات فوق به صراحت می‌توان گفت برخلاف تصور برخی که نزول آیات ۳، ۴ و ۳۷ سوره احزاب را دلیل نسخ فرزندخواندگی در اسلام می‌دانند، در قوانین اسلام دلیل محکمی بر ممنوعیت فرزندخواندگی نمی‌توان ارائه کرد و اگر با نزول آیات فوق، تردیدی در اباحه و حرمت فرزندخواندگی به وجود آمده، طبق قاعده عقلی و شرعی اصله الاباحه، فرزندخواندگی امری مباح است. لذا شارع مقدس در مقام الغاء فرزندخواندگی نبوده است، بلکه آیات شریفه با هدف بیان واقعیت موجود و انفکاک آثار حقوقی فرزندخواندگی مرسوم در دوران جاهلیت از فرزند صلبی بیان شده است است نه نسخ کامل آن و ذکر فرزندخوانده و رد حرمت نکاح با فرزندخوانده در آیه ۳۷ سوره احزاب که به دنبال آیه ۴ آن سوره نازل شده و نیز قسمت اخیر آیه ۲۳ سوره نساء<sup>۱</sup> دلیل بر بقای نهاد فرزندخواندگی است و الا در صورت منسوخ بودن آن، طرح مجدد آن از طرف شارع زیننده نبود. دلیل عملی دیگر آن که پس از نزول آیات کریمه، پیامبر (صلوات الله علیه) زید را از خانواده خود طرد نکرد و هیچ گونه اختلالی در روابط عاطفی موجود میان پیامبر و زید حادث نشد (امامی، ۱۳۷۰).

۱. وَخَلَّائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ ... ( ازدواج با زن پسر صلبی بر پدر حرام گردیده )



نتیجه آنکه نظام حقوقی اسلام که به نهاد خانواده بسیار ارج نهاده و قوانین جامعی در این خصوص تبیین نموده است، محیط خانواده را بهترین محیط برای اطفال می‌داند و به جای دادن یتیم در منزل و تأمین نیازمندیهای او بسیار توصیه کرده است. پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) می‌فرمایند: «من عال یتیمأ حتی یستغنی عنه اوجب الله عزوجل له بذلک الجنة». یعنی کسی که یتیمی را در خانواده‌ی خود نگهداری کند و از هر جهت در پرورش او بکوشد تا دوران کودکی او سپری شود و از سرپرستی بی‌نیاز شود، با این عمل خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند. ایشان همچنین بیان داشته‌اند: «خیر بیت فی المسلمین بیت فیه یتیم و یحسن الیه و شربیت فی المسلمین بیت فیه یتیم یساء الیه ناو کافل الیتیم فی الجنة هکذا» بهترین خانه‌های مسلمانان خانه‌ای است که در آن یتیمی است و با او نیکی کنند و بدترین خانه‌های مسلمانان خانه‌ای است که در آن یتیمی است و به او بدی کنند. من و کسی که کفالت یتیم را به عهده بگیرد در بهشت مانند دو انگشت همراهیم (نهج الفصاحه). حضرت علی (علیه السلام) در مورد یتیمان می‌فرماید: «الله، الله، فی الایتام، فلا تغبوا افواههم و لایضیعوا بحضرتکم» از خداوند بترسید درباره یتیمان، در غذای جسم آنان مسامحه نکنید، مرتب غذای آنها را بدهید و مواظب باشید که گاه گاه نباشد، در غذای جان آنان نیز مراقبت کنید متوجه باشید روحیه آنها در برابر شما ضایع نشود تا روانشان آزرده نگردد. همچنین ایشان در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر دستور می‌دهد تا مواظب یتیمان باشد و به وضع آنان رسیدگی کند و نیز در وصیت خود به امام حسن و امام حسین (علیه السلام) می‌فرمایند: «یتیمان را گرسنه نگذارید و مواظب باشید که در اثر بی‌سرپرستی تباه نگردند» (امامی، ۱۳۷۰). لذا بنابر توصیه‌های مؤکد ائمه اطهار (علیهم السلام) مبنی بر پرورش و نگهداری ایتام در خانواده، در نظام تربیتی اسلام مکانی تحت عنوان «دارالایتام و پرورشگاه» نداریم (علمچی میبیدی، ۱۳۸۱)، که این امر دلیل دیگری بر بقای نهاد فرزندخواندگی و نگهداری از یتیمان در خانواده‌های جایگزین می‌باشد.

## فرزندخواندگی در ایران:

در ایران باستان به دلیل اعتقادات دین زرتشت، قبول کودکان به فرزندی (فرزندخواندگی)، جزو وظایف دینی و اخلاقی بود.<sup>۱</sup> در این ایام فرزندخوانده، احکام فرزند حقیقی را داشته و فرزندخواندگی جایگاه ویژه‌ای داشت. زیرا زرتشتیان معتقد بودند که «فرزند عنوان پل صراط (چینوت) را دارد و کسی که فرزند و خویشان ندارد باید کسی را به فرزندی بپذیرد تا در سر پل دستگیر و راهنمای او باشد» (موسوی‌نژاد، ۱۳۷۷). لذا مردان فاقد اولاد مکلف بودند به وسائل مختلف، فرزند دیگری را به عنوان فرزندخوانده انتخاب نمایند تا به این وسیله خانواده و آیین نیاکان خود را برجای گذارند و به بهشت وارد شوند (متولی، ۱۳۸۴). در این زمان سه نوع فرزندخواندگی در ایران مرسوم بود:

۱۰. فرزندخوانده انتخابی: به این معنا که فرزندخوانده‌ای که پدر و مادرخوانده فاقد فرزند، در زمان حیات خود او را به فرزندی می‌پذیرفتند.
۱۱. فرزندخوانده قهری: یعنی دختر منحصر متوفایی که آن متوفی برادر یا پسر نداشت که در این صورت آن زن یا دختر بدون اراده و به طور قهری فرزندخوانده متوفی محسوب می‌گردید.
۱۲. فرزندخوانده‌ای که ورثه متوفای بدون اولاد بعد از فوتش برای او انتخاب می‌کردند (امامی، ۱۳۷۰).

در دوره ساسانیان قوانین مدنی ایران نیز حمایت از افراد بی‌سرپرست به ویژه کودکان را ارج نهاده و این امر را توسط اقوام و یک نهاد دولتی و رسمی انجام می‌داد (کریستین، آرتور، به نقل از موسوی‌نژاد، ۱۳۷۷). اما علیرغم پذیرش این نهاد در دوران ساسانیان، با ورود اسلام به ایران زمین و به دلایلی که قبلاً بیان شد، تصور گردید که فرزندخواندگی منسوخ شده است. اما نظر به این که نوع دوستی جزء فرهنگ اصیل ایرانیان بوده و بنا بر تأکیدات دین مبین اسلام در مورد ضرورت

۱. زرتشتیان کنونی ایران آئین سابق درخصوص فرزندخواندگی را حفظ کرده‌اند. در آئین‌نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران در قسمت فرزندخواندگی مقرر شده تعیین فرزندخوانده به منزله فرزند حقیقی است. بنابراین مرد و زن بدون اولاد با موافقت یکدیگر می‌توانند فرزندخوانده زرتشتی بپذیرند. در این رابطه قواعد ارث همانند فرزند حقیقی حاکم است. اما زمانی که زن بیوه یا شوهر بیوه کسی را به فرزندی بپذیرد آن فرزندخوانده وارث همان زن یا شوهر است. هر گاه مردی بدون اولاد فوت نماید و فرزندخوانده نیز نداشته باشد و وصیتی هم نکرده باشد، ورثه می‌توانند در صبح روز چهارم فوت با حضور موبد و حضار، پسر یا مردی زرتشتی را به سمت پل گذاری شخص متوفی تعیین کنند و در این صورت پل گذار سِمَتِ فرزند حقیقی را خواهد داشت (مشگی، ۱۳۶۹).

رسیدگی به ایتم، فقدان نهاد فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران موجب نشد تا اشخاص نیکوکار به نگهداری و تربیت اطفال بی‌سرپرست قیام نکنند. زیرا آنان این عمل را یک وظیفه انسانی، وجدانی و مذهبی تلقی می‌کردند که برای انجام آن نیازی به فرزندخواندگی رسمی نبود و چه بسا دادگاه به پیشنهاد دادستان اطفال بی‌سرپرست را به اشخاصی که مایل به نگهداری آنان بودند و شایستگی این کار را داشتند واگذار می‌کرد و ایشان به عنوان امین موقت یا قیم تحت نظارت دادستان طفل را بزرگ می‌کردند و همه گونه نیکی و محبت در حق او روا داشته و از عواطف و احساسات والدینی خود برخوردار می‌نمودند و حتی اموال خود را در قالب هبه، صلح یا وصیت به آنان واگذار می‌کردند (صفایی و امامی، ۱۳۷۸). بنابراین سرپرستی از کودکان یتیم با انگیزه‌های صرفاً معنوی به صورت نگهداری از آنان در خانواده یا تهیه امکانات مادی، همواره به صورت یک تعهد اخلاقی در کانون توجه مردم ایران بود اما انجام این امر مبنای قانونی نداشت (نظری، ۱۳۸۰)، تا این که قانون‌گذار ایران در ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۳ به علت فواید فردی، نیاز مبرم جامعه و حمایت از اطفال بدون سرپرست نخستین گام برای شناسایی و منظم ساختن روابط اخلاقی این گونه کودکان با خانواده‌ها را با پذیرش نهاد خاصی به نام سرپرستی برداشت.

قانون‌گذار این نهاد حمایتی را که تا حدی مشابه فرزندخواندگی و به دیگر سخن نوعی از آن است (صفایی و امامی، ۱۳۷۸)، را از قانون «فرزندخواندگی» سایر کشورهای اروپایی به ویژه حقوق فرانسه اقتباس و به صراحت فرزندخواندگی ایرانیان غیرشیعه را از شمول قانون خارج نمود (امامی، ۱۳۷۰). اما از آنجا که قواعد حقوقی ایران به ویژه در زمینه خانواده، ارث و نکاح برگرفته از فقه امامیه و مربوط به نظم عمومی بوده و هرگونه توافق برخلاف آن امری باطل و بی‌اثر است، به احترام سنت‌های مذهبی و ملی نهادی نظیر فرزندخواندگی در نظام‌های حقوقی غرب مجاز شناخته نشده و برای قانون فوق عنوان «فرزندخواندگی» را انتخاب نکرده است تا واکنش نامطلوبی ایجاد نشود (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

سرپرستی پوششی برای پنهان داشتن عنوان فرزندخواندگی و در واقع کنایه از امکان پذیرفتن فرزند در خانواده‌ها است و شاید بتوان تصویب قانون در آخرین روز کاری مجلس یعنی ۲۹ اسفند ماه را از اقدامات اندیشمندانه و تا حدی زیرکانه مقنن در شرایط زمانی و مکانی خاص آن زمان دانست.

بنابراین در نظام حقوقی ایران، فرزندخواندگی مطابق با آنچه که در نهادهای حقوقی سایر کشورهاست وجود نداشته و آنچه از روی مسامحه به این نام خوانده می‌شود همان سرپرستی از کودکان فاقد سرپرست است. آثار این پذیرش محدود است و بیش‌از مزایای تعیین شده در قانون مذکور نمی‌توان امتیازی برای کودک تحت سرپرستی قایل شد (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

### بررسی قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳:

اصلی‌ترین قانون در خصوص سرپرستی از کودکان فاقد سرپرست در حقوق موضوعه ایران، قانون «حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹» است که در عرف فعلی به قانون فرزندخواندگی مرسوم شده است. در واقع قانون‌گذار با انتخاب عنوان «سرپرستی» برای این قانون، ماهیت آن را در پرده‌ای از ابهام فرو برده، به نحوی که مشخص نیست منظور از سرپرستی، ولایت یا قیمومت یا نمایندگی حاکم در تربیت و نگهداری کودک است.

دشواری توصیف حقوقی سرپرستی در رویه قضایی نیز آثاری را به وجود آورده است. بدین معنا اگر سرپرست نوعی قیم باشد دادگاه مدنی خاص که جانشین دادگاه حمایت خانواده است می‌بایست به صدور حکم اقدام نماید و چنانچه سرپرستی از کودکان بی‌سرپرست نهادی مستقل و خاص باشد صلاحیت دادگاه‌های عمومی ترجیح داده می‌شود. اما حقیقت آن است که سرپرستی مذکور، اگر چه شباهت‌های بسیاری به قیمومت دارد. زیرا هر دو با حکم مقام قضایی ایجاد می‌شود و قابل فسخ است و نیز نظارت مقامات قضایی در هر دو مورد وجود دارد، اما اساساً نهاد مستقلی است که تابع احکام خاص قانون ۱۳۵۳ است. رویه قضایی ما نیز تفاوت عمده‌ای حداقل در صلاحیت محاکم بین این دو نهاد حقوقی قائل شده است<sup>۱</sup> (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

۱. رای هیأت عمومی دیوان عالی درخصوص تشخیص دادگاه صلاحیت‌دار راجع به تعیین سرپرست برای کودکان بی‌سرپرست موضوع قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳ به شماره ۲۲ مقرر داشته: «عبارت (نصب قیم) در بند ۳ از ماده ۳ لایحه قانون دادگاه مدنی خاص ناظر به مواردی است که مطابق قوانین مدنی و امور حسبی دادگاه‌ها موظفند برای صغار نصب قیم نمایند و عبارت مذکور به هیچ وجه شامل موضوع سرپرستی مذکور در قانون حمایت کودکان بدون سرپرست مصوب اسفند ماه ۵۳ که از حیث نحوه سرپرستی و شرایط به کلی با مفهوم قیمومت و مختصات آن متفاوت است نمی‌باشد، بنابراین نظر شعبه نهم دیوان عالی کشور که مشعر به صلاحیت دادگاه عمومی است موجه و منطبق با موازین قانونی تشخیص و تایید می‌شود، این رای مطابق قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم الاجراست.»

هدف اصلی مقنن در این قانون، الحاق قانونی نهاد فرزندخواندگی به سیستم حقوقی ایران و جانشینی آن به جای ارتباط نسبی است. در ماهیت حقوقی رابطه ایجاد شده والدین فرزندپذیر و کودک، بین حقوق دانان وحدت نظر وجود ندارد تا جایی که برخی آن را تلویحاً قرابت دانسته و معتقدند این قانون برای حمایت بیشتر از اطفال، ضوابطی برای سرپرستی مقرر کرده و آن را به صورت یک نهاد حقوقی در آورده است که می‌توان آن را منشاء نوعی قرابت در حقوق ایران دانست (صفایی و امامی، ۱۳۷۸). اما برخی دیگر اعتقادی به قرابت ندارند. به نظر آنان فرزند واقعی کسی است که از نسل دیگری است و با والدین خود رابطه خونی دارد. اما گاه قانون‌گذار به احترام اراده زن و شوهری که کودک بیگانه‌ای را به فرزند می‌پذیرند و به منظور حمایت از کودک، او را در حکم فرزند خانواده می‌شمارد. در این وابستگی پیوند طبیعی و محکمی میان فرزند و سرپرستان ایجاد نمی‌شود و در اثر حوادثی نظیر فوت پدرخوانده یا مادرخوانده یا فرزند این رابطه از بین می‌رود و کودک به فرزند والدین دیگری پذیرفته می‌شود، زیرا درجه وابستگی این فرزند به خانواده تابع احکام قانون است و براساس سیاست قانون‌گذار زایل می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۳).<sup>۱</sup>

همان‌طور که بیان شد، اولین اقدام قانونی برای تنظیم روابط حقوقی میان کودک و خانواده فرزندپذیر در حقوق ایران، قانون ۱۷ ماده‌ای «حمایت از کودکان بدون سرپرست» است که به بیان تشریفات، شرایط زوجین و کودک تحت سرپرستی پرداخته و مقررات و قواعد آن را بیان نموده است. اما قبل از تحلیل مواد قانون یاد شده باید دانست که فرزندخواندگی در این قانون تعریف نشده است. عدم تعریف فرزندخواندگی سبب شده تا حقوق دانان از الفاظ و عبارت گوناگونی برای تعریف استفاده نمایند که در زیر بیان می‌شود:

«یک عمل حقوقی است که موجب پیدایش رابطه فرزند صوری بین دو شخص می‌شود. یکی را فرزندخواه (Adopt ant) و دیگری را فرزندخوانده (Adoptee) نامند و رابطه مزبور را فرزندخواندگی (Adoption) خوانند. این عمل سلب حقوقی را که فرزندخوانده در خانواده واقعی خود دارد نمی‌کند. عمل مزبور نمونه یک عقد تشریفاتی است که باید به تصدیق دادگاه برسد.» (لنگرودی، ۱۳۷۷، ص ۴۹۷)

۱. برخلاف قانون ایران که فرزندخوانده را فرزند حکمی و مجازی پذیرندگان می‌داند، قوانین سایر کشورها این فرزند را به طور کامل در زمره فرزندان مشروع زن و شوهر دانسته و برخی دیگر این الحاق را به طور کامل مجاز ندانسته و رابطه وی را با خانواده طبیعی محفوظ و صرفاً در برخی جهات او را در حکم فرزند خانواده پذیرنده محسوب می‌نمایند (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

برخی، فرزندخواندگی را رابطه قضایی که موجب پذیرش طفلی به عنوان فرزندخوانده، از سوی زن و مردی که والدین بیولوژیک (واقعی) او نیستند، دانسته‌اند که در برخی رژیم‌های حقوقی همان آثار فرزند بیولوژیک را دارد (غمامی، ۱۳۸۴) و برخی دیگر در تعریف بیان داشته‌اند فرزندخواندگی یا تبنی آن است که شخص، فرزند دیگری را به فرزند پذیرد. این نوع رابطه ایجاد قرابتی صرفاً حقوقی می‌کند. به عبارت دیگر با قبول فرزندخواندگی، قانون یک رابطه مصنوعی پدر یا مادر فرزندی بین دو نفر ایجاد می‌کند، (صفایی و امامی، ۱۳۷۸). اما آیین‌نامه اجرایی فرزندخواندگی سازمان بهزیستی کشور، آن را بدین نحو تعریف نموده است:

«فرزندخواندگی به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن یک کودک از سوی یک زن و شوهر که والدین بیولوژیک (زیستی) او نیستند ولی قانوناً والدین او شمرده می‌شوند در خانواده‌ای پذیرفته می‌شود. با توجه به این مباحث می‌توان فرزندخواندگی را شیوه‌ای از مراقبت کودکان معرفی کرد که در آن رابطه والد-فرزندی به شیوه‌ای قانونی، عاطفی و اجتماعی بین افرادی برقرار می‌شود که هیچ رابطه‌ای به واسطه تولد با یکدیگر ندارند.» (آیین‌نامه اجرایی فرزندخواندگی، ۱۳۸۵)

از آنجا که فرزندپذیری از جمله فرآیندهای بسیار پیچیده و تخصصی است که نه تنها از بُعد حقوقی بلکه از سایر جنبه‌های اجتماعی، عاطفی و... قابل بررسی است، به نظر می‌رسد تعریف اخیر جامع‌تر است.

در حقوق ما فرزندخواندگی از شمار قراردادهای خارج است. بنابراین توافق و انعقاد قرارداد بین خانواده فرزندپذیر با خانواده بیولوژیک درخصوص سرپرستی هیچ اثر حقوقی ندارد. براساس مصلحت طرفین رابطه فرزندپذیری<sup>۱</sup> مطابق قانون و با صدور حکم دادگاه صالحه ایجاد می‌شود و چنانچه افرادی بخواهند خارج از این رویه، قبول سرپرستی نمایند نه تنها قانون از آنها حمایت نمی‌کند بلکه در صورت تخطی، با متخلفان برخورد می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

فرزندخواندگی دو هدف را دنبال می‌کند. در مرحله نخست قصد دارد کانون مناسبی برای کودکان بی‌سرپرست بیابد و دیگر آن که تحکیم بنیانهای خانوادگی را دنبال کند. لذا برای رسیدن به این

۱. منظور از طرفین رابطه فرزندپذیری؛ اجزاء سه گانه فرزندپذیری (فرزندخوانده، والدین فرزندپذیر و والدین بیولوژیک یا زیستی کودک) هستند، (رزاقی، ۱۳۸۵)

هدف و مصالح یاد شده شرایطی برای کودکان بی سرپرست در ماده ۶ و خانواده‌های متقاضی در ماده ۱ و ۳ بیان داشته است.

با استنباط از مفهوم ماده ۱ قانون، زن و مرد متقاضی فرزندپذیری باید منحصرأ زن و شوهر باشند. وجود رابطه قانونی زناشویی با توجه به مبانی اعتقادی و نظم عمومی جامعه ایرانی، لازم دیده شده است. هر چند قانون تصریح نکرده که نکاح زن و شوهر دائم یا موقت باشد، اما از عبارت «اختلاف زناشویی زوجین سرپرست منجر به صدور گواهی عدم امکان سازش می‌شود»، مندرج در ماده ۱۲ همین قانون می‌توان استنباط نمود که نکاح می‌بایست دائم باشد (کار، ۱۳۷۸). نکاح موقت از آن جا که ثبات و دوام ندارد نمی‌تواند زمینه مناسبی برای سرپرستی کودک باشد. به عبارت دیگر مطابق قواعد عمومی حقوق ایران، به هیچ وجه رابطه‌ای بین طفل کمتر از ۱۲ سال مذکر یا مؤنث و فرد مجرد (اعم از ایرانی یا خارجی) به عنوان پدرخوانده یا مادرخوانده ایجاد نخواهد شد. زیرا فرض قانون آن است که با محبت توأم پدر و مادر در خانواده‌ای ولو حکمی (مجازی) منافع عالیه کودکی که از داشتن خانواده و والدین محروم مانده تأمین می‌شود (عبادی، ۱۳۷۵).

در تصمیم بر سرپرستی کودک، اراده دو سویه زن و شوهر مطرح است. لذا به لحاظ جلوگیری از برخوردهای نامناسب احتمالی که ممکن است در سایه عدم رضایت احتمالی زن یا شوهر بر روابط کلی خانواده پس از اخذ سرپرستی کودک سایه افکند و نیز به دلیل این که زن و شوهر هر دو وظایف خود را مانند والدین اصلی انجام دهند، توافق زوجین غیرقابل انکار است (شاهنگی، ۱۳۸۵). بنابراین مقنن از باب تأکید در ماده ۳ مقرر داشته؛ تقاضانامه سرپرستی باید به طور مشترک از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه شود.

برابر ماده ۱ قانون مذکور، مقیم بودن زن و شوهر در ایران از جمله شرایط سرپرستی است. منظور از مقیم، داشتن اقامتگاه به مفهوم قانون مدنی در ایران است. بنابراین چنانچه زن و شوهر اقامتگاه متفاوتی داشته باشند و فقط اقامتگاه یکی از آنان در ایران باشد، نمی‌توانند عهده‌دار سرپرستی شوند (صفایی و امامی، ۱۳۷۸). مطابق این ماده، قانون ایران صرفاً به شرط اقامت اکتفا کرده و تابعیت ایرانی را برای سرپرستی لازم ندانسته است. بدین معنا هر زن و مرد غیر ایرانی مقیم در کشور ایران می‌توانند متقاضی فرزندخواندگی باشند.

قانون‌گذار به منظور تأمین منافع عالیه طفل و یافتن بهترین پدر و مادر، علاوه بر شرط اقامت سرپرستان در ایران، هشت شرط بنیادین را در ماده ۳ در نظر گرفته که سه شرط آن مربوط به بُعد اخلاقی زوجین و مابقی نیز در بیان لزوم مرتفع بودن موانع حقوقی چون حجر یا مربوط به وضعیت جسمانی و مالی زوجین است. این شرایط در واقع تضمین‌هایی برای حفظ سلامت جسمانی و اخلاقی متقاضیان است و جملگی نشان از اهمیت قانون‌گذار به نحوه نگهداری و تربیت شایسته فرزندخوانده و تضمینات اخلاقی و مالی دارد.

به تجویز ماده ۳ تقاضانامه آن گروه از زوجین توسط دادگاه پذیرفته می‌شود که دارای شرایط مصرح زیر باشند:

۱۳. پنج سال تمام از ازدواج آنان گذشته و از این ازدواج صاحب اولادی نشده باشند.

۱۴. سن یکی از زوجین حداقل ۳۰ سال تمام باشد.

۱۵. هیچ یک از زوجین دارای محکومیت جزائی مؤثر (به علت ارتکاب جرائم عمدی) نباشند.

۱۶. هیچ یک از زوجین محجور نباشند.

۱۷. زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند.

۱۸. زوجین یا یکی از آنها دارای امکانات مالی باشند.

۱۹. هیچ یک از زوجین مبتلا به بیماری واگیردار و صعب‌العلاج نباشند.

۲۰. هیچ یک از زوجین معتاد (به الکل یا مواد مخدر یا سایر اعتیادات مضره) نباشند.

به موجب بند (۱) ماده ۳، هرگاه زوجین از رابطه زوجیت خود دارای فرزند واقعی باشند دادگاه آنان را واجد شرایط نگهداری فرزند بی‌سرپرست نخواهد شناخت. زیرا منافع کودک در خانواده بدون فرزند بهتر تأمین می‌شود. همچنین مقنن خواسته خانواده‌های فاقد فرزند نیز بتوانند از داشتن فرزند بهره‌مند شوند (صفایی و امامی، ۱۳۷۸) و از آنجا که یکی از اهداف قانون‌گذار تحکیم بنیان خانواده‌های فاقد فرزند واجد شرایط است، لذا به منظور احتراز از نگرانی‌های آینده و جلوگیری از ورود آسیب‌های عاطفی در تبصره ۱ ماده ۳ تصریح نموده، باردار شدن زوجه یا تولد کودک دیگر در خانواده سرپرست در دوران آزمایشی یا پس از صدور حکم قطعی سرپرستی باعث زوال شرایط مندرج در ماده ۳ نخواهد شد. اما ظرافت خاص دیگری در این ماده قانونی نهفته



است. بدین معنا که سرپرستان چنانچه از ازدواج دیگر خود صاحب فرزند باشند می‌توانند تقاضای سرپرستی نمایند.

دلیل گذشت پنج سال از ازدواج مندرج در بند (۱) ماده ۳ را می‌توان گذر از سن تصمیمات عجولانه، احراز تحکیم زندگی زناشویی متقاضیان، تثبیت وضعیت اشخاصی که مایل به سرپرستی طفل هستند از نظر صاحب فرزند شدن یا نشدن (صفایی و امامی، ۱۳۷۸) و فرصتی برای کسب اطلاعات درباره‌ی مسؤولیت‌های فرزندپذیری (رزاقی، ۱۳۸۵) دانست. قانون‌گذار در بند (۲) ماده ۳ برای حداقل یکی از سرپرستان شرط سنی حداقل ۳۰ سال را انتخاب نموده است. با وجود این به موجب تبصره ۲ ماده ۳ هرگاه زوجین به دلایل پزشکی نتوانند صاحب فرزند شوند دادگاه می‌تواند آنان را از شرایط بند (۱) و (۲) این ماده معاف نماید. مثلاً هرگاه زن و مردی که کمتر از ۳۰ سال سن دارند و سه سال از ازدواج آنان گذشته باشد و به‌وسیله گواهی پزشکی قانونی اثبات کنند که صاحب فرزند نخواهند شد با نظر دادگاه می‌توانند متقاضی سرپرستی باشند. از عبارت «دادگاه می‌تواند» مندرج در تبصره ۲ ماده فوق می‌توان دریافت معافیت از شرط سنی و گذشت پنج سال از ازدواج از جمله اختیارات دادگاه و پس از اعلام نتیجه آزمایش‌های پزشکی قانونی مبنی بر عدم امکان صاحب فرزند شدن است و دادگاه الزامی در پذیرش آن ندارد.

نکته مبهم، فعل «نتوانند» مندرج در تبصره ۲ ماده ۳ است. بدین معنا چنانچه منظور قانون‌گذار از فعل موصوف زمان تسلیم تقاضا باشد، زوجینی که از ازدواج خود صاحب فرزند هستند و در حال حاضر به دلیل پزشکی نمی‌توانند صاحب فرزند شوند نیز می‌توانند حائز شرایط سرپرستی باشند و در صورتی که منظور مقنن عطف به ماسبق شدن وضعیت ایجاد شده (صاحب فرزند نشدن) باشد دادگاه می‌تواند صرفاً به متقاضیانی که از ازدواج فعلی خود صاحب اولاد نشده باشند سرپرستی کودک را واگذار کند که با توجه به روح کلی قانون فرض دوم قوی‌تر است و رویه محاکم نیز تاکنون بر همین اساس بوده است.

مطابق بند (۳) هیچ یک از زوجین نباید دارای محکومیت جزایی مؤثر به علت ارتکاب جرائم عمدی باشند. زیرا این گونه محکومیت‌ها قرینه‌ای بر ناشایستگی شخص برای سرپرستی است. به منظور تأمین منافع مادی و معنوی طفل در بند (۴) بیان شده، هیچ یک از زوجین نباید محجور باشند. به عبارت دیگر صغیر، سفیه یا مجنون نباشند (صفایی و امامی، ۱۳۷۸). مقنن جهت حفظ

سلامت جسمی و روحی کودک تحت سرپرستی مطابق بندهای (۵)، (۷) و (۸) صلاحیت اخلاقی، عدم ابتلا به بیماری‌های واگیر صعب‌العلاج و عدم اعتیاد به الکل و سایر اعتیادات مضر را به عنوان شرایط متقاضیان و در بند (۶) تمکن مالی زوجین یا یکی از آنان برای رفع نیازهای متعارف خانواده را از ضروریات دانسته است.

قانون درخصوص مسلمان یا غیرمسلمان بودن طرفین رابطه فرزندخواندگی حکمی را پیش‌بینی نکرده است و شاید این‌گونه استنباط شود که این موضوع تأثیری در فرزندخواندگی نداشته باشد و براساس چنین خلاء قانونی حکم نماییم که سرپرستی اطفال مسلمان توسط غیرمسلمانان بدون اشکال است. اما بر خلاف تصور، بنا بر اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، وظیفه قاضی آن است که در باب سرپرستی از اطفال بی‌سرپرست به منابع اسلامی مراجعه و حکم مزبور را از منابع یاد شده استخراج نماید<sup>۱</sup> (فدوی، ۱۳۸۴). همچنین با وحدت ملاک از ماده ۱۱۹۲ قانون مدنی می‌توان گفت که در صورت مسلمان بودن طفل، زن و شوهر سرپرست می‌بایست مسلمان باشند. زیرا ولایت غیرمسلمان بر مسلمان صحیح نیست (کار، ۱۳۷۸).

بنا بر توضیحات فوق، رأی صادره از شعبه ۲۵ دادگاه عمومی به شماره ۱۹۷ که به سرپرستی زوجین هلندی برای کودک مسلمان مشروط به این‌که کودک را براساس آداب و رسوم اسلامی و شیعه اثنی عشری پرورش دهند، قابل ایراد است. زیرا موضوع مبهم آن است که سرپرستان غیرمسلمان چگونه خواهند توانست تعهد خود را مبنی بر این‌که فرزند را مسلمان و شیعه اثنی عشری پرورش دهند عملی نمایند؟!!!

ماده ۶ سه حالت را برای طفل واجد شرایط مقرر در قانون جهت سرپرستی متصور شده است:

۲۱. هیچ یک از پدر یا جد پدری (ولی قهری) یا مادر طفل در قید حیات نباشند.

۲۲. هیچ یک از پدر یا جد پدری (ولی قهری) یا مادر طفل شناخته نشده باشند.

۲۳. کودکانی که به مؤسسه عام‌المنفعه سپرده شده و سه سال تمام پدر یا مادر یا جد پدری او مراجعه نکرده باشند.

۱. در حقوق اسلام ولایت کافر بر مسلم به موجب آیه ۱۴۱ سوره نساء «... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» پذیرفته نشده است (صفایی و امامی، ۱۳۷۸).

بنابراین به تجویز بند ۳ ماده ۶ کودکانی که به دلایلی چون عدم صلاحیت، عدم توانایی در نگهداری یا عدم دسترسی والدین یا جد پدری و... به مؤسسه‌ی عام‌المنفعه سپرده شده و سه سال تمام هیچ یک از پدر، مادر یا جد پدری مراجعه مؤثری جهت سرپرستی از آنان نکرده‌اند را می‌توان به سرپرستی سپرد.

برخی استدلال نموده‌اند که شرط گذشت سه سال از مدت اقامت کودکان در مؤسسه عام‌المنفعه برای کودکان رها شده نیز الزامی است اما برخلاف این تصور اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۲۶۷۷ مورخ ۱۳۸۱/۴/۳۰ بیان داشته با توجه به این که طفل رها شده از ناحیه والدین و یا احد از آنها به مؤسسه عام‌المنفعه سپرده نشده است، لذا نیازی به گذشت ۳ سال تمام ندارد و دادگاه می‌تواند وفق ماده ۴ بلافاصله مبادرت به صدور قرار دوره آزمایشی به مدت شش ماه نموده و طفل را به زوجین سرپرست بسپارد (شهری، ۱۳۸۴).

همچنین به موجب این ماده طفلی که برای سرپرستی سپرده می‌شود باید کمتر از ۱۲ سال داشته باشد. بنابراین از تاریخ ۱۳۵۴ به بعد، دادگاه نمی‌تواند برای طفل بالای ۱۲ سال حکم فرزندخواندگی صادر نماید. زیرا فرض مقنن آن است که طفل خردسال آمادگی بیشتری برای انطباق با خانواده جدید دارد و پذیرش او در خانواده و ایجاد رابطه عاطفی بین او و خانواده فرزندپذیر آسان‌تر است<sup>۱</sup> (صفایی و امامی، ۱۳۷۸).

هر چند در این قانون شرایطی برای سرپرستی ملحوظ شده است، اما قانون‌گذار نخواست به روابط فرزندخواندگی که بین خانواده‌ها و کودکان تحت سرپرستی قبل از تصویب این قانون شکل گرفته خللی وارد نماید. بنابراین به موجب تبصره ماده ۶ علاوه بر شناخت حق تقدم برای کسانی که از جهات اخلاقی و مادی واجد شرایط بوده و قبل از تصویب این قانون کودکانی را تحت سرپرستی گرفته‌اند آنان را از شرط سنی مندرج در ماده ۳ معاف نموده است. نظیر همین معافیت درخصوص شرط سنی کودکان تحت سرپرستی نیز رعایت شده است.

به صراحت ماده ۲ هدف اصلی قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، تأمین منافع توأمان مادی و معنوی کودک است. به همین منظور قانون‌گذار وجود شرایط خاصی برای متقاضیان را لازم

<sup>۱</sup> مطابق بند ۳ ماده واحده قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه ۱۳۱۲، درخصوص شرط سنی فرزندخواندگی به قواعد و مقررات دین و مذهب پدرخوانده توجه می‌شود، (فدوی، ۱۳۸۴).

دانسته است. به علاوه می‌بایست در تفسیر کلیه مواد قانون و تنظیم روابط مالی و غیرمالی سرپرست و فرزندخوانده این هدف مورد غفلت قرار نگیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۳). اما علیرغم این هدف، سرپرستی از موجبات ارث نخواهد بود. به عبارت دیگر نه فرزندخوانده از زوجین ارث می‌برد، نه زوجین در زمره وراثت او در می‌آیند و چنانچه مثلاً زوج سرپرستی فوت کند و اموال او بین همسر و کودک تحت سرپرستی طبق قواعد ارث تقسیم شود، برادر و خواهر متوفی می‌توانند با اثبات فرزندخوانده بودن کودک، از تعلق ارث به وی ممانعت نمایند.

برابر رأی شماره ۷/۲۹۸۱/۷۴، دیوان عالی کشور ما نیز پذیرفته است که درج نام در شناسنامه برای اثبات نسب و وراثت کافی نبوده و با اثبات رابطه سرپرستی می‌توان مانع از توارث شد (بازگیر، ۱۳۷۵). اما بی‌تردید محروم ماندن فرزندخوانده از میراث خانواده پذیرنده؛ آینده کودک و تربیت او را به خطر می‌اندازد و نگرانی‌هایی پس از صدور مجوز سرپرستی وجود دارد. در رفع این نقیصه دستورالعمل اجرایی نحوه پذیرش، نگهداری، ترخیص و پیگیری فرزندان تحت حمایت و سرپرستی خدمات حمایتی سازمان بهزیستی کشور به شماره ۸۰۰/۶۶۰ مورخ ۱۳۶۷/۳/۲ در مبحث فرزندخواندگی تأمین منافع مالی فرزند به یکی از اشکال زیر را به ترتیب اولویت در نظر گرفته است:

۲۴. مصالحه انتقال یک سوم املاک زوجین به فرزند از طریق یکی از دفاتر اسناد رسمی.

۲۵. در صورتی که زوجین فاقد ملک باشند اخذ تعهد انتقال یک سوم کلیه دارایی‌شان بعد از فوت به کودک با معرفی ضامن از طریق یکی از دفاتر اسناد رسمی.<sup>۱</sup>

۲۶. هر روش اطمینان بخش دیگری که انجام آن میسر باشد (منصوری، ۱۳۷۶). البته هر روش اطمینان بخش دیگر می‌تواند انتقال وجوه (افتتاح حساب بانکی)، یا افتتاح حساب بیمه عمر و پس‌انداز و... به نفع کودک باشد.

۱. در توضیح بند ۲ لازم به ذکر است که در برخی موارد زوجین فرزندپذیر طی وصیت‌نامه‌ای متعهد به انتقال یک ثلث کلیه اموال منقول و غیرمنقول (ماترک) خود به نفع کودک می‌شوند که این امر با منافع عالی‌ه کودک هماهنگی بسیاری ندارد. چرا که مطابق ماده ۸۲۹ قانون مدنی قبول موصی‌له قبل از فوت موصی مؤثر نیست و موصی می‌تواند از وصیت خود رجوع کند. همچنین این فرض وجود دارد که در زمان فوت، موصی فاقد اموال باشد یا قبل از فوت اموال خود را در قالب عقود معین یا نامعین به سایرین منتقل نماید. بنابراین در راستای منافع کودک پیشنهاد می‌شود که از قرارداد «تعهد به انتقال ثلث کلیه دارایی‌ها» استفاده شود تا بتوان پس از صدور حکم قطعی سرپرستی از طریق الزام متعهدین به انتقال  $\frac{1}{3}$  اموال اقدام نمود.

یکی از اسباب نگرانی خانواده‌های فرزندپذیر آن است که اگر کودک بمیرد، اموال منتقله به کودک به نفع چه کسی استفاده می‌شود؟ دولت یا ورثه فرزندخوانده در خانواده بیولوژیک که حتی حاضر به سرپرستی از او نبوده‌اند؟!<sup>۱</sup>

همچنان‌که اشاره شد مقنن برای رفع این نگرانی در تبصره ماده ۵ تصریح نموده که هر گاه وجوه یا اموالی از طرف زوجین سرپرست به طفل تحت سرپرستی صلح شده باشد در صورت فوت طفل، وجوه و اموال مذکور از طرف دولت به زوجین سرپرست تملیک خواهد شد. زیرا فرض قانون‌گذار آن است که هر گونه بخشش به طفل با شرط ضمنی «برای استفاده شخصی طفل» همراه است که در صورت فوت طفل، عقد خود به خود فسخ می‌شود. البته به اعتقاد برخی حقوق‌دانان کلمه «صلح» در ماده نابه‌جا است. زیرا صلح ممکن است معوض و در مقام انجام معامله هم باشد که در این صورت نباید پنداشت که این مال پس از فوت فرزندخوانده به زوجین تملیک می‌شود. بنابراین بهتر است به جای عبارت «صلح» از عبارت «تملکات مجانی» استفاده شود (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

همان گونه که بیان شد، مبنای سرپرستی حکم قضایی است که به منظور رعایت مصالح و منافع کودک و متقاضیان، تصمیم قضایی در دو مرحله قرار دوره آزمایشی شش ماهه و حکم سرپرستی دائم اتخاذ می‌شود.

مبنای صدور قرار دوره آزمایشی، تقاضای زن و شوهر پذیرنده و تصمیم دادگاه به عنوان نماینده طفل است. هر چند به تصریح ماده ۴، دادگاه قبل از صدور حکم از مؤسسه یا شخصی که کودک تحت سرپرستی موقت اوست کسب نظریه مشورتی می‌نماید ولی الزامی در پذیرش این نظریه ندارد. در نهایت دادگاه با احراز شرایط لازم برای فرزندخواندگی، قرار دوره شش ماهه آزمایشی را صادر می‌کند که به موجب تبصره ماده ۴ این قرار صرفاً قابل تجدید نظرخواهی است و امکان فرجام‌خواهی آن وجود ندارد.<sup>۱</sup>

دوره آزمایشی مقدمه فرزندخواندگی است تا کودک در اختیار متقاضیان قرار گیرد و خانواده پذیرنده و مقامات عمومی اطمینان یابند که فرزندخواندگی ممکن و مفید است و حکم سرپرستی دائم منوط به طی این مرحله است. در این دوره هیچ رابطه حقوقی بین کودک و خانواده به وجود

۱. مطابق نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه در صورتی که مصلحت طفل و زوجین ایجاب نماید دادگاه می‌تواند قبل از طی دوره شش ماهه قرار شش ماهه را لغو و حکم دائم صادر نماید.

نمی‌آید و همه امور تحت نظارت کامل دادگاه است و جنبه آزمایشی دارد و تصریح قانون در ماده ۱۵ مبنی بر اجازه دادستان در زمان خروج طفل از کشور در این دوره به علت آن است که امکان نظارت از سوی دادگاه وجود داشته باشد.<sup>۱</sup>

به تجویز ماده ۱۵ و تبصره ۲ بند ۱ ماده واحده قانون گذرنامه مصوب ۱۳۷۰ صدور گذرنامه و اجازه خروج از کشور طفل صغیر در دوره‌ی آزمایشی به اتفاق قیم یا سرپرست قانونی خود که قصد خروج از کشور را دارند، بلامانع و منوط به موافقت دادستان محل خواهد بود و دادستان از باب منافع طفل اجازه مذکور را با صدور قرار اخذ تأمین مناسب (وثیقه) جهت بازگشت کودک تا پایان دوره آزمایشی صادر می‌کند.<sup>۲</sup>

در دوره سرپرستی آزمایشی، دادگاه از هر طریق ممکن وضعیت زندگی کودک را در خانواده جدید بررسی می‌نماید و چنانچه رأساً در اثر تحقیق به وسائل مقتضی، تقاضای دادستان یا مؤسسه‌ای که طفل قبلاً تحت سرپرستی آنان بوده تشخیص دهد ادامه این سرپرستی به صلاح کودک نیست، قرار صادره را فسخ می‌نماید. به تجویز ماده ۴ زوجین سرپرست نیز حق دارند در مدت آزمایشی انصراف خود مبنی بر سرپرستی را به دادگاه اعلام نمایند تا دادگاه قرار صادره را فسخ نماید. لازم است بدانیم که فسخ یکی از اسباب انحلال عمل حقوقی است. در هر عمل حقوقی دو مرحله وجود دارد. مرحله اول از زمان ایجاد عمل حقوقی تا روزی که سبب انحلال به وجود بیاید. در این مرحله عمل حقوقی صحیح بوده و کلیه آثار حقوقی عمل حقوقی صحیح را دارا است. در مرحله دوم که از روز حادث شدن سبب است. از این تاریخ به بعد بر عمل حقوقی هیچ آثاری مرتب نخواهد بود.

۲. پس از صدور حکم سرپرستی دائم و قطعیت آن، جهت خروج طفل از کشور نیازی به اخذ اجازه از دادستان نیست و این امر با اجازه سرپرست صورت خواهد گرفت، (صفایی و امامی، ۱۳۷۸).

۳. مطابق رویه گذشته برای کودک تحت سرپرستی که در دوره آزمایشی فاقد شناسنامه بود گذرنامه مشترک با سرپرستان صادر می‌شد. اما براساس رویه جدید اداره گذرنامه برای هر فرد حتی صغیر در صورت داشتن کد ملی باید گذرنامه مستقل صادر شود که این امر در عمل اشکالاتی را به وجود آورده است. زیرا به تجویز ماده ۱۵ برای طفل صغیری که در دوره آزمایشی حق خروج از کشور را دارد به علت فقدان شناسنامه و کد ملی امکان صدور گذرنامه انفرادی صادر نمی‌شود و به تبع آن خروج از کشور امکان پذیر نیست که این امر با حقوق شهروندی در تعارض است. لذا ضروری است ایراد فوق به نحو مقتضی توسط دست اندرکاران مرتفع شود.

قانون‌گذار در ماده ۴ عبارت «فسخ» را به کار برده است. شاید منظور قانون‌گذار آن است که از زمان صدور قرار تا زمان فسخ، سرپرستی کلیه آثار خود را دارا باشد. اما این که چه آثاری در این مرحله متصور است جای سؤال است.

در صورتی که پس از پایان این دوره وضعیت خانواده مناسب تشخیص داده شود و درخواست‌کنندگان سرپرستی به کیفیت اطمینان بخشی، در صورت فوت خود هزینه تربیت و نگهداری و تحصیل طفل را تا رسیدن به سن بلوغ را تأمین نمایند و مشکلی بر ادامه سرپرستی مشاهده نشود، دادگاه حکم سرپرستی دائم صادر خواهد نمود و به تجویز ماده ۹ حکم سرپرستی صادره در دادگاه تجدیدنظر قابل رسیدگی پژوهشی و در دیوان عالی کشور قابل فرجام‌خواهی است.

به تجویز ماده ۱۴ مفاد حکم قطعی سرپرستی به اداره ثبت احوال ابلاغ و در اسناد سجلی زوجین سرپرست و طفل درج و شناسنامه‌ی جدیدی برای طفل فقط با مشخصات زوجین سرپرست و نام‌خانوادگی زوجین صادر خواهد شد.<sup>۱</sup>

کلمه «فقط» در ماده فوق اشاره دارد به صدور شناسنامه برای کودکانی که قبلاً دارای شناسنامه بوده‌اند. بدین معنا با صدور شناسنامه جدید، صرفاً مشخصات سرپرستان جدید درج و از مشخصات والدین زیستی ذکری به میان نمی‌آید.

عبارت «مفاد حکم قطعی سرپرستی» در ماده ۱۴ موجب شده تا برخی از ادارات ثبت احوال متن دادنامه را عیناً در صفحه توضیحات شناسنامه کودک درج نمایند که به نظر می‌آید این امر با منافع عالیه کودکان منافات داشته و قید شماره دادنامه به منظور حفظ هویت کودکان در صفحه توضیحات شناسنامه وی کفایت می‌کند.

با صدور حکم قطعی سرپرستی و صدور شناسنامه جدید اقتدار والدینی از والدین بیولوژیک به خانواده فرزندپذیر منتقل می‌شود، اما این حکم سبب قطع رابطه خویشاوندی طفل با والدین خود نخواهد شد و کلیه آثار قانونی قرابت واقعی نظیر منع حرمت نکاح با اقارب نسبی و رضاعی، احکام

۱. مطابق ماده ۴ قانون اجرای احکام مدنی ۱۳۵۶ در مواردی که سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید به وسیله آن‌ها صورت گیرد صدور اجرائیه لازم نیست و سازمان‌ها و مؤسسات مزبور مکلفند به دستور دادگاه حکم را اجرا کنند. بنابراین پس از ابلاغ حکم سرپرستی ادارات ثبت احوال مکلف به صدور شناسنامه هستند.

مربوط به انفاق و نیز قواعد ارث فی‌مابین کودک با ابوبین و بستگان اولیه به قوت خود باقی است (کاتوزیان، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر فرزندخوانده نمی‌تواند با خویشان نسبی و رضاعی خود ازدواج نماید و از اقوام واقعی خود ارث می‌برد. بر این قاعده استثنا تبصره ماده ۵ وارد است. بدین معنا هرگاه عین دارایی تملیک شده از سوی زوجین سرپرست به فرزندخوانده موجود باشد، به عنوان ترکه به وراث واقعی فرزندخوانده (والدین بیولوژیک) منتقل نمی‌شود و از طرف دولت به زوجین سرپرست تملیک خواهد شد.

پس از قطعی شدن حکم فرزندخواندگی و ثبت آن در اسناد سجلی طرفین رابطه؛ حکم مزبور به عنوان یک واقعیت خارجی، در برابر فرزندخوانده و فرزندپذیران و نیز اشخاص ثالث قابل استناد است. اما این قابلیت با نسبی بودن اثر حکم (قاعده کلی) در تعارض نیست. لذا اشخاص ثالث می‌توانند به آن اعتراض و تقاضای نقض آن را کنند. مثلاً هرگاه پدر و مادر حقیقی یا افراد دیگر به حکم صادره اعتراض نمایند و معلوم شود که شرایط صدور حکم فرزندخواندگی مهیا نبوده یا در جریان دادرسی حيله‌ای از سوی متقاضیان یا دیگران به کار رفته، دادگاه صادر کننده باید حکم را ابطال نماید. اما نباید امکان پذیرفته شدن اعتراض ثالث موجب سوء استفاده والدین حقیقی کودک شود. چه بسا والدین ناصالحی که کودک خود را رها کرده‌اند با کسب اطلاع از وضعیت جدید او در خانواده فرزندپذیر قصد داشته باشند با سوء استفاده از علاقه ایجاد شده بین فرزندخوانده و والدین جدید از این وضعیت بهره ببرند. لذا به منظور جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی، هرگاه زوجین سرپرست با تقاضای والدین برای استرداد کودک موافقت نکنند، دادگاه حکم سرپرستی را لغو نخواهد کرد.

بنابراین در صورتی که به صحت حکم صادره خللی وارد نیاید با صدور حکم قطعی، رابطه فرزندخواندگی بین زن و شوهر فرزندپذیر و طفل به طور کامل مستقر و غیرقابل فسخ است و جز در موارد استثنایی مصرح در ماده ۱۶ به شرح ذیل قابل فسخ نیست:

۲۷. تقاضای دادستان در صورتی که سوء رفتار یا عدم اهلیت و شایستگی هر یک از زوجین سرپرست برای نگهداری و تربیت طفل تحت سرپرستی محرز باشد.



۲۸. تقاضای دادستان در صورتی که سوء رفتار طفل برای هر یک از آنان غیر قابل تحمل باشد همچنین در موردی که سرپرست قدرت و استطاعت برای تربیت و نگهداری طفل را از دست داده باشد.

۲۹. توافق طفل بعد از رسیدن به سن کبر با زوجین سرپرست یا موافقت زوجین سرپرست با پدر و مادر واقعی طفل صغیر.

دادستان به عنوان مدعی‌العموم و نماینده آحاد جامعه در جایگاه شخص ثالث مسئولیت نظارت بر فرزندخواندگی را بر عهده دارد و به همین جهت یکی از موارد فسخ سرپرستی، تقاضای دادستان بیان شده است. نکته جالب این است که مقنن استحکام خانواده را بر بقای فرزندخواندگی ترجیح می‌دهد و به همین جهت وجود علت فسخ در یکی از زوجین را برای انحلال فرزندخواندگی کافی می‌داند. همچنین کلیه حالات ممکن را برای فسخ در نظر گرفته و از ناسازگاری طفل یا زوجین، تقاضای دادستان در صور خاص و توافق طفل با زوجین یا زوجین با پدر و مادر واقعی طفل را فرض نموده است و از آنجا که صدور حکم قطعی سرپرستی سبب قطع رابطه خویشاوندی طفل با والدین واقعی خود نخواهد شد، در بند ۳ ماده ۱۶ امکان فسخ سرپرستی در اثر توافق با پدر و مادر واقعی طفل را مطرح نموده است.

هر چند وجود رابطه زناشویی و توافق زن و شوهر شرط لازم برای صدور حکم فرزندخواندگی است، اما نباید این‌گونه تصور شود که جدایی زن و شوهر جزء موارد انحلال فرزندخواندگی است. بنابراین همان‌طور که والدین در صورت جدایی مکلف به نگهداری و تربیت فرزندان نسبی خود هستند (صفایی و امامی، ۱۳۷۸) به تجویز ماده ۱۲ در مواردی که اختلاف زناشویی زوجین سرپرست منجر به صدور گواهی عدم امکان سازش می‌شود دادگاه در مورد ترتیب نگهداری، نحوه تأمین هزینه‌های زندگی و حق ملاقات طفل تحت سرپرستی به ترتیب مقرر در مواد ۱۲ و ۱۳ قانون حمایت خانواده عمل خواهد نمود. اما از آنجا که در سرپرستی اولویتی برای نگهداری طفل وجود ندارد و این امر حق و تکلیف پدر و مادر خوانده است، در صورت جدایی آن دو، بدون توجه به اولویت، دادگاه با توجه به مصلحت طفل سرپرست تعیین می‌کند (امینی ۱۳۷۶ به نقل از کار ۱۳۷۸). همچنین جدایی سرپرستان بر حقوق مالی که در راستای ماده ۲ به کودک تعلق گرفته اثری نخواهد داشت و تعهدات مذکور به قوت خود باقی است.

فوت زوجین سرپرست نیز جزء شرایط مقرر در ماده ۱۶ درخصوص موارد انحلال فرزندخواندگی بیان نشده اما از لحن قانون، به ویژه عنوان «سرپرستی» که برای زن و شوهر پذیرنده انتخاب شده است، چنین استنباط می‌شود که با فوت آنان موضوع سرپرستی منتفی است و در چنین شرایطی باید برای طفل قیم معین شود و هرگاه پدرخوانده یا مادرخوانده در قید حیات، از نظر اخلاقی و مالی توانایی ادامه سرپرستی را داشته باشد می‌تواند به تنهایی این وظیفه را بر عهده گیرد.

بنابراین، علاوه بر موجبات ماده ۱۶ موجب دیگری برای فسخ حکم وجود ندارد. در نتیجه پس از دوره‌ی آزمایشی، هیچ شخص یا مقامی، بدون اثبات موارد فوق نمی‌تواند سرپرستان را از این حق محروم نماید.<sup>۱</sup>

از آنجا که نهاد فرزندخواندگی با رأی دادگاه به وجود می‌آید، فسخ آن نیز در هر دو مرحله آزمایشی و قطعی با صدور حکم تحقق می‌یابد. تشریفات صدور این حکم با گواهی عدم امکان سازش (در قانون حمایت خانواده در مورد طلاق) شباهت دارد و به تجویز ماده ۱۷ دادگاه قبل از صدور حکم فسخ سرپرستی سعی خواهند نمود که هر نوع تحقیق و اقدامی را در جهت بقاء سرپرستی به عمل آورد.

با استنباط از ماده ۱۷ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۳، حکم فسخ سرپرستی مانند حکم برقراری آن قابل تجدیدنظر است (صفایی و امامی، ۱۳۷۸).

در صورت صدور حکم فسخ سرپرستی و قطعیت آن مراتب از طریق دادگاه صادرکننده حکم به اداره ثبت احوال جهت تصحیح شناسنامه طرفین اعلام خواهد شد. قانون معین نکرده است که شناسنامه چگونه تصحیح می‌شود ولی به نظر می‌رسد که باید به وضع پیش از فرزندخواندگی باز گردد و در صورت امکان نام پدر و مادر حقیقی در آن ذکر شود (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

برابر ماده ۱۰، متقاضیان می‌توانند با تصویب دادگاه و رعایت مقررات این قانون کودکان متعددی را سرپرستی نمایند. باید توجه داشت که در هر حال تصمیم نهایی مبنی بر سرپرستی چند کودک به صورت توأم پس از بررسی صلاحیت خانواده با دادگاه خواهد بود.

۱. یکی از موارد سکوت قانون موضوع تعهدات مالی بین طرفین رابطه فرزندخواندگی پس از فسخ آن است که به نظر می‌رسد با فسخ رابطه برای برخی تعهدات نظیر پرداخت نفقه موجبی نمی‌ماند و در مورد برخی حقوق مالی تعلق گرفته به کودک نظیر صلح و هبه اموال می‌بایست به عموماًت حقوق مراجعه کرد.

مطابق ماده ۱۱، زن و شوهر پذیرنده باید مانند پدر و مادر واقعی به انجام وظایف والدینی و تأمین هزینه معاش (نفقه) فرزندخوانده خود اقدام نمایند. زیرا پس از قطعیت حکم فرزندخواندگی، کودک پذیرفته شده در حکم فرزند خانواده است. به نحوی که سرپرستی پیش‌بینی شده در قانون یک نوع رابطه قرابت بین طفل و زن و شوهر سرپرست ایجاد می‌کند که دارای پاره‌ای آثار حقوقی نظیر نگهداری و تربیت، نفقه، احترام، اداره اموال و نام‌خانوادگی است (صفایی و امامی، ۱۳۷۸).

در فرزندخواندگی نیز همانند قواعد حاکم بر اتفاق بین خویشان نسبی مندرج در ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی، الزام به اتفاق متقابل منوط به استطاعت اتفاق کننده و نیاز مستحق نفقه است. اما از آنجا که ایجاد این رابطه (فرزندخواندگی) امری استثنایی است تکلیف مقرر در قانون در زمینه پرداخت نفقه، خاص زوجین است و به سایر اقوام و بستگان زوجین تسری نمی‌یابد و مشمول مواد ۱۱۹۶ و ۱۱۹۹ قانون مدنی که ناظر بر الزام پرداخت نفقه از سوی اقارب نسبی است، نمی‌شود. بنابراین در صورت فوت پدرخوانده نمی‌توان پدر او را ملزم به پرداخت نفقه به کودک تحت سرپرستی متوفی نمود.

سؤالی که در اینجا مطرح است این‌که آیا الزام به پرداخت نفقه از سوی والدین فرزندپذیر با رسیدن کودک به سن بلوغ پایان می‌پذیرد؟

در پاسخ باید گفت به دلیل وجود ابهام در مفهوم سرپرستی نمی‌توان پاسخ قطعی به این سؤال داد. زیرا چنانچه مبنای قانون، حمایت از کودکان بدون سرپرست است، با رسیدن کودک به سن کبر دلیلی بر الزام به اتفاق وجود ندارد و از سوی دیگر براساس قرائن موجود از جمله ماده ۱۴ این قانون درخصوص صدور شناسنامه جدید برای سرپرستان و کودک می‌توان حکم نمود که آثار سرپرستی با رسیدن به سن بلوغ پایان نمی‌پذیرد و طفل می‌تواند برای همیشه از نام والدین حکمی خود استفاده کند و بر مبنای این استدلال چنین استنباط می‌شود که هدف مقنن از این سرپرستی ایجاد نوعی قرابت مجازی ناپایدار باشد که با رسیدن به سن کبر از بین نمی‌رود. بنابراین الزام به اتفاق نیز باقی می‌ماند (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

از دیگر وظایف مندرج در ماده ۱۱ می‌توان به نگهداری و تربیت کودک و نیز تکلیف طفل مبنی بر احترام به والدین مجازی خود اشاره نمود. مطابق ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی، همان‌گونه که طفل باید

مطیع ابوبین خود بوده و به آنان احترام بگذارد طفل تحت سرپرستی هم باید از سرپرستان خود اطاعت کند و به آنان احترام بگذارد (صفایی و امامی، ۱۳۷۸).

مطابق تبصره ماده ۱۱ اداره اموال و نمایندگی قانونی طفل صغیر اصولاً بر عهده سرپرست است و چون حکم سرپرستی به صورت مشترک برای زن و شوهر متقاضی صادر می‌شود، آنان می‌بایست به توافق و اشتراک (به نحو اجتماع) به این امر مبادرت نمایند. اما از آنجا که والدین فرزندپذیر حق تقدیمی در این باره ندارند، در صورت بروز اختلاف سلیقه بنابر مصلحت کودک تحت سرپرستی دادگاه می‌تواند مداخله کند و این سمت را به هر کس که صلاح می‌داند بسپارد. هر چند که به اعتقاد برخی این مبنا قابل ایراد است. زیرا هدف سرپرستی حمایت از کودک است و لزومی ندارد که دادگاه مصلحت‌اندیشی را بر حق تقدم زن و شوهر سرپرست متوقف سازد. از سوی دیگر بیگانه دانستن والدین فرزندپذیر می‌تواند آثار سوء روانی و اخلاقی را به بار آورد (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

موضوع ولایت سرپرست بر کودک خلاف اصل و امری استثنایی است که می‌بایست تفسیر مضیق شده و نباید به موارد ذیل تسری یابد:

۳۰. مطابق ماده ۱۰۴۱ قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴، عقد نکاح دختر یا پسر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح صورت می‌گیرد. اما این حکم به پدرخوانده تسری نمی‌یابد. بنابراین پدرخوانده نمی‌تواند برای فرزندخوانده صغیر خود همسر اختیار کند.

۳۱. مطابق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است. اما در ازدواج دخترخوانده باکره نیازی به اجازه سرپرست نمی‌باشد (امینی ۱۳۷۶ به نقل از کار ۱۳۷۸) و می‌توان از وحدت ملاک ماده ۱۰۴۴ قانون مدنی و رعایت شرایط مندرج در تبصره همین ماده مبنی بر ثبت این ازدواج در دفترخانه و احراز آن توسط دادگاه صالح استفاده نمود.

بیان شد قانون حمایت کودکان بدون سرپرست از اصطلاح فرزندخوانده استفاده ننموده است. با وجود این، برای این که تصور نشود احکام قانون مانع از اجرای قواعد مذهبی ایرانیان غیرشیعه درباره آنان است، ماده ۱۳ بیان داشته مسائل مربوط به فرزندخواندگی ایرانیان غیرشیعه به موجب بند ۳ قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲، در مسائل

مربوط به فرزندخواندگی، مطابق عادات و قواعد مسلمه متداول در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است، رعایت می‌شود و مطابق این نص صریح، مراجع قضایی و اداری باید برابر مقررات مذهب پدرخوانده یا مادرخوانده عمل نمایند، مشروط به این‌که:

- ♦ اقلیت دینی مورد نظر، از جمله اقلیت‌های سه‌گانه (مسیحی، یهودی و زرتشتی) به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد.
- ♦ عادات و قواعد استنادی از جمله رسوم و عادات مردود، منسوخ یا متروک در آن اقلیت دینی نباشد.
- ♦ اجرای عادت و قواعد مسلم و متداول در اقلیت دینی با نظم عمومی جامعه ایرانی مخالفتی نداشته باشد (متولی، ۱۳۸۴).

برخی از حقوق‌دانان معتقدند از آنجا که فرزندپذیری از سوی خانواده‌های غیرمسلمان پذیرفته شده، در ماده ۱۳ اصطلاح «فرزندخواندگی» به کار رفته و منظور مقنن از عبارت «غیرشیعه» در ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه‌ی ایرانیان غیرشیعه در محاکم، مصوب دهم مرداد ۱۳۱۲ «غیرمسلمان» است. زیرا از نظر عدم الحاق کودک به شخصی که با او رابطه نسبی ندارد بین فرقه‌های اسلامی اختلافی نیست و مثلاً هرگاه خانواده اهل تسنن سرپرستی کودکی را بپذیرند این امر از موجبات ارث نخواهد بود و از این جهت فرقی بین شیعه و سنی وجود ندارد. بنابراین بهتر است که بپذیریم منظور از ایرانیان غیرشیعه، همان ایرانیان غیر مسمان است (نظری، ۱۳۸۰).

### محرمیت در فرزندخواندگی:

قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳ درخصوص محرمیت بین فرزندخوانده و والدین فرزندپذیر ساکت است. شاید دلیل آن باشد که این موضوع در چارچوب قانون جایگاه ندارد و جزء مسائل خصوصی افراد است که یافتن راه حل آن به عهده خانواده فرزندپذیر است. ضمن این‌که مراجع تقلید در مسأله‌ی محرمیت احکام متفاوتی دارند و هر یک از افراد بر مبنای نظر یکی از علمای عظام که از او تقلید می‌کند، عمل خواهند کرد. به همین دلیل کارشناسان سازمان بهزیستی یا دادگاه‌ها قبل از صدور حکم فرزندخواندگی جهت کسب نظر مراجع تقلید متقاضیان

آنان را راهنمایی می‌نمایند (آیین‌نامه اجرایی فرزندخواندگی، ۱۳۸۵). به هر حال موضوع محرمیت از نظر شرع مطرح است و صرفاً به دو طریق ایجاد می‌شود:

اول: محرمیتی که از طریق سببی یعنی شیرخوارگی (ارتضاع) حاصل می‌شود. مطابق ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی اگر کودک شیرخوار که هنوز دو سالش تمام نشده است، از پستان زن بیگانه‌ای (غیرمادرش) که فرزندی زاییده و شیر دارد به مدت یک شبانه‌روز یا پانزده نوبت متوالی شیر بخورد، زن شیردهنده که او را «مرضعه» می‌نامند مادر رضاعی شیرخوار نامیده می‌شود و طفل شیرخوار فرزند رضاعی او به حساب می‌آید و فرزندان دیگری که از پستان آن زن شیر خورده‌اند، چه نسبی باشند و چه رضاعی، خواهر و برادر آن کودک خواهند بود و همچنین فرزندان این برادر و خواهر، برادرزاده و خواهرزاده‌ی آن کودک هستند و نیز شوهر زن شیردهنده، پدر کودک است و برادر آن شوهر، عموی کودک و خواهرش عمه او و مادرش جده‌ی او و برادر شیردهنده دایی او و خواهرش خاله‌ی او می‌شود. همچنین تمام نسبت‌هایی را که در بحث خویشاوندی وجود دارد در اینجا محقق می‌شود به این معنا که همه‌ی نسبت‌ها با قید رضاعی پیدا می‌شود یعنی گفته می‌شود برادر رضاعی، عموی رضاعی، خاله‌ی رضاعی و... اما تمام نسبت‌هایی که بیان شد، بین شیرخوار با مرضعه و شوهر او حاصل می‌شود، نه بین خواهر و برادر و عمو و عمه و خاله و دایی شیرخوار با مرضعه و شوهر و اولادش. بنابراین نه خواهر شیرخوار با پسر مرضعه محرم می‌شود و نه برادر شیرخوار با دختر او و همچنین عمو و عمه و دایی و خاله‌ی شیرخوار با مرضعه و شوهر و اولادش نامحرم و بیگانه هستند (مجموعه استفتائیات مراجع تقلید، ۱۳۸۱).

دوم: محرمیت سببی از طریق خواندن صیغه عقد نکاح. در صورتی که شرایط شیردهی وجود نداشته باشد و فرزند دختر باشد باید دختر را صیغه پدر بزرگ (پدری) کنند و این مراحل صرفاً به صورت صوری انجام می‌شود اما اگر فرزند پسر باشد باید صیغه مادر بزرگ (مادری) شود. در صورتی که فرزندخوانده در سن شیرخوارگی نباشد یا این که شرایط شیردهی در خانواده وجود نداشته باشد و صیغه محرمیت نیز خوانده نشود باید حرمت‌ها مراعات شود (موسوی، ۱۳۸۴).

### ممنوعیت ازدواج با فرزندخوانده:

از جمله موارد سکوت قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ امکان یا حرمت نکاح طفل با پدر یا مادرخوانده و سایر خویشان نزدیک آنان است و از حکم سرپرستی نیز چنین مانعیتی استنباط نمی‌شود. این نقص، رویه قضایی را با مشکل رو به رو ساخته است. ممنوع بودن ازدواج با بعضی اشخاص امری استثنایی است که با آداب و رسوم اجتماعی ارتباط نزدیک دارد. از سوی دیگر فصل سوم قانون مدنی مواد ۱۰۴۵ تا ۱۰۵۹ با پیروی از قواعد شرعی صرفاً قرابت نسبی، سببی و رضاعی را از موانع نکاح شناخته است و آن را به فرزندخواندگی تسری نداده است. اما اخلاق، نظم عمومی و عرف جامعه آن را نهی کرده است. زیرا نمی‌توان به کودک تحت سرپرستی احساس همسری داشت. برخی معتقدند در صورتی که فقه امامیه و قانون مدنی ازدواج با فرزند رضاعی را صرفاً بر مبنای شیرخوردن در آغوش زنی در یک شبانه روز ممنوع کرده است به طریق اولی پرورش طفلی در دامن خانواده فرزندپذیر منطقی به نظر می‌رسد. شاید درج مشخصات طرفین رابطه فرزندخواندگی در اسناد سجلی یکدیگر (ماده ۱۱ و ۱۴) کنایه از رد ضمنی چنین ازدواجی است. دفاتر ثبت ازدواج نیز باید از ثبت واقعه چنین ازدواجی پرهیز کنند و مفاد اسناد سجلی آنان را دلیل منع قانون‌گذار شمارند (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

### تعارض قوانین در فرزندخواندگی:

امروزه به علت سیر تحولات اقتصادی و اجتماعی، رشد صنعت توریسم و تجارت بین‌الملل در عمل مواردی مشاهده می‌شود که فرزندخوانده و خانواده فرزندپذیر تبعه یک یا دو کشور بیگانه یا مذاهب متفاوتی داشته باشند که قانون‌گذار یا رویه قضایی برخی کشورها، درخصوص قانون حاکم بر رابطه فرزندخواندگی اعم از این که در مرحله ایجاد حق یا مرحله اثرگذاری در حالت‌های مختلف وحدت یا اختلاف تابعیت طرفین رابطه، به صراحت نظر خود را بیان نموده است. هر چند ماده ۱۳ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، مقررات صریحی درخصوص فرزندخواندگی ایرانیان غیرشیعه بیان کرده که می‌تواند انعکاسی از تعارض قوانین در حقوق داخلی و به تعبیری نظام حقوق بین‌الملل اسلام باشد، اما در زمینه قانون حاکم بر فرزندخواندگی اتباع خارجه و موضوعاتی

تحت عنوان «تعارض قوانین»<sup>۱</sup> صرف نظر از برخی کلیات، ساکت است که همین امر سبب شده تا از سوی حقوق دانان نظرات متفاوتی ارائه شود. قبل از ورود به مبحث اصلی لازم است بدانیم، موضوع احوال شخصیه اتباع خارجه در دو نظام حقوقی مهم جهان حقوق عرفی<sup>۲</sup> و مدون<sup>۳</sup> از دو سیستم تابعیت و اقامتگاه پیروی می کنند (متولی، ۱۳۸۴). همچنین برخی کشورها نظیر ایران، در مسائل راجع به احوال شخصیه در حقوق بین المللی خصوصی، اصل را بر اعمال قانون دولت متبوع<sup>۴</sup> افراد دانسته و اعمال قانون مقرر دادگاه<sup>۵</sup> به عنوان استثنا بر اصل پذیرفته شده است (فدوی، ۱۳۸۴). به نظر برخی حقوق دانان، به منظور رعایت منافع کودک بی سرپرست، قانون گذار در پذیرش تقاضای سرپرستی از قواعد شخصی بودن قوانین حاکم بر احوال شخصیه مقرر در مواد ۶ و ۷ قانون مدنی عدول کرده و آن را تابع اقامتگاه قرار داده است. بدین معنا تابعیت زن و شوهر مقیم ایران در قبول سرپرستی از دادگاهها نقشی نداشته و زن و شوهر خارجی مشمول ماده ۳ نیز می توانند در ایران، کودک ایرانی را به فرزندپذیری بپذیرند و روابط آنان با کودک پذیرفته شده، تابع قوانین ایران است (متولی، ۱۳۸۴). اما برخی دیگر معتقدند اعمال قانون اقامتگاه در حقوق ایران از باب صلاحیت محاکم ایرانی است نه از باب اعمال قانون حاکم. به عبارت دیگر اقامت پذیرندگان، شرط لازم برای ایجاد رابطه فرزندخواندگی در ایران است و این به مفهوم اعمال قانون ایران بر دعوی فرزندخواندگی نیست. همچنین در صورت ایرانی بودن فرزندخوانده اعمال قانون ایران از باب اعمال ماده ۹۶۵ یا قسمت اول ماده ۵ قانون مدنی بر طبق قانون دولت ایران است و در صورتی که خانواده فرزندپذیر ایرانی باشند اعمال این قاعده در راستای اجرای مادتين ۶ و ۹۶۴ قانون مدنی است. بنابراین به هیچ وجه قانون گذار ایران از قاعده شخصی بودن قوانین عدول ننموده است (فدوی، ۱۳۸۴).

۱. مسأله تعارض از لحاظ قانون مرجع رسمی و دادگاه وقتی مطرح می شود که موضوع اهلیت تمتع قبلاً حل شده باشد. به عبارت دیگر مسأله بستگی به استیفای (اعمال) حق دارد و چنانچه شخصی در روابط بین المللی دارای حق ایجاد شده نباشد تعارض به وجود نخواهد آمد (نصیری، ۱۳۸۴).

2-Common law

3-Roman & Germanic

4-Lex Patriae

5-Lex fori



اما برخی معتقدند که حقوق ایران نهاد فرزندخواندگی را نپذیرفته است مگر در دو صورت، اول معتقدان به سایر ادیان رسمی غیراسلامی (به موجب قانون اجازه رعایت احوال شخصیه‌ی ایرانیان غیرشیعه در محاکم، مصوب دهم مرداد ۱۳۱۲) و دوم: در صورتی که قانون کشور متبوع پدر خوانده این نهاد را پذیرفته باشد. مطابق قسمت اخیر، هر چند قانون ایران بهره‌مندی فرزندخوانده از ارث را ممنوع کرده اما با توجه به این‌که فرزندخواندگی جزء احوال شخصیه و تابع قانون متبوع پدرخوانده است، ممکن است با رعایت قانون ملی، فرزند خوانده متوفی خارجی با رعایت قانون ملی متوفی، ارث نیز ببرد. ( نصیری، ۱۳۷۰ به نقل از فدوی، ۱۳۸۴)

اصل اعتبار حقوق مکتسبه ایجاب می‌نماید که بین مرحله ایجاد حق (اعم از وحدت یا اختلاف تابعیت پدرخوانده یا مادرخوانده با فرزندخوانده) با مرحله اثرگذاری حق قائل به تفکیک شویم (متولی، ۱۳۸۴). سؤال اساسی آن است که در لحظه تشکیل رابطه فرزندخواندگی اتباع خارجه یا اقلیت‌های دینی ایرانی در ایران چه قانونی باید بر ایجاد رابطه فرزندخواندگی حاکم گردد؟ اعمال قانون دولت متبوع پدرخوانده یا مادرخوانده از باب اعمال ماده ۹۶۴ قانون مدنی ایران و بند ۳ ماده واحده اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ یا اعمال قانون دولت متبوع فرزندخوانده به استناد ماده ۹۶۵ قانون مدنی ایرانی؟

گفتنی است به علت عدم وجود قواعد مشخص، در این زمینه پاسخ‌های متفاوتی از سوی حقوق‌دانان ارائه شده است.<sup>۱</sup> برخی بیان داشتند در مرحله ایجاد حق (صرف نظر از وحدت یا اختلاف در تابعیت طرفین رابطه فرزندخواندگی)، به موجب ماده ۱ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳، قانون‌گذار از اصل کلی حاکمیت قانون ملی نسبت به احوال شخصیه بیگانگان عدول نموده است، بنابراین در این حالت قوانین ماهوی ایران بر قضیه حکومت خواهند نمود (متولی، ۱۳۸۴). برخی نیز بیان داشتند که در صورت وحدت تابعیت والدین فرزندپذیر (صرف

۱. در کشورهای مختلف، مقررات متفاوتی درباره انتخاب قانون حاکم بر فرزندخواندگی در مرحله ایجاد نهاد فرزندخواندگی و مرحله استفاده از آثار آن وجود دارد. مثلاً کشور مصر و کویت در خصوص موضوعات مربوط به صحت فرزندخواندگی، قانون دولت متبوع پدرخوانده و فرزندخوانده هر دو ملاک می‌باشد اما در مسائل مربوط به آثار فرزندخواندگی، قانون دولت متبوع فرزندخوانده حاکم بر موضوع می‌دانند.

نظر از تابعیت طفل) می‌بایست قانون متبوع والدین را اعمال نمود. اما گروهی به تأثیر از مقررات کنوانسیون حقوق کودک و در راستای رعایت منافع عالیه فرزندخوانده به اجرای قانون دولت متبوع طفل حکم دادند. البته باید توجه داشت که نمی‌توان دیدگاه‌های یاد شده را به صورت مطلق و کلی به موقع اجرا گذارد. تفکیک منطقی صورت‌های رابطه فرزندخواندگی در مرحله تشکیل از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. بنابراین هرگاه طفل ایرانی توسط اتباع خارجی سرپرستی شود اعمال قانون ایران از باب قسمت اول ماده ۵ قانون مدنی مناسب‌تر است و چنانچه طفل و سرپرستان تبعه کشور خارجه باشند، با توجه به شخصی بودن موضوع فرزندخواندگی ضرورتی به اعمال قانون ایران مشاهده نمی‌شود و اعمال قواعد و مقررات دولت پدرخوانده یا مادرخوانده یا قانون دولت متبوع مولی علیه (حسب مورد) قانون مناسبی خواهد بود و این امر با نظم عمومی جامعه ایرانی منافاتی نخواهد داشت. زیرا قانون‌گذار ایران در بند ۳ ماده واحده اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲، کلیه آثار فرزندخواندگی را برای ایرانیان غیرشیعه به رسمیت شناخته است. بنابراین از وحدت ملاک این ماده واحده می‌توان چنین استنباط کرد که در ایران چنین حقی با توجه به مواد ۷، ۹۶۴ و ۹۶۵ قانون مدنی برای اتباع خارجه نیز قابل تصور است، (فدوی، ۱۳۸۴).

بین حقوق‌دانان ایرانی در مرحله اثرگذاری حق و این‌که افرادی بخواهند از رابطه فرزندخواندگی که به طور صحیح در خارجه به وجود آمده است در ایران استفاده نموده و به اثری از آثار آن استناد نمایند، تردید کمتری وجود دارد. بنابراین هرگاه فرزندخوانده‌ای برابر حکم فرزندخواندگی صادره از دادگاه خارجی<sup>۱</sup> در دادگاه ایران به آثار ناشی از رابطه فرزندخواندگی نظیر نفقه، ارث و... استناد نماید، می‌بایست در صورت وحدت تابعیت طرفین رابطه فرزندخواندگی، قانون ماهوی دولت متبوع در مورد آنان اعمال شود و در صورت عدم وحدت در تابعیت با توجه به رعایت غبطه و مصلحت فرزندخوانده قانون دولت متبوع کودک را بر مقررات حاکم بدانیم. زیرا فرزندخواندگی از مسائل مربوط به احوال شخصیه است و با توجه به ماده ۷ قانون مدنی پذیرش فرزندخواندگی که

۱. به منظور اجرا و استناد احکام صادره محاکم خارجی در محکمه داخلی، این حکم می‌بایست به منظور بررسی استقرار حق مکتسبه ایجاد در محکمه داخلی مورد تنفیذ قرارگیرد (منوط به عدم ایجاد احواله) (نصیری، ۱۳۸۴).

در خارج به وجود آمده است با نظم عمومی ایران منافاتی نخواهد داشت (متولی، ۱۳۸۴). البته اجرای حکم دادگاه خارجی در ایران با رعایت ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ مطابق مندرجات حکم قابل تنفیذ است مگر این که موارد تنفیذ با نظم عمومی شدید و بازدارنده حقوق ایران منافات داشته باشد که در آن صورت، انتظامات عمومی مانع نفوذ حکم خواهد شد. زیرا قوانین مربوط به احوال شخصیه بیگانگان و ایرانیان تاب مقاومت در قبال قوانین مربوط به نظم عمومی را ندارند و ماده ۹۷۵ قانون مدنی گویا است که حتی اجرا و قوانینی که اصولاً مجاز است در تعارض با نظم عمومی دیگر قابل اجرا شناخته نمی شود.

برای روشن شدن موضوع به ذکر مثالی می پردازیم. فرض کنید دادگاه فرانسوی کودک بلژیکی را به والدین فرانسوی به فرزندخواندگی بسپارد و والدین مزبور فوت نمایند. فرزندخوانده مزبور بر این اساس که مطابق قانون فرزندخواندگی فرانسه، فرزندخوانده از والدین حکمی خود ارث می برد از دادگاه ایران تقاضای رسیدگی جهت تمتع از ارث می کند. در این صورت دادگاه ایران نمی تواند به این استناد که بهره مندی فرزندخوانده از ارث مخالف نظم عمومی است از آثار حکم فرزندخواندگی ممانعت کند، زیرا این حق در ایران حاصل نشده است تا بخواهیم آن را با مفهوم نظم عمومی درگیر نماییم (فدوی، ۱۳۸۴).

فرض دیگر آن که دو ایرانی (به غیر از اقلیت های رسمی پذیرفته شده) در دادگاه خارجی تقاضای فرزندخواندگی نمایند، در این صورت حکم فرزندخواندگی صادره در خارج از کشور فقط تا حد سرپرستی از طفل در ایران نافذ است و موجباتی جهت ایجاد رابطه قرابت و ارث را فراهم نخواهد نمود. زیرا مطابق ماده ۶ قانون مدنی کلیه اتباع ایران در مرحله ایجاد و اثر گذاری حق تابع قواعد ماهوی ایران هستند. اما چنانچه متقاضیان اقلیت های دینی و مذهبی باشند، آثار فرزندخواندگی مطابق قواعد و مقررات متداوله و مسلمه دین و مذهب پدر خوانده بر آن مترتب خواهد شد.

### تأثیر تابعیت والدین فرزندپذیر:

در خصوص انتقال یا عدم انتقال تابعیت پدرخوانده بر فرزندخوانده، می توان از عموماً قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، بقای تابعیت را استصحاب نمود. بدین معنا رابطه فرزندخواندگی در تابعیت فرزندخوانده بی تأثیر است، مگر آن که فرزندخوانده بی تابعیت باشد که

در این صورت به منظور جلوگیری از بی‌تابعیتی<sup>۱</sup>، تابعیت پدر خوانده بر فرزندخوانده تحمیل می‌شود و ادارات ثبت احوال وفق ماده ۱۴ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۴/۱/۱۲، موظفند با درج مراتب به طفل یاد شده شناسنامه ایرانی اعطاء نمایند( فدوی، ۱۳۸۴) و رأی شعبه سوم دادگاه عمومی تهران به شماره ۳۲۶ مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۷ مؤید بقا تابعیت طفل می‌باشد.

---

1. Apatride

## فرزندخواندگی اتباع خارجه در ایران:

اصولاً اقدام به پذیرش فرزندخوانده از طرف اتباع خارجه در قلمرو سرزمین ایران به وسیله محکمه ایرانی با توجه به ماده واحده مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه که فرزندخواندگی آنان را در حدود قانون مزبور به رسمیت شناخته شده است و فقه اسلام که احوال شخصیه غیرمسلمین را طبق عقاید دینی آنها محترم می‌شمارد و نیز با توجه به این امر که نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی دایره شمول محدودتری نسبت به حقوق داخلی دارد، امکان پذیر دانسته و این امر مخالف نظم عمومی ایران نیست، (متولی، ۱۳۸۴). همچنین براساس قانون دولت متبوع فرزندخوانده یا والدین پذیرنده (حسب مورد) می‌توان آثاری نظیر قرابت و توارث را بر این رابطه قائل شد (فدوی، ۱۳۸۴). بنابراین زن و شوهر خارجی نیز می‌توانند در ایران کودکی را به فرزندگی بپذیرند و روابط آنان با کودک پذیرفته شده تابع قوانین ایران است.

## تشریفات صدور حکم سرپرستی<sup>۱</sup>:

موضوع تشریفات رسیدگی امور راجع به فرزندخواندگی از جهات ذیل مورد بررسی است:

### الف - دادگاه صالح:

به موجب ماده ۷ دادگاه صالح برای رسیدگی به کلیه امور مربوط به سرپرستی از کودکان بدون سرپرست، دادگاه حمایت خانواده محل اقامت درخواست کننده است. سؤال این‌که با انحلال دادگاه حمایت خانواده کدام دادگاه صلاحیت ذاتی نسبت به رسیدگی به امور فرزندخواندگی را دارد؟ برای پاسخ به این سؤال ناچار از بیان سیر انحلال دادگاه حمایت خانواده هستیم.

وفق ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵، رسیدگی به کلیه اختلافات مدنی ناشی از امور زناشویی و دعاوی خانوادگی و امور مربوط به صغار، از قبیل نصب و عزل قیم و ضم امین به

۱. به نمودار «مراحل صدور حکم فرزندخواندگی و تحویل طفل به سرپرستان» در فصل پنجم (ضمائم) مراجعه شود.

دادگاه حمایت خانواده که از حیث صلاحیت ذاتی دادگاه‌های عمومی بود صورت می‌گرفت. اما دادگاه فوق با تصویب لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص ۱۳۵۸ منحل و صلاحیت‌های آن به دادگاه مدنی خاص محول شد. دادگاه اخیر نیز با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ منحل شد و کلیه وظایف آن به دادگاه‌های عمومی سپرده شد. متعاقباً و در پی توالی فاسده انحلال دادگاه‌های مدنی خاص و تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، به موجب ماده واحده قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی<sup>۱</sup>، شعب دادگاه‌های عمومی از رسیدگی و مداخله در دعاوی ۱۳ گانه مربوط به این دادگاه‌ها منع شدند و از آنجا که فرزندخواندگی جزء موارد ۱۳ گانه نمی‌باشد، لذا در حال حاضر دادگاه‌های عمومی حقوقی صلاحیت ذاتی رسیدگی به امور راجع به فرزندخواندگی را دارند (موسوی، ۱۳۸۴).

اما از حیث صلاحیت نسبی (محلی) باید گفت به تجویز ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی، اصولاً دعوی باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد. اما ماده ۷ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ بر این اصل، استثنا وارد نموده است. بدین معنا دادگاه صالح محل اقامت درخواست کننده نسبت به امور فرزندخواندگی صلاحیت نسبی (محلی) دارند. بنابراین چنانچه مثلاً متقاضیان سرپرستی در شهر شیراز زندگی کنند و طفل مورد نظر در مراکز بهزیستی استان تهران مراقبت شود، دادگاه حقوقی شیراز صلاحیت رسیدگی دارد.

## ب - نحوه تکمیل دادخواست و مراحل رسیدگی:

با توجه به صدر ماده ۳ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، تقاضا نامه‌ی سرپرستی باید مشترکاً از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه شود. هر چند در ماده اشاره ای به تنظیم و ارائه دادخواست نشده است اما با استنباط از مواد ۲، ۴۸ و ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳

۱. رئیس قوه قضائیه مکلف شد ظرف مدت سه ماه در حوزه‌های قضایی شهرستان‌ها به تناسب جمعیت آن حوزه حداقل یک شعبه از شعب دادگاه‌های عمومی را برای رسیدگی به دعاوی خانواده اختصاص دهد.

قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، زوجین می‌بایست تقاضای خود را از طریق دادخواست ارائه دهند.

دادخواست مذکور باید به طرفیت دادستان دادرسی عمومی و سازمان بهزیستی استان محل نگهداری طفل به خواسته صدور حکم فرزندخواندگی به ضمیمه مدارکی از جمله فتوکپی عقدنامه زوجین متقاضی، تصویر کلیه صفحات شناسنامه زوجین، گواهی ناباروری با تعیین فرد نابارور از متخصص ناباروری یا مراکز درمان ناباروری، مدارک مربوط به استطاعات مالی نظیر: فیش حقوقی یا گواهی اشتغال، تصویر سند مالکیت منزل یا اجاره نامه و...، مدارک مربوط به صلاحیت‌های اجتماعی و اخلاقی از جمله: استشهادیه محلی، مدارک تحصیلی و... (صبری، ۱۳۷۶) ارائه شود. البته تصاویر مدارک ضمیمه وفق ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی باید با اصل برابر شوند. زوجین می‌بایست دادخواست را امضاء نمایند. دادخواستی که به امضاء یکی از زوجین باشد، قابل پذیرش نیست. از آنجا که دعوی سرپرستی از جمله دعاوی غیرمالی است، باید تمبر غیرمالی بر روی دادخواست الصاق شود.

دادگاه پس از ثبت دادخواست و تعیین وقت دادرسی، به بررسی شرایط عمومی زوجین از جمله سن متقاضیان، تحصیلات و... می‌پردازد و به منظور کسب اطلاعات دقیق از وضعیت زندگی، شغلی، سلامت جسمی و روانی و صلاحیت اخلاقی زوجین به صدور معرفی نامه جهت مراجع ذیصلاح از جمله پزشکی قانونی و اداره تشخیص هویت مبادرت کرده و سپس آنان را به سازمان بهزیستی محل نگهداری طفل معرفی می‌نماید. مصاحبه با زوجین متقاضی و ارائه راهنمایی‌ها و اطلاعات لازم درباره کودک، بررسی وضعیت کودک، مصاحبه با کودک<sup>۱</sup> و ایجاد آشنایی او با زوج متقاضی و در صورت امکان کسب نظر و میزان علاقه‌مندی کودک نسبت به موضوع و ایجاد آمادگی روانی کودک و... از جمله وظایف اختصاصی سازمان بهزیستی است که با دستور مقام قضایی انجام می‌شود.<sup>۲</sup> پس از تأیید صلاحیت متقاضیان و قبل از صدور حکم سرپرستی دائم، کودک از سوی

۱. کودکانی را می‌توان به سرپرستی سپرد که کلیه تلاش‌ها در جهت شناسایی والدین یا دیگر اقوام او مؤثر واقع نشده باشد.

۲. سازمان بهزیستی مطابق آیین‌نامه اجرایی فرزندخواندگی به شماره ۸۲۲/۱/۲/۱۵۲۰ مورخ ۱۳۸۵/۹/۸ صلاحیت متقاضیان را بررسی و آنان را جهت صدور دوره آزمایشی به دادگاه اعزام می‌نماید.

سازمان بهزیستی و تحت نظارت دادگاه برای مدت شش ماهه با صدور قرار آزمایشی به زوجین متقاضی سپرده می‌شود.

چنانچه در دوره آزمایشی به هر علت، عدم صلاحیت زوجین برای دادگاه محرز شود یا زوجین از پذیرش کودک منصرف شوند دادگاه قرار صادره را فسخ می‌کند اما چنانچه صلاحیت و وضعیت کودک مطلوب تشخیص داده شود پس از طی این دوره و اعلام متقاضیان مبنی بر رضایت بر ادامه سرپرستی، دادگاه با رعایت شرایط ماده ۵ حکم سرپرستی را صادر و در اجرای ماده ۱۴ مفاد حکم قطعی سرپرستی را به اداره ثبت احوال جهت صدور شناسنامه‌های جدید ابلاغ می‌نماید.

مستفاد از مواد قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳، ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و رأی وحدت رویه شماره ۶۰۹ مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، قرار دادگاه در مورد برقراری دوره آزمایشی و فسخ آن و نیز حکم سرپرستی که دادگاه بعد از دوره آزمایشی صادره می‌کند و سایر آراء صادره در امور سرپرستی قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است (کار، ۱۳۷۸).

### نقد قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست:

هر چند قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳ با در نظر گرفتن موقعیت و شرایط حاکم بر زمان تصویب، بسیار جامع و مانع تدوین شده و کمک شایانی به توسعه شیوه مراقبت از کودکان در خانواده‌های جایگزین نموده است، اما به صراحت باید گفت که این قانون در وضعیت کنونی با توجه به این که هر ساله بر تعداد کودکان فاقد سرپرست قانونی افزوده می‌شود (گزارش آماری دفتر امور شبه خانواده، ۱۳۸۶) پاسخ‌گوی نیازهای روز جامعه نیست. بنابراین ضروری است قانون فوق در راستای حمایت تعداد بیشتری از کودکان فاقد سرپرست و خانواده‌های فاقد فرزند واجد شرایط، اصلاح و در شرایط و مقررات فرزندپذیری تسهیل به عمل آید. نظیر این‌گونه تدبیر در سایر کشورها نظیر فرانسه نیز مسبوق به سابقه است. به نحوی که بعد از جنگ بین الملل اول در پی مشکلات عدیده اجتماعی فرانسه، قانون‌گذار این کشور به منظور حمایت بیشتر از کودکان بی‌سرپرست قربانیان، در مقررات و شرایط فرزندخواندگی تحولاتی صورت داد و به تدوین قوانین



سهل‌تری مبادرت نمود (غمامی، ۱۳۸۴). چنین اندیشه‌ای در حقوق کشور ما نیز می‌تواند به وقوع بپیوندد و قانون جاری مورد اصلاح و بازنگری قانون‌گذار قرار گیرد.

کسب تجربیات عملی بسیار در راستای اجرای قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳، نظرات کارشناسان دست‌اندرکار مسائل فرزندخواندگی، بررسی پرونده‌های حقوقی فرزندان بی‌سرپرست، گزارشات واصله از مشکلات زوج‌های متقاضی، مکاتبات و درخواست مردمی و رسانهای متعدد مؤید وجود مشکلات در قانونی است که از تاریخ تصویب آن حدود ۳۳ سال می‌گذرد. بنابراین در راستای حمایت بیشتر از کودکان فاقد سرپرست، سازمان بهزیستی و قوه قضاییه در تعامل با یکدیگر پیش‌نویس لایحه‌ای تحت عنوان «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست قانونی» را در ۳۲ ماده و ۱۴ تبصره تدوین نمودند. این لایحه تا پاییز سال ۱۳۸۶ جهت تصویب در هیأت دولت مراحل رسیدگی را می‌گذراند، که در زیر به برخی نکات مطرح شده در پیش‌نویس پرداخته می‌شود:

### ۱. حمایت از کودکان فاقد سرپرست مؤثر و با صلاحیت:

بنا بر ماده ۹ کنوانسیون جهانی حقوق کودک، یک کودک برخلاف میل والدینش از آنها جدا نمی‌شود. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نیز به این امر اشاره دارد که نگهداری از اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است. اما زمانی که این حق و تکلیف مغایر با مصلحت کودک باشد و صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر قرار گیرد به تجویز ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی از والدین سلب صلاحیت می‌شود. اما علیرغم این موضوع، دولت وظیفه دارد حمایت و مراقبت جایگزینی را برای کودکانی که از محیط خانواده به هر دلیل به صورت موقت یا دائم محروم شده‌اند به طرق مختلف از جمله قانون‌گذاری تضمین نماید. لذا می‌بایست قانون، حمایت از این گروه از کودکانی را نیز شامل شود به همین دلیل عنوان قانون «حمایت از کودکان بدون سرپرست» به قانون «حمایت از کودکان فاقد سرپرست قانونی» که مشمول کودکان بی‌سرپرست و فاقد سرپرست مؤثر و با

صلاحیت نیز می‌شود تغییر یابد.<sup>۱</sup> همچنین علاوه بر کودکانی که پدر، مادر و جد پدری آنان شناخته نشده باشند یا در قید حیات نباشند، کودکان و نوجوانانی که هیچ یک از پدر یا مادر یا جد پدری آنان بدون عذر موجه حاضر به پذیرش مسئولیت سرپرستی از آنان نباشند نیز می‌تواند تحت سرپرستی قرار گیرند.

## ۲. تقلیل مدت اقامت کودکان در مراکز شبانه‌روزی:

به منظور جلوگیری از اتلاف فرصت‌های سرپرستی، لازم است مدت ۳ سال تمام مقرر در بند ۳ ماده ۶ قانون ۱۳۵۳ برای کودکانی که به مؤسسه‌ی عام‌المنفعه سپرده شده و پدر یا مادر یا جد پدری او مراجعه نکرده باشند تقلیل یابد که پس از بحث‌ها و تبادل نظرهای انجام گرفته بر روی مدت «دو سال» توافق حاصل شد.

## ۳. افزایش سن کودکان تحت حمایت قانون:

به منظور حمایت از تعداد بیشتری از کودکان و نیز انطباق با قوانین حقوق کودک، به نظر می‌رسد تغییر سن کودک از ۱۲ سال مندرج در بند الف ماده ۶ به ۱۸ سال بتواند به هدف قانون‌گذار نزدیک‌تر باشد.

## ۴. شمولیت قانون بر زوجین دارای فرزند و زنان مجرد:

به موجب ماده ۳ قانون جاری، صرفاً به زوجین فاقد فرزند اجازه سرپرستی داده شده است. اما از آن جا که امروزه با تعداد زیادی از متقاضیان تک والد یا چند والدی مواجه هستیم که از شرایط

---

۱. مطابق آئین‌نامه اصلاحیه شماره ۱۶۲۵/۸۰-۱۱ مورخ ۱۳۸۵/۸/۲۸، کودکان تحت سرپرستی سازمان بهزیستی به کودکان زیر ۱۸ سالی اطلاق می‌گردد که بنا به دلایلی به طور موقت یا دائم از سرپرستی مؤثر والدین خود محروم شده و به موجب حکم مقام قضایی، سرپرستی آنان به سازمان بهزیستی سپرده شده است.

بسیار مطلوب اجتماعی و اخلاقی و... برخوردارند و نیز زنان مجردی که علاوه بر صلاحیت‌های اجتماعی دارای عواطف بسیار بالای مادری بوده و از شرایط مطلوبی نیز برخوردارند اصلح است که این گروه از متقاضیان نیز بتوانند از مزایای قانون برخوردار شوند.

#### ۵. تغییر شرایط سنی متقاضیان سرپرستی:

قانون‌گذار، حداقل سن برای متقاضیان را ۳۰ سال بیان داشته اما برای حداکثر آن تصریحی ننموده است که بهتر است به منظور رعایت منافع عالیه کودکان و انتخاب بهترین سرپرستان سن ۵۰ سالگی به عنوان حداکثر سن متقاضیان سرپرستی تعیین شود. برخورداری از سلامت جسم و روان، احراز توانایی عملی جهت نگهداری و تربیت افراد تحت سرپرستی، عدم ابتلاء به بیماریهای واگیر یا صعب‌العلاج، اعتقاد به یکی از ادیان رسمی کشور مصرح در قانون اساسی و رعایت اشتراکات مذهبی میان سرپرست و افراد تحت سرپرستی نیز از جمله شرایطی است که می‌بایست مورد توجه مقنن قرار گیرد.

#### ۶. تغییر شرط اقامت به تابعیت:

همان‌گونه که توضیح داده شد، ماده ۱ قانون صرفاً به شرط اقامت اشاره نموده و از تابعیت ایرانی سخنی به میان نیاورده است. به نظر می‌رسد ایراد ماده فوق این است که قانون‌گذار به غیرایرانیان مقیم در ایران نیز اجازه سرپرستی داده، اما برای ایرانیان مقیم در خارج از کشور محدودیت اقامت در ایران قائل شده است. حال آن‌که مطابق ماده ۶ قانون مدنی کلیه اتباع ایران ولو مقیم در خارج از کشور می‌بایست احوال شخصیه خود را مطابق قوانین ایران انجام دهند. بنابراین مشخص نیست که ایرانیان خارج از کشور چگونه می‌توانند از مزایای قانون منتفع شوند؟ وجود شرط اقامت برای اتباع ایرانی مقیم خارج در بسیاری موارد موجب انصراف متقاضیان شده و در مواردی نیز مشاهده شده که برخی از متقاضیان در مدت صدور قرار شش ماهه آزمایشی در ایران اقامت موقت می‌کنند که این امر موجب بروز مشکلاتی برای آنان می‌شود. بنابراین بهتر است ماده فوق با حذف شرط

«اقامت»، عبارت «تابعیت» را جایگزین نماید تا کلیه اشخاص ایرانی و اشخاصی که به موجب قانون تحصیل تابعیت ایرانی نموده‌اند، بتوانند تقاضای سرپرستی را از دادگاه نمایند. همچنین ضروری است به منظور ایجاد تسهیلات برای ایرانیان مقیم خارج از کشور، آنان بتوانند تقاضای سرپرستی خود را راساً از طریق سفارت‌خانه یا دفتر حفاظت از منافع جمهوری اسلامی ایران تقدیم نمایند.

#### ۷. تصریح به نقش سازمان بهزیستی:

ارائه خدمات تخصصی از جمله اهداف عالی‌ای است که مطابق ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹ و قانون تأمین کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ بر عهده سازمان بهزیستی می‌باشد تا ضمن رعایت منافع عالی کودکان اهداف پیشگیرانه نیز تحقق یابد. لذا محور و اساس حمایت‌ها و اقدامات اجرایی این سازمان، در جهت ایجاد امنیت اجتماعی- اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌ها و موجبات عادی‌سازی زندگی این قبیل کودکان است و منافع و مصالح کودکان ایجاب می‌نماید که امور راجع به فرزندپذیری به دلیل حساسیت وافر و رعایت حقوق فرزندان در تعامل بین بخشی قوه قضاییه و سازمان بهزیستی صورت پذیرد تا ضمن یکسان‌سازی شیوه اجرا و پرهیز از اعمال سلیقه‌های شخصی، تا حد زیادی مانع بروز شیوه‌های غیرقانونی و همچنین کاهش زمان فرآیند اجرایی پرونده‌های قضایی در زمینه سرپرستی باشد. از سوی دیگر اهمیت، حساسیت و جنبه‌های تخصصی کودکان، مسائل حضانت و سرپرستی را با فرآیند پیچیده‌ای مواجه می‌نماید. لذا رسیدگی به پرونده‌های قضایی سرپرستی صرف‌نظر از دانش و تخصص حقوقی، به بررسی ابعاد روانشناختی و جامعه شناختی نیز نیازمند است. بنابراین به منظور اتخاذ رویه واحد در اخذ تقاضای سرپرستی لازم است متقاضیان در ابتدا به این سازمان مراجعه نمایند تا پس از تأیید صلاحیت‌های اختصاصی، مراحل اخذ حکم قضایی برای سرپرستی را ادامه دهند تا متقاضیان قبل از انجام مراحل طولانی اخذ حکم قضایی بتوانند از صلاحیت خود اطمینان حاصل نمایند. همچنین می‌بایست اخذ نظرات کارشناسی نهاد متولی کودکان بی‌سرپرست برای دادگاه‌ها در دوره مرحله صدور قرار آزمایشی و حکم قطعی جنبه الزامی

داشته باشد. همچنین در راستای اجرایی شدن نقش قیمومت سازمان بهزیستی به نقش نظارت بر اداره اموال فرد تحت سرپرستی توسط سازمان بهزیستی نیز توجه شود.

## ۸. تعیین صلاحیت ذاتی دادگاه:

به تصریح مقنن در ماده ۷، دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به کلیه‌ی امور مربوط به این قانون دادگاه حمایت خانواده‌ی محل اقامت درخواست‌کننده است. اما با توجه به انحلال دادگاه حمایت از خانواده و صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی در رسیدگی به امور سرپرستی و نظر به عدم تخصصی بودن دادگاه‌های عمومی در رسیدگی به این قبیل پرونده‌ها ضروری است به صلاحیت دادگاه‌های عمومی اختصاصی نظیر دادگاه خانواده تصریح شود.

## ۹. حمایت مالی از افراد تحت سرپرستی:

نظر به تصریح مقنن مبنی بر عدم بهره‌مندی از ارث سرپرستان در ماده ۲ و به منظور تأمین منافع مادی کودکان و پوشش فقدان نهاد ارث، پیشنهاد می‌گردد پس از پایان دوره سرپرستی آزمایشی صدور حکم سرپرستی قطعی دادگاه منوط به رعایت شرایط زیر باشد:

۳۲. تعهد به واگذاری قسمتی از اموال یا دارایی‌های سرپرست یا سرپرستان به کودک در زمان حیات خود.

۳۳. تعهد به تأمین تمامی هزینه‌های مربوط به نگهداری و تربیت و تحصیل طفل تا پایان سن ۱۸ سال، به نحوی که حتی پس از فوت آنان نیز بتوان هزینه‌های مورد نظر را تحت عنوان «دین» از محل ماترک متوفی تأمین نمود.

تمکن مالی سرپرست یا سرپرستان تنها یکی از شرایط لازم جهت سرپرستی است و نباید سایر شرایط فرزندپذیری را تحت‌الشعاع قرار دهد. لذا به منظور تأمین منافع عالیه کودکان ضرورتی ندارد که صراحتاً معین شود چه قسمتی از اموال و دارایی سرپرستان می‌بایست به فرد تحت سرپرستی واگذار شود.

به موجب ماده ۵ دادگاه زمانی به صدور حکم سرپرستی مبادرت می‌کند که متقاضیان به کیفیت اطمینان‌بخشی تعهد کنند مخارج نگهداری و تربیت طفل تا سن بلوغ را حتی بعد از فوت خویش تعهد نمایند. اما درخصوص اجرا و الزام این تعهد از سوی سرپرستان راهکاری بیان ننموده است که این خلاء در عمل موجب عدم انجام تعهد از سوی سرپرستان و ایجاد بروز مشکلاتی برای کودکان شده است. همچنین به منظور حمایت قانون از کودک و نوجوانان تحت سرپرستی ضروری است تا سرپرستان مکلف شوند هزینه نگهداری و تربیت و تحصیل وی را تا سن ۱۸ سال ادامه دهند زیرا سن بلوغ مطابق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی در دختران ۹ سال تمام قمری و پسران ۱۵ سال تمام قمری است که به نظر می‌رسد نمی‌تواند تضمین‌کننده منافع کودکان باشد.

به موجب تبصره ماده ۵ هر گاه وجوه یا اموالی از طرف زوجین سرپرست به طفل تحت سرپرستی صلح شده باشد درصورت فوت طفل وجوه و اموال مذکور از طرف دولت به زوجین سرپرست تملیک خواهد شد. بر این ماده ایرادی وارد است. بدین معنا که چرا مالی که صرفاً از طرف یکی از زوجین به طفل تملیک شده پس از فوت او به زوجین تعلق گیرد و چرا نباید صرفاً به تملیک‌کننده مسترد شود؟ لذا به منظور رعایت انصاف و عدالت بهتر است تبصره ماده ۵ قانون ۱۳۵۳ به نحوی تغییر یابد که درصورت فوت فرد تحت سرپرستی یا ابطال حکم سرپرستی عین یا عوض وجوه یا اموال که توسط سرپرست یا سرپرستان به فرد تحت سرپرستی تملیک شده به تملیک‌کننده اعاده شود.

#### ۱۰. گسترش قوانین حمایتی بر افراد مشمول قانون :

در راستای حمایت از کودکان فاقد سرپرست، تصریح به این‌که کلیه مستمری‌های متعلقه به افراد تحت حمایت این قانون پس از صدور حکم سرپرستی نیز ادامه یابد و درصورت فوت سرپرست یا سرپرستان، برخورداری افراد تحت سرپرستی از مزایای مستمری وظیفه بازماندگان ضروری به نظر می‌رسد. ضمناً شمولیت قوانین حمایتی نظیر تعلق حق اولاد، استفاده از مرخصی دوره فرزندپذیری برای سرپرستان شاغل دولتی نیز می‌تواند از جمله راهکارهای مفید باشد.

### ۱۱. تعیین تعداد افراد تحت سرپرستی:

به تصریح قانون‌گذار در ماده ۱۰، متقاضیان می‌توانند با تصویب دادگاه و رعایت مقررات این قانون کودکان متعددی را سرپرستی نمایند که این امر با مصالح عالیه کودکان در تعارض است. لذا تعیین حدود مثلاً سه کودک در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. اما چنانچه افراد تحت سرپرستی اعضای یک خانواده باشند رعایت چنین شرطی الزامی نیست.

### ۱۲. اصلاح موارد انحلال سرپرستی:

قانون‌گذار در ماده ۱۲ صرفاً اختلاف زناشویی زوجین سرپرست را تصریح نموده و از مواردی چون طلاق یا فوت سرپرست یا سرپرستان سخنی به میان نیاورده است که توجه به چنین مواردی ضروری است.

### ۱۳. محرمانه بودن پرونده‌های سرپرستی:

به منظور حفظ حرمت و کرامت انسانی افراد تحت سرپرستی ضروری است که پرونده‌های قضایی و اداری محرمانه باشد و اجازه دسترسی و استفاده از آنان مشروط به صدور اجازه از سوی مراجع صالحه شود.

### ۱۴. انطباق شرایط سرپرستان با قانون:

متأسفانه در مواردی گزارش شده است که متقاضیان با توسل به شیوه‌های غیرقانونی اقدام به فرزندپذیری نموده‌اند. هر چند این عمل مغایر با قوانین جاری است اما بنا بر مصلحت عالیه کودکان و به منظور جلوگیری از خدشه‌دار شدن روابط عاطفی ایجاد شده بین کودک و خانواده‌های جایگزین ضروری است که در این خصوص راهکاری از سوی قانون‌گذار اندیشیده شود بدین نحو که ضمن تعیین ظرف زمانی برای کسانی که قبل از تصویب این قانون نسبت به

سرپرستی افراد تحت حمایت اقدام نموده‌اند آنان را ملزم به مراجعه به سازمان بهزیستی جهت تطبیق شرایط خود با شرایط مندرج قانون نمایند اما در این روش می‌بایست بسیار سنجیده عمل نمود تا موجب اشاعه روشهای غیرقانونی نظیر خرید و فروش کودک نشود.

### ۱۵. تصریح به برخی موارد سکوت در قانون ۱۳۵۳:

سکوت قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست در برخی موارد موجب اشکالاتی شده است که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۳۴. سکوت قانون‌گذار در مورد امکان یا حرمت نکاح طفل با پدر یا مادرخوانده و سایر خویشان نزدیک آنان در عمل اشکالاتی را به وجود آورده است. بنابراین به منظور جلوگیری از جریحه‌دار شدن احساسات و عواطف عمومی جامعه و تحکیم بنیان خانواده‌های جایگزین تصریح به ممنوعیت ازدواج سرپرست با فرد تحت سرپرستی یا فردی که قبلاً تحت سرپرستی بوده و عدم ثبت واقعه ازدواج یاد شده می‌تواند مفید باشد.

۳۵. عدم تصریح مقنن به شرط تجرد فرزندخوانده از جمله مواردی است که نیاز به تصریح مقنن دارد. هر چند که در حال حاضر با مصوبه ۱۳۸۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص ارتقاء سن ازدواج تا ۱۳ سال تمام شمسی تا حدی مشکل فوق مرتفع شده است.

۳۶. همانطور که قبلاً نیز بیان شد قانون ایران درخصوص قانون حاکم بر رابطه فرزندخواندگی در مرحله ایجاد یا اثرگذاری و نیز قانون حاکم بر روابط سرپرستی اتباع خارجی ساکت است که این امر نیز می‌بایست مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد.

در پایان خاطر نشان می‌سازد فرآیند فرزندپذیری صرف نظر از موانع حقوقی با موانع دیگر از جمله چالش‌های اجتماعی مواجه است که از جمله آنها می‌توان به نگرش جامعه به کودکان بی‌سرپرست به عنوان موجودی مجهول‌الیهویه، موضوع نامشروع بودن کودک، گریز کودک از خانواده پس از اطلاع یافتن از واقعیت فرزندپذیری، نگرانی خانواده فرزندپذیر از افشای واقعیت، وحشت زوجین از کاهش توجه و محبت همسر خود، نگرانی از عدم پذیرش فرزندخوانده توسط اقوام و آشنایان،



نگرانی از ایجاد مشکل توسط والدین زیستی کودک، انتخاب سن و جنس خاص کودک از سوی خانواده‌های فرزندپذیر، وضعیت جسمی و روانی کودک از نظر معلولیت ذهنی و جسمی کودک و عدم زیبایی کودک اشاره نمود (روزبه، ۱۳۸۴). بنابراین در راستای توسعه برنامه‌های مراقبت در خانواده و خانواده جایگزین، کاهش میانگین مدت اقامت فرزندان بی‌سرپرست در مراکز شبانه‌روزی، پاسخ‌گویی به متقاضیان بسیاری که واجد شرایط فرزندپذیری هستند، ایجاد تعادل بین تعداد کودکان مقیم مراکز شبانه‌روزی و متقاضیان، ایجاد توازن منطقی میان خواسته‌های متقاضیان و شرایط اجتماعی موجود و عنایت به ویژگی‌های فردی، فرهنگی، اجتماعی و دینی، بهره‌گیری از تجارب ارزنده بسیاری از متخصصین حقوقی، روانشناسی، تربیتی و اجتماعی می‌تواند در این زمینه بسیار راه‌گشا باشد.

## انواع فرزندخواندگی:

امروزه در رژیم‌های حقوقی دنیا انواع خاصی از فرزندخواندگی وجود دارد که جدا از ماهیت حقوقی آنها، اثرات و تبعات اجتماعی و روان‌شناختی خاص دارند که از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که به شرح آن می‌پردازیم:

۳۷. فرزندخواندگی ساده<sup>۱</sup>: فرزندخواندگی که، کودک علقه‌های خود را با والدین بیولوژیک حفظ می‌کند و فقط از بعضی مزایای فرزند واقعی بهره‌مند می‌شود. این نوع فرزندخواندگی قابل فسخ است. در صورت صغیر بودن فرزندخوانده، توافق فی‌مابین امین یا قیم وی با اولیاء فرزندخواندگی و در صورت کبیر بودن توافق به اراده فرزندخوانده و خانواده فرزندپذیر صورت می‌گیرد.

این روش با کمی اغماض در کشور ما نیز به صورت غیرقانونی محقق می‌شود. بدین معنا که والدین بیولوژیک و جایگزین با یکدیگر درباره سرپرستی توافق می‌نمایند که در برخی موارد به اعمال غیرقانونی نظیر خرید و فروش کودک منتهی می‌شود که مناسب است در این باره تدبیری از سوی مجریان قانون اندیشیده شود.

---

1. Adoption Simple

۳۸. فرزندخواندگی کامل<sup>۱</sup> : در این نوع رابطه عمیق‌تری بین خانواده فرزندپذیر و فرزندخوانده ایجاد می‌شود و فرزندخوانده از جهت حضانت، تربیت، ولایت، حرمت نکاح، توارث، استفاده از نام‌خانوادگی سرپرستان (پذیرنده کودک)، با فرزند بیولوژیک تفاوتی وجود ندارد و رابطه فرزندخوانده کامل با خانواده بیولوژیک کاملاً قطع می‌شود (امامی، ۱۳۷۰).

در کشور ما این روش تحت قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ صورت می‌پذیرد با این تفاوت که رابطه فرزندخوانده با والدین بیولوژیک خود قطع نمی‌شود و از مواردی نظیر حرمت نکاح و توارث استثناء است.

۳۹. فرزندخواندگی بین‌المللی<sup>۲</sup> : در این نوع از فرزندخواندگی، طرفین رابطه دارای تابعیت واحد نیستند. به عبارت دیگر اگر در جریان فرزندخواندگی «عنصر خارجی» متصف به یکی از طرفین باشد، فرزندخواندگی بین‌المللی تحقق می‌یابد.

با توجه به این‌که مطابق ماده ۱ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳، شرط اقامت مورد نظر قانون‌گذار است، لذا این نوع فرزندخواندگی نیز می‌تواند مطابق قانون ما صورت پذیرد.

۴۰. فرزندخواندگی مدرن<sup>۳</sup> : امروزه پیشرفت‌های علم پزشکی که حاصل دستاورد فناوری زیستی<sup>۴</sup> است، توانسته مشکلات ناباروری را تا حد زیادی رفع نماید. تشکیل جنین در آزمایشگاه، انتقال جنین به رحم زن ثالث، اهدای جنین و تولد کودکی که قسمتی از راه پیدایش خود را در خارج از مسیر طبیعی پیموده است، ترکیب اسپرم با تخمک در خارج از رحم، پرورش آن تا مدت معینی در داخل لوله آزمایش و انتقال آن به رحم زن ثالث، استفاده از جنین‌های اهدایی توسط زوجین نابارور و... از جمله روشهایی است که به علت سازگاری با فرهنگ مردم، به عنوان روش متداول در بسیاری از کشورهای جهان و در بین زوجین نابارور شناخته شده است. هر چند برخی معتقدند فناوری لقاح مصنوعی و انتقال جنین نمی‌تواند به فرآیند فرزندخواندگی بیانجامد. اما برخی معتقدند از آنجا که در موضوع اهدا جنین یا سلول جنینی هیچ رابطه قرابت خانوادگی بین صاحبان اصلی و جنین مطرح نمی‌شود. رابطه فرزند والدینی یک رابطه بیولوژیکی حاصل ژن‌هایی پدر و مادر است که به

- 
1. Adoption Plénie
  2. Adoption Internationale
  3. Adotion moderne
  4. Bio technologie

کودک به ارث می‌رسد و بر روی این وراثت ژنتیکی، فرآیندهای دوران جنینی از ابتدا تا انتها هیچ تأثیری ندارد. نتیجه این که کودک متولد شده، حتی اگر حاصل سلول‌ها و یا جنین اهدایی باشد باز هم کودک متعلق به صاحبان اصلی سلول‌های جنسی و جنینی است.

قبل از پایان بحث لازم است بدانیم که طرح اهدای جنین به زوجهای نابارور پس از دو بار ارسال به شورای نگهبان در نهایت در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۲۹ با لحاظ شرایط شرعی و اسلامی تحت عنوان «قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور» توسط مجلس شورای اسلامی در پنج ماده تصویب و سپس در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۹ آیین‌نامه اجرایی آن با ۱۰ ماده زیر نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت دادگستری تنظیم و مصوب شد.

به موجب ماده ۱ این قانون، کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذیصلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنینهای حاصله از تلقیح خارج از رحم زوجهای قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها (هر یک به تنهایی یا هردو) به اثبات رسیده اقدام نمایند. در این روش عمل بارور شدن و یا پرورش نطفه در محیط خارج از رحم شبیه لوله‌های آزمایشگاهی و امثال آن انجام می‌شود. بنابراین بعضی از همین کودکان که نطفه آنها خارج از رحم در محیطی شبیه لوله‌های آزمایشگاهی بارور و نگهداری می‌شوند به محیط رحم منتقل می‌شوند، اما نه رحم مادر و صاحب تخمک بلکه به رحم زنانی دیگر و در آنجا نگهداری و پرورش می‌یابند که این‌گونه زنان ممکن است با شوهر (صاحب نطفه) رابطه زناشویی داشته و همسر دوم آنان باشند و ممکن است با مرد صاحب نطفه زوجیت نداشته و با او بیگانه باشند.

با توجه به نوین بودن این پدیده در سیستم حقوقی ایران، قانون فوق در بسیاری از نقاط کلیدی نظیر ارث و محرمیت با سکوت مواجه است. موضوعاتی نظیر این که والدین واقعی طفل و این که آیا پدر و مادر بیولوژیک طفل یا اهدا کنندگان جنین یا بارورکننده آن است و نیز نقش شوهر زن بارورکننده و درج یا عدم درج نام وی در شناسنامه طفل و... با ابهام رو به رو است و در بین مقررات قانونی، نصی درخصوص این موارد نمی‌توان یافت که با توسل به عمومات فقهی و روح مقررات موضوعه که با اصول و قواعد حقوق و اخلاق از یک طرف و با مصالح افراد در جوامع بشری سازگارتر است می‌توان احکام حقوقی آن را استنباط نمود (شهیدی، ۱۳۷۷).



## فصل سوم

امین موقت



## کودکان فاقد سرپرست موثر و با صلاحیت<sup>۱</sup>:

آمارهای موجود بیانگر آن است که درصد بالایی از فرزندان مقیم مراکز شبانه‌روزی کودکانی هستند که از سوی سرپرستان خود ترک شده‌اند. در موارد بسیاری نیز مشاهده شده که والدین به دلیل ازدواج مجدد و زندانی شدن امکان نگهداری کودک خود را ندارند. اعتیاد، فساد اخلاقی و فحشا، بیماریهای روانی و صعب‌العلاج والدین، سوء استفاده از طفل و اجبار وی به ورود در مشاغل ضد اخلاقی، تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف توسط والدین نیز از دلایل عمده پذیرش کودکان در مراکز شبانه‌روزی گزارش شده است (عملکرد دفتر امور شبه خانواده سازمان بهزیستی، ۱۳۸۵).

همان‌گونه که قبلاً بیان شد ماده ۶ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ سرپرستی دائم در قالب «فرزندخواندگی» را صرفاً برای کودکانی که والدین و جد پدری آنان در قید حیات نباشند یا اساساً شناخته نشده یا از گروه کودکانی باشند که سه سال تمام به مراکز شبانه‌روزی سپرده شده و والدین آنها هیچ مراجعه‌ای نکرده باشند تجویز نموده است و این یکی از مهم‌ترین دلایلی است که موجب شده کودکان فاقد سرپرست موثر و با صلاحیت سپرده شده به سازمان بهزیستی محکوم به اقامت‌های طولانی مدت در مراکز شبانه‌روزی باشند. این در حالی است که مراقبت کودکان در مراکز شبانه‌روزی از روشهای ناکارآمد تربیتی شناخته شده و پیامدهای منفی نظیر برجسب خوردن و جداسازی کودکان از محیط خانواده را نیز به دنبال دارد و موجب اتلاف منابع و تضعیف برنامه‌های مراقبتی مبتنی بر جامعه می‌شود (گزارش آماری دفتر امور شبه خانواده، ۱۳۸۶).

مقدمه کنوانسیون جهانی حقوق کودک تأکید فراوان بر نقش خانواده دارد و به دولتهای عضو میثاق توصیه کرده تا در موارد بی‌سرپرستی دائم یا موقت علاوه بر ارائه حمایت‌های ویژه حکومتی، از نهادهای حقوقی جایگزین خانواده بهره‌برداری نمایند. بی‌تردید «امین موقت» به عنوان یکی از نهادهای حقوقی جایگزین خانواده است که می‌تواند از روشهای مؤثر جهت اجتناب از اقامت طولانی مدت کودکان در مراکز شبانه‌روزی باشد. بنابراین به منظور اجتناب از اقامت طولانی و

---

۱. به منظور اجتناب از بار منفی اصطلاح «کودکان بدسرپرست» از عبارت «کودکان فاقد سرپرست موثر و با صلاحیت» استفاده می‌شود.

محرومیت دائمی این کودکان از خانواده و در راستای تقویت برنامه‌های مراقبت در خانواده و خانواده جایگزین می‌توان از این تأسیس حقوقی بهره جست که خوشبختانه قانون‌گذار ایران در کتاب هشتم قانون مدنی (در اولاد) با تصویب ماده ۱۱۸۷ به این امر عنایت داشته است. لازم به ذکر این‌که هر چند فرزندخواندگی در سایر کشورها به عنوان کامل‌ترین شیوه مراقبت در خانواده‌های جایگزین در دو روش دائم و موقت انجام می‌پذیرد، اما در حال حاضر قانون ایران فرزندخواندگی به روش موقت را نپذیرفته که می‌توان این روش را با برخی ملاحظات با نهاد حقوقی امین موقت در قوانین داخلی منطبق نمود، (رضایی، ۱۳۸۶).

### بررسی مستند قانونی نهاد امین موقت:

ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی مقرر داشته است:

«هرگاه ولی قهری منحصر به واسطه غیبت یا حبس به هر علتی که نتواند به امور مولی‌علیه رسیدگی کند و کسی را هم از طرف خود معین نکرده باشد حاکم یک نفر امین به پیشنهاد مدعی‌العموم برای تصدی و اداره اموال مولی‌علیه و سایر امور راجع به او موقتاً معین خواهد کرد.» هر چند ماده قانونی فوق‌الذکر به صراحت عبارت «امین موقت» را جهت سرپرستی به کار نبرده، اما باید اذعان داشت، این ماده مستند قانونی نهاد سرپرستی موقت از کودکان فاقد سرپرست مؤثر و با صلاحیت است که مورد استناد محاکم قضایی قرار می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۶). اما در مواردی نیز ماده فوق‌الذکر با تفاسیر متفاوتی از سوی قضات محاکم مواجه شده تا جایی که برخی، ماده فوق را ناظر به اداره اموال مولی‌علیه می‌دانند. لذا به منظور شفاف‌سازی، ذکر پاره‌ای توضیحات در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد.

مطابق ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی، پدر و جد پدری (پدر پدر) صرفاً سمت ولایت قهری بر مولی‌علیه را دارند. بنابراین در حقوق کنونی اشخاصی چون جد مادری، عمو، دایی و سایر خویشاوندان و حتی مادر کودک فاقد چنین سمت و حقی هستند (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

ولی قهری را نماینده قانونی نیز می‌نامند (شهبازی، ۱۳۸۰). زیرا ولایت پدر و جد پدری قهری می‌باشد. به عبارت دیگر چنین حقی با تولد طفل خود به خود ایجاد می‌گردد و قابل اعطا توسط حکومت، دادگاه و... نیست و چون ولایت امری است قهری، لذا هیچ مقامی حق تغییر یا تنفیذ آن را ندارد مگر در موارد خاص ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی.



همچنان که بیان شد ولی قهری سمت ولایت بر صغیر اعم از ممیز و غیرممیز را دارد. اما منظور شارع مقدس و قانون‌گذار از ولایت چیست؟ برخی حقوق‌دانان ولایت را این‌گونه تعریف نموده‌اند: ولایت در فقه و حقوق مدنی عبارت است از نمایندگی قهری یا قانونی پاره‌ای از اشخاص نسبت به کسانی که به علت ضعف دماغ یا اعسار امور مدنی آنها کلاً یا بعضاً بدست آن نماینده اداره می‌شود مانند پدر و جد و وصی منصوب از طرف آنان و قیم و... (لنگرودی، ۱۳۷۷) و برخی دیگر ولایت در روابط خانوادگی را به معنای اقتداری برای اداره امور مالی و گاه تربیت کودک تبیین نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

مطابق قانون حق ولایت، توأماً و در عرض هم و به اشتراک از سوی پدر و جد پدری اعمال می‌شود. به این معنا که پدر و جد پدری هر دو همزمان بر کودک ولایت دارند بنابراین با مرگ یکی، ولایت به دیگری منتقل می‌شود و از بین نمی‌رود (شهبازی، ۱۳۸۰). هر چند ولایت جد پدری در قوانین ما همانند ولایت پدر است اما مطابق عرف، زمانی که ولایت پدر به دلایلی نظیر فوت، رها کردن و... بر کودک تحقق نیابد جد پدری عهده‌دار وظایف و تکالیف قانونی پدر می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

به تجویز ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی، هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد تحت ولایت خود وصی معین کنند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت کودک اهتمام ورزد و اموال وی را اداره نماید که به چنین شخصی «وصی» می‌گویند. بنابراین در صورت زنده بودن هر یک از پدر یا جد پدری انتخاب وصی برای کودک فاقد وجاهت قانونی است و چنانچه کودکی فاقد ولی قهری و وصی منصوب از سوی آنان باشد حاکم شرع عهده‌دار سمت ولایت می‌گردد.<sup>۱</sup>

ماده ۱۱۸۷ را می‌توان در دو حالت بررسی نمود: حالت اول این‌که ولی قهری منحصری برای طفل وجود داشته باشد. به عبارت دیگر جد پدری کودک فوت نموده اما پدری که در قید حیات

۱. حاکم، فقیه جامع الشرایط را گویند که علاوه بر سمت قضا و سمت دادستان سمت محتسب به معنی عام آن را دارد و دارای صلاحیت اداری وسیعی است (لنگرودی، ۱۳۷۷).

می‌باشد توانایی عملی و مؤثری جهت سرپرستی از کودک ندارد یا پدر فوت کرده و جد پدری که در قید حیات است نمی‌تواند به دلایل متفاوتی نظیر کهولت سن و... ولایت خود را بر کودک اعمال نماید. حالت دوم فرضی است که پدر و جد پدری هر دو در قید حیات می‌باشند اما توانایی نگهداری عملی از کودک را ندارند.

از عبارت «به هر علتی» مندرج در ماده می‌توان استنباط نمود که مصادیق ماده ۱۱۸۷ جنبه حصری ندارد و هدف مقنن تمثیل است و علاوه بر مفروضات فوق می‌تواند حالات دیگری را به ذهن متبادر نماید. بنابراین شرایطی نظیر حبس، غیبت، ازدواج مجدد سرپرستان، ترک فرزند توسط آنان و... نیز می‌تواند مورد استناد ماده باشد. این‌که امکان دسترسی به پدر یا جد پدری منحصر وجود ندارد یا ولی قهری منحصر در دسترس می‌باشد اما به هر علت قادر به اداره امور کودک نیست. مثلاً فرض کنید ولی قهری در شهر دیگری زندگی می‌کند و مراجعه‌ای هم به محل زندگی کودک نمی‌نماید یا این‌که بیماری صعب‌العلاج داشته یا معتاد باشد و کودک بلامتکلیف است (موسوی، ۱۳۸۴).

آیا صدور حکم عدم صلاحیت اخلاقی والدین نیز می‌تواند از فروضات ماده ۱۱۸۷ باشد؟ به موجب ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی طفل را نمی‌توان از ابویین و یا از پدر و یا از مادری که حضانت با اوست گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی.

بنابراین هرگاه بر حسب اعلام یکی از والدین، اقربای طفل، قیم کودک یا دادستان محل برای دادگاه محرز شود که هر یک از پدر یا مادری که حضانت طفل را عهده‌دار هستند نتواند یا نخواهد وظایف قانونی خود را انجام دهد و یا به هر ترتیب «عدم مواظبت» و «عدم صلاحیت اخلاقی» آنان ثابت شود «حق حضانت» آنان ساقط می‌شود و در چنین حالتی دادگاه برای حضانت طفل تصمیم مقتضی مبنی بر تعیین شخص دیگری برای حضانت طفل اتخاذ می‌کند.

در گذشته تشخیص مصادیق «عدم مواظبت» و «انحطاط اخلاقی» والدین با ابهام مواجه و موجب تفسیرهای گوناگون و ایجاد رویه‌های مختلفی در محاکم دادگستری می‌شد تا این‌که قانون‌گذار با تصویب ماده واحده‌ای در سال ۱۳۷۶ برخی از مصادیق مهم را بیان داشت. نکته قابل توجه آن‌که موارد عدم صلاحیت در ماده ۱۱۷۳ حصری نیست و جنبه تمثیلی دارد و ناظر به موارد دیگر که مشابه موارد یاد شده باشد نیز می‌گردد که در هر حال تشخیص آن با دادگاه است.

خلاصه این که والدین زمانی از اعمال حق حضانت محروم می‌شوند که «صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل درخطر باشد». بنابراین حضانت نمی‌تواند هدفی غیر از این دو داشته باشد. با وجود این برخی کارکرد ماده ۱۱۷۳ را بر ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی ترجیح می‌دهند<sup>۱</sup> و بیان داشته‌اند که با وجود ماده ۱۱۷۳ نیازی به صدور حکم امین موقت نیست. حال آن‌که ماده ۱۱۷۳ صرفاً ناظر به «حضانت» به معنی پرورش و نگهداری طفل است و شامل جنبه‌های جسمی و روحی کودک می‌شود حال آن‌که ماده ۱۱۸۷ به شخص امین مسئولیت انجام کلیه امور راجعه به مولی علیه را اعطا می‌کند.

بنابراین با وجود حالات فوق و عدم امکان ولایت بر کودک به هر دلیل چه کسی می‌بایست وظیفه سرپرستی، نگهداری و مواظبت از طفل را عهده‌دار شود؟ آیا چنین کودکی محکوم به محرومیت دائمی از خانواده و اقامت طولانی مدت در مراکز شبانه‌روزی است؟ یا قانون‌گذار در راستای منافع عالیه کودک و به منظور اداره امور کودک می‌تواند به جای ولی قهری منحصری که توانایی رسیدگی به امور مولی علیه را ندارد، امین موقت انتصاب نماید؟

بی‌تردید دادستان محل اقامت فرزند به تجویز ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی می‌بایست یک نفر را به عنوان امین به دادگاه معرفی نماید تا این شخص (امین) به عنوان جانشین ولی قهری منحصر در هر امری که نیاز به مجوز ولی قهری باشد اقدامات لازم را انجام دهد<sup>۲</sup>. مثلاً زمانی که کودکی نیاز به عمل جراحی داشته باشد، یا هنگام خروج شخص زیر ۱۸ سال از کشور، (موسوی، ۱۳۸۴).

در تبیین مفروضه‌های بالا باید بین فرضی که ولی قهری به دلیل حبس، غیبت، جنگ و نظیر این‌ها نتواند به امور کودک رسیدگی کند و ناتوانی او کامل باشد و فرضی که ولی قهری در دسترس بوده و در اثر عواملی چون بیماری و... کم و بیش می‌تواند به سرپرستی کودک بپردازد تفاوت قائل شد. حالت اول موردی است که ولی قهری وجود ندارد بنابراین کلیه کارهای مربوط به

۱. برخی دادگاه‌ها، ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی را ناظر بر اداره اموال کودک (مولی‌علیه) می‌دانند اما از عبارت اخیر یعنی «سایر امور راجعه به او» مندرج می‌توان موضوع سرپرستی و حضانت کودک را استنباط نمود.

۲. مطابق ماده ۶۸ قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۶، مدعی‌العموم موظف است پس از اطلاع به وجود صغیری (ولو از طریق غیر از مسائل فوق باشد) منتهی در ظرف یک هفته تحقیقات لازم را جمع وجود ولی خاص (پدر، جد پدری، وصی منصوب که وصایت او مسلم باشد) برای صغیر نموده در صورتی که صغیر ولی خاص نداشته باشد برای تعیین تکلیف به محکمه رجوع نماید.

کودک در قلمرو اختیار امین است و از این حیث با قیم شباهت کامل دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۷) و حالت دوم، به تجویز ماده ۱۱۸۴ با عزل ولی قهری می‌توان سرپرستی این کودکان را به خانواده یا فرد متقاضی واجد شرایط سپرد.

همان‌گونه که بیان شد چنانچه ولی قهری به دلایلی چون حبس یا غیبت یا جنگ و مانند این‌ها نتواند به امور مولی‌علیه خود رسیدگی کند و ناتوانی او کامل باشد اختیارات امین با قیم شباهت کامل دارد که با وحدت ملاک از ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی در باب صلاحیت قیم می‌توان گفت که صلاحیت و اختیارات امین موقت همانند قیم عام بوده و همانند ولی قهری بر امور کودک احاطه کامل دارد. به عبارت دیگر وظیفه امین موقت از دو جنبه نگهداری و تربیت کودک و نیز نمایندگی قانونی کودک در اداره دارایی وی قابل تأمل است (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

نکته حائز اهمیت این‌که چنین سرپرستی موقت بوده و با رفع موجبات صدور حکم مبنی بر بدسرپرستی فسخ خواهد شد. بنابراین کودکان با حفظ هویت اصلی و بدون تغییر در شناسنامه به خانواده‌ها جهت سرپرستی سپرده می‌شوند.

### شرایط متقاضیان امین موقت:

همان‌گونه که قبلاً بیان شد ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی صرفاً به دو شرط دارای ولی قهری منحصر بودن طفل اشاره کرده و شرط دیگری را برای کودک و فرد متقاضی تبیین ننموده است. بنابراین سرپرستی از کودکان فاقد سرپرست در قالب حکم امین موقت نیازمند احراز شرایط مذکور در قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ از قبیل زوج بودن متقاضیان، رعایت شرط سنی، احراز سلامت جسمی و اخلاقی و... نمی‌باشد. اما محاکم قضایی از باب رعایت منافع متعالی کودکان و با عنایت به شرط امانت در شخص متقاضی، برخی شرایط مندرج در قانون فوق را مطمح نظر قرار می‌دهند. مثلاً دادگاه‌ها زن و شوهر فاقد اولاد را در اولویت سرپرستی قرار می‌دهند. چرا که خانواده متشکل از پدر و مادر در مقایسه با خانواده تک‌والد کارکرد مؤثرتری در پرورش و تربیت کودک دارد. اما این امر مانع صدور حکم امین موقت برای افراد مجرد نبوده و افراد مجرد در اولویت بعدی سرپرستی قرار می‌گیرند (رضایی، ۱۳۸۴). یا زوجینی که بین سنین

۳۰ تا ۵۰ سال هستند بر افراد مسن‌تر یا کم سن‌تر ترجیح دارند. داشتن تحصیلات و موقعیت اجتماعی مناسب و... آمارهای مبنی بر والدین بهتر بودن است هر چند که این امر قطعیت ندارد.

### تشریفات صدور حکم امین موقت:

تشریفات رسیدگی جهت صدور احکام امین موقت از جهت دادگاه صالح و تشریفات آیین دادرسی حائز اهمیت است:

به موجب تبصره ۱ ماده ۳ لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص الحاقی ۱۳۶۰، تقاضای نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها و نظارت در امور محجوران، کماکان با دادستان است و متقاضی تقاضای خود مبنی بر انتصاب امین موقت را به اداره سرپرستی محل اقامت طفل ارائه می‌دهند و اداره سرپرستی پس از تکمیل پرونده آن را به دادگاه محل اقامت طفل ارسال می‌نماید. دادگاه پس از ثبت تقاضا، به بررسی شرایط عمومی متقاضی می‌پردازد. سازمان بهزیستی نیز از باب منافع عالیه کودکان اقداماتی نظیر مصاحبه با متقاضی یا زوجین متقاضی و ارائه راهنمایی‌ها و اطلاعات لازم درباره فرزند، مصاحبه با فرزند و ایجاد آشنایی او با متقاضی یا زوجین متقاضی و کسب نظر و میزان علاقه‌مندی فرزند نسبت به موضوع و ایجاد آمادگی روانی کودک و... را در چارچوب مشاوره‌های فرزندپذیری انجام می‌دهد. لازم به ذکر این‌که چنانچه این کودکان نزد سازمان بهزیستی نگهداری نشده و نزد اقوام و آشنایان نگهداری شوند اخذ نظریه کارشناسی سازمان بهزیستی توسط دادگاه به مصلحت کودک می‌باشد.

پس از تأیید صلاحیت‌های اختصاصی، دادگاه به صدور حکم امین موقت و تحویل طفل مبادرت می‌نماید. نکته حائز اهمیت این‌که در صدور حکم امین موقت، دوره آزمایشی وجود ندارد و از همان ابتدا دادگاه حکم قطعی صادر می‌نماید اما این به معنای عدم وجود نظارت بر وضعیت کودک در خانواده جایگزین نیست بلکه حساسیت و اهمیت نظارت در این نوع سرپرستی مطمح نظر است. در صورتی که بنا بر نظارت‌های به عمل آمده به هر دلیل ادامه سرپرستی به مصلحت کودک نباشد، امین موقت توسط دادگاه عزل می‌شود.

هر چند قانون‌گذار به موجب ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی اجازه سرپرستی موقت از کودکان فاقد سرپرست مؤثر و با صلاحیت را اعطا نموده است اما یقیناً تقویت برنامه‌های مراقبت در خانواده

علاوه بر مبانی قانونی با مسائل فرهنگی و اعتقادی نیز همراه است. بدین معنا که افراد کمتر به پدیده بی‌سرپرستی کودکان به عنوان یک تعهد اجتماعی توجه داشته و صرفاً به انتخاب ساده‌ترین راه یعنی ارائه خدمات مادی و مساعدت‌های مالی بسنده می‌کنند. همچنین بر اساس احساس جمعی جامعه ایرانی در زمینه حس تعلق و مالکیت به عنوان یک رفتار قوی فرهنگی رغبت چندانی به مراقبت موقت از کودکان در خانواده‌ها نشان داده نمی‌شود. عواملی چون شرایط حاد روانی و جسمانی این کودکان به دلیل تجربیات سوء رفتار در خانواده بیولوژیک، نگرانی از آزار و مزاحمت‌های احتمالی والدین اصلی (بیولوژیک) برای سرپرستان جدید، ورود لطمت روحی به سبب گسیختگی‌های عاطفی ایجاد شده بین خانواده و کودک تحت سرپرستی پس از فسخ رابطه سرپرستی در صورت رفع مانع از ولی قهری منحصر و... می‌تواند از جمله دلایل کمبود متقاضیان سرپرستی موقت باشد. بنابراین ضروری است به منظور رفع چالش‌های قانونی، فرهنگی و اعتقادی با الهام از تعالیم عالیه و مترقی اسلام به تهیه و تدوین برنامه‌هایی در جهت تصحیح و تسهیل در صدور احکام سرپرستی موقت و تغییر نگرش جامعه به پدیده بی‌سرپرستی کودکان اقدام نمود و به موازات اصلاح قوانین جاری به تحول دیدگاه‌های فرهنگی و اعتقادی جامعه توجه نماییم تا شاهد روند رو به رشد مراکز نگهداری شبانه‌روزی نباشیم (گزارش آماری دفتر امور شبه خانواده، ۱۳۸۵)، که بی‌شک تدوین چنین برنامه‌هایی مشارکت همگانی تمامی سازمانها و ارگانهای دولتی و غیردولتی و اندیشمندان علوم اجتماعی و انجام تحقیقات گسترده پیرامون سرپرستی موقت از کودکان بد سرپرست را می‌طلبد.

لازم به ذکر این‌که در بُعد حقوقی، لزوم تدوین یا اصلاح قوانین به منظور حمایت بیشتر از افراد متقاضی سرپرستی، ارائه راهکارهایی برای انتصاب سرپرست یا سرپرستان دائم برای کودکانی که دارای والدینی هستند که احتمال بازگشت صلاحیت آنان غیر ممکن به نظر می‌رسد (مانند حبس ابد والد یا بیماری مسری صعب‌العلاج و...) از سوی قانون‌گذار و نیز تقاضای تفسیر و ارائه نظریه مشورتی از اداره کل حقوقی قوه قضاییه به منظور برداشت یکسان از ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی توسط قضات محاکم ضروری به نظر می‌رسد. همچنین اطلاع رسانی به عموم جامعه و فرهنگ‌سازی در کلیه ابعاد سرپرستی موقت، پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری مناسب به منظور حمایت‌های مؤثرتر از سرپرستان موقت در مقابل مزاحمت‌های احتمالی والدین بیولوژیک، تشویق

افراد متقاضی به طرق مناسب، ارائه خدمات تخصصی و مشاوره‌ای و... می‌تواند از جمله راهکارهای مناسب برای افزایش متقاضیان سرپرستی موقت و اجتناب از ورود بی‌رویه و اقامت طولانی کودکان بدسرپرست در مراکز شبانه‌روزی باشد (رضایی، ۱۳۸۴).





## فصل چهارم

### قیمومت



## نهاد قیمومت در حقوق ایران:

قیمومت نوعی ولایت به منظور حمایت از کودکان است (کاتوزیان، ۱۳۸۳)، که در لغت به معنی مستقیم، متولی، سرپرست، دارای قیمت، سید و متولی امر شخص محجور و در اصطلاح حقوقی شخصی است که در صورت نبودن ولی خاص به وسیله دادگاه برای سرپرستی و اداره امور محجور نصب می‌شود. این وظیفه سمتی است برای سرپرستی و اداره امور محجور و به حکم دادگاه ایجاد می‌شود (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۷۶).

مواد قانونی مربوط به قیمومت در کتاب دهم از جلد سوم قانون مدنی تحت عنوان «حجر و قیمومت» (مواد ۱۲۱۸ تا ۱۲۵۶) است و نیز مواد ۴۸ تا ۱۰۲ قانون امور حسبی که در خصوص آیین دادرسی مربوط به نصب و عزل قیم و صلاحیت دادگاه و نیز اختیارات و مسئولیت قیم مباحثی را مطرح می‌کند. همچنین لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب مهر ماه ۱۳۵۸ قانون مدنی و امور حسبی را در مبحث قیمومت اصلاح می‌کند.

قیم<sup>۱</sup> نماینده قانونی محجور است که به حکم قانون‌گذار به موجب ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی از طرف مقامات صلاحیت دار قضایی و تحت شرایطی برای کودکی که ولی قهری او (پدر و جد پدری شناخته شده وی بنا بر اسناد سجلی) در قید حیات نباشند<sup>۲</sup> و فردی نیز از طرف ولی قهری تحت عنوان وصی متکفل سرپرستی او نباشد، منصوب می‌شود<sup>۳</sup>. به عبارت دیگر تا زمانی که پدر یا جد پدری یا وصی منصوب از طرف پدر یا جد پدری موجود است و اهلیت لازم برای امور مولی‌علیه (کودک) خود را داشته باشد، دادگاه نمی‌تواند برای کودک قیم انتخاب نماید مگر در صورتی که عدم لیاقت یا خیانت پدر و جد پدری اثبات شود که در این صورت دادگاه وی را عزل می‌نماید.

---

### 1. Tuteur judiciaire

۲. با اندکی دقت در می‌یابیم که وجود شرط « فوت پدر یا جد پدری » جهت نصب قیم با مفاد بند ب ماده ۶ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مشابه است. بدین معنا که مشخص نیست تحت چه وضعیتی تصمیم دادگاه برای کودکی که پدر یا جد پدری وی در قید حیات نیستند دادگاه تصمیم به انتصاب قیم یا سرپرست در قالب حکم فرزندخواندگی می‌گیرد که به نظر می‌رسد در چنین مواردی می‌بایست بنا بر مصلحت عالیه طفل تصمیم مقضی از سوی دادگاه اتخاذ شود.

۳. رأی وحدت رویه‌ی هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۱۳۶۴/۱۰/۳۰ به ضرورت نصب قیم برای افراد فاقد ولی خاص پس از بلوغ و قبل از اثبات رشد اشاره دارد.

همچنین، به موجب ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی، مواظبت کودک فاقد ولی خاص زمانی به قیم واگذار می‌شود که کودک در حضانت مادر خود نباشد، (کاتوزیان، ۱۳۷۷).<sup>۱</sup> همچنین مقنن کودکان رها شده (سرراهی) را که پدر قانونی آنها مشخص نمی‌باشد و اطفال بیولوژیکی که والدینشان با یکدیگر رابطه زناشویی نداشته‌اند را مشمول حکم فوق دانسته و برای آنها نیز نصب قیم می‌کند. زیرا مصلحت کودک ایجاب می‌نماید که اشخاصی موظف به اداره امور آنان بوده و مأمور انجام اعمال حقوقی به نمایندگی از طرف آنها باشند (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۷۶). بنابراین قانون‌گذار بعد از ولایت، حضانت و وصایت از قیمومت به عنوان یک نهاد حقوقی به منظور مراقبت کودکان در خانواده جایگزین استفاده می‌نماید.

سمت قیم به عنوان نماینده کودک، یک سمت عمومی و قضایی است که تحت شرایط خاص قانونی از طرف دادگاه صالح اعطا می‌شود. برابر ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی صلاحیت قیم در مواظبت و تربیت مولی‌علیه و نیز اداره دارایی او، عام و همانند ولی قهری کامل و از دو جنبه قابل توجه است:

الف: نگهداری و تربیت کودک (مولی‌علیه) در صورتی که وی در حضانت مادر خود نباشد. اموری که لازمه مواظبت از مولی‌علیه است در حضانت هم آمده است. مطابق ماده ۷۹ قانون امور حسبی تربیت و اصلاح حال کودک در زمره وظایف قیم است. نکته دیگر آن که مواظبت، علاوه بر حفظ و نگهداری و رفع نیازهای کودک مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی<sup>۲</sup>، شامل ممانعت کودک از

۱. در حقوق ما، حضانت و ولایت فرزندان دو مفهوم جداگانه دارد. حضانت به معنای نگهداری فرزند است و ولایت به معنای سرپرستی و اداره امور مالی. تصمیم در مورد تحصیل، تعیین محل زندگی، اجازه خروج از کشور، اظهار نظر و اجازه در مورد مسائل درمانی کودک و موارد دیگر است. بر این اساس مادر بر فرزند حق ولایت ندارد و در صورت فقدان ولی قهری (پدر و جد پدری) برای اداره دارائی‌های کودک خود ناگزیر از اخذ حکم قیمومت از دادگاه می‌باشد، (کاتوزیان، ۱۳۸۳) تا تحت نظارت اداره سرپرستی به انجام امور وی بپردازد.

۲. کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد. در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت مسؤول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعات جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده‌ی زیان نباشد.

آسیب رساندن به دیگران است و در غیراین صورت قیم دچار تقصیر شده و مسؤول جبران خسارات ناشی از تقصیر خود می شود. از لوازم مواظبت و تربیت محجور امکان تنبیه و اجبار او به اطاعت است که در حدود متعارف و تنها به منظور تربیت در اختیار قیم قرار می گیرد.<sup>۱</sup>

ب: نمایندگی قانونی محجور در اداره دارایی او. زمانی این نمایندگی به قیم واگذار می شود که محجور ولی قهری نداشته باشد. این فرض در موردی تحقق می پذیرد که یا جنون یا سقّه بعد از بلوغ و رشد (پایان ولایت) عارض شود یا پدر یا جد پدری کودک فوت کرده باشند.

داشتن صفات توانایی، امانت، بلوغ، رشد و اسلام برای قیم لازم است که این امر را می توان از مواد ۱۲۸۴، ۱۲۳۱، ۱۲۳۵، ۱۲۳۸، ۱۱۹۲ قانون مدنی و مواد ۷۹ و ۹۴ قانون امور حسبی استنباط کرد. هر چند احراز شرایط و انتصاب قیم از طرف قانون گذار به دادگاه سپرده شده است که می بایست به شایستگی قیم بیشتر از هر شرط دیگری اهمیت داده شود. اما قانون به منظور حفظ منافع مولی علیه به طور بی قید و شرط انتصاب برخی اشخاص نظیر کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند یا ارتکاب به جنایت یا برخی جنحه ها را داشته اند و نیز افرادی که معروف به فساد اخلاقی هستند و... را منع نموده است (ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی) و انتخاب برخی افراد نظیر زنان شوهردار را مشروط به رضایت شوهر دانسته است (ماده ۱۲۲۳ قانون مدنی). گاهی نیز قانون گذار از انتصاب برخی افراد حمایت می کند. مثلاً برای مادر طفل مادام که شوهر ندارد<sup>۲</sup> و اقربا به شرط این که شایسته ترین باشند، نسبت به سایر متقاضیان اولویت قائل می شود (ماده ۱۲۳۲ قانون مدنی و ماده ۶۱ قانون امور حسبی)، (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

درخصوص حدود صلاحیت قیم انتصابی دادگاه، باید گفت چنانچه دادگاه بی هیچ قید و شرطی برای سرپرستی از کودک، قیم منصوب نماید، اصل آن است که این شخص صلاحیت مواظبت از

۱. ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی اعمال زیر جرم محسوب نمی شود:

الف: اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجوران که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام شود مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف، تأدیب و محافظت باشد.

ب: ...

۲. ماده ۱۲۵۱ قانون مدنی هرگاه زن بی شوهری ولو مادر مولی علیه که به سمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ انعقاد نکاح به دادستان حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت دادستان یا نماینده او می تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر کند.

طفل و نمایندگی قانونی او را در تمام امور دارد. بدیهی است چنانچه دادگاه اختیارات خاصی برای قیم قائل شود، او صرفاً در حیطه اختیارات تعیین شده حق مداخله دارد.

بی تردید اختیارات قیم از ولی قهری محدودتر است. برخی اعمال قیم تحت نظارت کامل دادستان انجام می‌شود. مثل فروش و رهن اموال غیرمنقول (۱۲۴۱ قانون مدنی) و انجام معامله‌ای که در نتیجه آن قیم مدیون مولی‌علیه شود (ماده ۱۲۴۱ قانون مدنی). اما گاهی مصلحت کودک ایجاب می‌نماید که قیم از انجام برخی امور مولی‌علیه ممنوع باشد. نظیر بخشش، وقف یا وصیت اموال مولی‌علیه و نیز معامله قیم با مولی‌علیه خود (۱۲۴۰ قانون مدنی).

نکته دیگر آن که اختیارات مقرر در ماده ۱۰۴۱ و ۱۰۴۳ قانون مدنی در باب اجازه ازدواج قبل از ۱۳ سالگی و و اذن دختر باکره به ازدواج، خاص ولی قهری است و به قیم تسری نمی‌یابد. بنابراین قیم هیچ اختیاری در نکاح مولی‌علیه خود ندارد.

مطابق مواد ۱۲۲۲ و ۱۲۱۸ قانون مدنی در هر موردی که دادستان به نحوی از وجود شخصی که نیاز به نصب قیم دارد اطلاع پیدا کند باید به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اشخاصی که برای قیمومت مناسب هستند را به این دادگاه معرفی نماید. علاوه بر دادستان اشخاصی نظیر پدر و مادر کودک، خویشاوندان، سازمان بهزیستی<sup>۱</sup>، شهرداری، ثبت احوال، دهقان، بخشدار، قیم و هر یک از دادگاه‌ها که در جریان دادرسی از وجود محجور (طفل صغیر) مطلع شوند باید مراتب را گزارش دهند.

دادگاه نیز از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم و در صورت نیاز یک یا چند نفر ناظر استصوابی یا اطلاعی معین و حکم نصب را صادر می‌کند. دادگاه باید حدود اختیارات ناظر را نیز تعیین نماید. اگر دادگاه اشخاص معرفی شده برای انجام قیمومت را صالح نداند اشخاص دیگری را از دادرسی خواهد خواست. بدیهی است دادگاه به استناد ماده ۱۲۴۴ قانون مدنی بر کار قیم و ناظر نظارت داشته باشد. مطابق ماده ۶۰ قانون امور حسبی دادگاه می‌تواند برای چند صغیر یک قیم انتصاب نماید.

۱. به موجب ماده واحده قانون واگذاری قیمومت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور تا زمان تعیین قیم توسط دادگاه مصوب ۱۳۷۶.

مطابق ماده ۱۳۳۳ قانون مدنی، دادگاه می‌تواند چند قیم را برای صغیر انتخاب نماید و حدود اختیارات آنها را معین کند اما در صورتی که دادگاه اختیارات آنان را اعلام نکند ظاهراً با وحدت ملاک از ماده ۸۵۴ قانون مدنی در باب وصیت، اصل بر آن است که نظر همگی آنان برای انجام امور مولی‌علیه ضروری است (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۷۶).

در هیچ یک از مواد قانونی مدنی برای انتصاب قیم شرایط نظیر شرط تأهل، سن، تحصیلات و... بیان نشده است، اما مراجع قضایی بنا بر توصیه بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون جهانی حقوق کودک که مقرر داشته «در انجام هر اقدامی که به نوعی به کودک مربوط می‌شود، چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری، غیر اداری و یا هر بخش دیگری، رعایت نفع و تأمین سلامت کودک بر سایر مسائل تقدم دارد...» از باب نفع متعالی کودکان برخی از شرایط مندرج در قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست از جمله شرط سنی، تحصیلی و... را مد نظر قرار می‌دهند (رضایی، ۱۳۸۴).

### تشریفات صدور حکم قیمومت:

موضوع تشریفات رسیدگی امور راجع به قیمومت از دو جنبه دادگاه صالح و تشریفات رسیدگی قابل بررسی است:

ماده ۴۸ قانون امور حسبی دادگاه صالح برای نصب قیم را دادگاه شهرستان معین نموده بود. این ماده به موجب تبصره ۱ ماده ۳ لایحه قانونی مدنی خاص الحاقی ۱۳۶۰ که تقاضای نصب قیم و ناظر و ضمن امین و عزل آنها و نظارت در امور محجوران را به دادگاه مدنی خاص محول نمود، نسخ ضمنی شد. ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی اصلاحی سال ۱۳۶۱ نیز صلاحیت دادگاه مدنی خاص را تأیید می‌کند. بدین معنا دادگاه‌های مدنی خاص که از جمله محاکم اختصاصی است، در امور راجع به نصب قیم برای صغار صلاحیت ذاتی دارند و چنانچه در محلی دادگاه مدنی خاص تشکیل نشده یا بعد از تشکیل به جهتی منحل شده باشد، مطابق ماده ۴ دادگاه مدنی خاص، دادگاه‌های عمومی دادگستری صالح به رسیدگی هستند. با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ دادگاه مدنی خاص منحل و کلیه وظایف آن به دادگاه‌های عمومی محول شد و مجدداً با تصویب قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل (۲۱) قانون

اساسی مصوب ۱۳۷۶/۵/۸ نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها به دادگاه خانواده محول شد (حبیبی تبار، ۱۳۸۳).

مطابق مواد ۴۸، ۴۹، ۵۰ و ۵۳ قانون امور حسبی، دادگاه محل اقامت صغیر دارای صلاحیت نسبی (محلی) است. اگر صغیر در ایران اقامتگاه نداشته باشد دادگاه محل سکونت و چنانچه صغیر در خارج از ایران اقامت یا سکنی داشته باشد دادگاه تهران صالح به رسیدگی است. در صورتی که اقامتگاه محجور معلوم نباشد، دادگاهی که صغیر در حوزه آن یافت می شود می بایست به این امر رسیدگی کند.

متقاضی با ارائه مدرکی دال بر فوت پدر و جد پدری تقاضای خود مبنی بر انتصاب سمت قیمومت بر مولی علیه را به اداره سرپرستی ارائه و اداره فوق نیز پس از تکمیل پرونده آن را به دادگاه ارسال می نماید. دادگاه پس احراز شرایط متقاضی به صدور حکم مبادرت می نماید. در این نوع سرپرستی نیز بر خلاف فرزندخواندگی قرار موقت وجود ندارد اما این امر با اعمال نظارت های تخصصی دادستان و چنانچه مولی علیه (کودک) از فرزندان تحت سرپرستی سازمان بهزیستی است با نظارت های کارشناسی این سازمان بر کودک مغایرت ندارد.

## مقایسه نهادهای سرپرستی با یکدیگر:

### الف - مقایسه قیمومت با ولایت و وصایت:

ولایت قهری سمتی است که به حکم مستقیم قانون ایجاد می شود و وصایت سمتی است که به وسیله ولی قهری یا وصی منصوب از جانب او یا وصی قبلی تعیین می شود و اختیاراتش را قانون مشخص می کند. در حالی که قیم، سمت انتصابی دادگاه در صورت نبود ولی خاص (پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف هر یک از آنان) است. همچنین دادگاه اصولاً بر کار ولی قهری و وصی مداخله ندارد ولی بر فعالیت قیم به استناد ماده ۷۳ قانون امور حسبی نظارت دارد.

معمولاً اختیارات وصی بیش از قیم است مگر این که موصی اختیارات او را محدود کرده باشد. مثلاً وصی می تواند طرف قرارداد با محجور واقع شود. حال آن که قیم نمی تواند طرف قرارداد با محجور



باشد به گونه‌ای که مال محجور را به خود منتقل کند یا مال خود را به محجور انتقال دهد. (۱۲۴۰ قانون مدنی)

### ب - مقایسه قیمومت با حضانت:

قیمومت فراتر از حضانت است. در تفاوت حضانت با قیمومت باید گفت متصدی حضانت عهده‌دار نگهداری و پرورش جسمی محجور است در حالی که قیم اداره امور مالی و غیرمالی محجور و انجام دادن اعمال حقوقی به نمایندگی از محجور را به عهده دارد. ممکن است برای اداره امور محجور قیم تعیین شده باشد و در عین حال حضانت او بر عهده مادر یا شخص دیگری باشد. آموزش و پرورش معنوی و اخلاقی محجور اصولاً بر عهده قیم است (ماده ۱۲۳۵) هر چند که متصدی حضانت نیز در زمینه تربیت مسئول است.

### ج - مقایسه قیمومت با سرپرستی (فرزندخواندگی):

قیمومت محدودتر از سرپرستی است. قیم می‌تواند برای نگهداری اموال مولی‌علیه و انجام امور راجع به او تقاضای اجرت نماید حال آن که مطابق قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، نه تنها سرپرستان چنین درخواستی نمی‌توانند داشته باشند بلکه می‌بایست پرداخت هزینه تربیت و نگهداری و تحصیل طفل را تا رسیدن به سن بلوغ تأمین نمایند. همچنین سرپرستی ویژه زوجین متقاضی است حال آن که قیم ممکن است شخص مجرد، اعم از زن یا مرد باشد. قیم برای نقل و انتقال اموال مولی‌علیه خود حتی اگر فرزندش باشد باید نظر اداره سرپرستی را جلب نماید و نمی‌تواند مستقلاً عمل کند.

### د - مقایسه قیمومت با امین موقت:

ویژگی حکم امین موقت آن است که، چنین فردی با وجود ولی قهری ازسوی دادگاه به طور موقت منصوب می‌گردد و با رفع مانع از ولی قهری سمت او زایل می‌شود. حال آن که قیم در صورتی منصوب می‌شود که ولی قهری یا وصی منصوب از جانب او برای سرپرستی کودک وجود نداشته باشد همچنین وظیفه قیم، موقت نیست و تا رفع حجر از کودک یا عزل یا انزال قیم به یکی از اعمال قانونی ادامه می‌یابد (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۷۶).

### هـ - مقایسه سرپرستی (فرزندخواندگی) با امین موقت:

در صورتی که ولی قهری منحصر به هر دلیل توانایی انجام امور مولی علیه خود را نداشته باشد دادگاه، امین موقت نصب می‌کند. اما چنانچه هیچ یک از پدر یا جد پدری یا مادر طفل شناخته نشده یا در قید حیات نباشند و یا کودکانی باشند که به مؤسسه‌ی عام‌المنفعه سپرده شده و سه سال تمام پدر یا مادر یا جد پدری آنها مراجعه نکرده باشند، دادگاه به صورت دائم برای کودک سرپرست انتخاب می‌کند.

### و - مقایسه سرپرستی (فرزندخواندگی) با حضانت:

حضانت متفاوت از سرپرستی است. حضانت به معنی نگهداری و مراقبت فیزیکی از کودک و سرپرستی به معنای اداره امور اساسی طفل از جمله تصمیم‌گیری در مورد اموال، محل اقامت، انجام عمل جراحی و... است که از جمله وظایف پدر است.

### قانون واگذاری قیمومت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی:

حجر در لغت به معنای «منع» و در اصطلاح حقوقی «عبارت است از منع شخص به حکم قانون از این‌که بتواند امور خود را مستقلاً و بدون دخالت دیگری اداره کند و شخصاً اعمال حقوقی انجام دهد» (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۷۶). قانون مدنی به موجب ماده ۱۲۰۷ محجوران را به سه دسته تقسیم نموده است: صغار، اشخاص غیررشید و مجانین.

با توجه به این‌که دفتر امور شبه خانواده سازمان بهزیستی وظیفه تأمین مراقبت شبانه‌روزی و ایجاد زمینه‌های پرورش از کودکان بی‌سرپرست و فاقد سرپرست مؤثر و قانونی در دو سطح برنامه مراقبت در خانه‌های کودکان و نوجوانان و برنامه مراقبت در خانواده را بر عهده دارد و متکفل امور محجوران خود (کودکان بی‌سرپرست) می‌باشد، بی‌ارتباط نیست که به شرح قانون واگذاری قیمومت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی که مرتبط با جامعه هدف دفتر اختصاصی فوق می‌باشد بپردازیم:

قانون واگذاری قیمومت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور تا زمان تعیین قیم توسط دادگاه که مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره می‌باشد، پس از دوبار ارسال به شورای نگهبان، تأیید و جهت اجرا ابلاغ شد و در روزنامه رسمی شماره ۳۷۳۸ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۵ منتشر گردید و آیین‌نامه آن در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۱۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

مطابق ماده واحده در مواردی که سازمان بهزیستی تشخیص دهد فرد تحت سرپرستی‌اش نیاز به نصب قیم دارد موضوع را به مراجع قضایی اعلام می‌دارد. اما به تجویز ماده واحده تا زمان تعیین قیم رئیس دادگستری محل می‌تواند رئیس سازمان بهزیستی و مدیران کل و رؤسای ادارات بهزیستی محل را با حق توکیل به غیر، موقتاً به عنوان نماینده قانونی محجوران با اختیارات و مسؤولیتهای قانونی قیم، منصوب نماید.

منظور از فرد محتاج نصب قیم، محجوری است که ولی خاص (اعم از پدر یا جدری پدری یا وصی منصوب از طرف یکی از آنها) نداشته و به حکم دادگاه صالح تحت سرپرستی سازمان بهزیستی باشد. این ماده واحده سازمان بهزیستی را جزء اشخاص مندرج در مواد ۱۲۱۹ تا ۱۲۲۲ قانون مدنی و مواد ۵۵ و ۵۶ قانون امور حسبی دانسته و اعلام مراتب به مراجع قضایی را جزء وظایف این سازمان اعلام نموده است. مطابق این ماده واحده دو مرجع جهت نصب قیم صالح می‌باشند:

۱. رئیس دادگستری شهرستان که در حال حاضر به استناد تبصره ماده ۱۲ قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور حسبی، جایگزین دادستان است.

۲. دادگاه عمومی محل اقامتگاه محجور

بنا بر ماده واحده، در صورتی که سازمان بهزیستی تشخیص دهد تعیین قیم برای فرد محجور فوریت دارد، مرجع قضایی صالح می‌تواند رئیس سازمان بهزیستی یا مدیران کل یا روسای ادارات را به عنوان قیم برای اداره امور محجور تعیین نماید.

البته عنوان قانون با متن مغایرت دارد. زیرا عنوان قانون «واگذاری قیمومت موقت به سازمان بهزیستی که یک شخص حقوقی» است در حالی که در متن قانون واگذاری قیمومت به «رئیس سازمان بهزیستی کشور و مدیران کل و رؤسای ادارات بهزیستی» که اشخاص حقیقی هستند، پیش‌بینی شده است. برخی به این استناد که در قانون مدنی و قوانین دیگر به قیمومت شخص حقوقی تصریح نشده به قیمومت شخص حقوقی ایراد وارد نموده‌اند. البته این ایراد قابل دفاع است. زیرا قانون مدون منبع منحصر به فرد حقوق نیست و مواردی پیش می‌آید که قانون نسبت

به آنها ساکت است و در این موارد حقوقدان باید با استفاده از روح قانون و اصول حقوقی و شیوه‌های تفسیر قانون قاعده‌ای به دست آورد. از سوی دیگر اعمال شخص حقوقی از طریق مدیران و نمایندگان آنها انجام خواهد شد و ماده ۱۲۴۷ قانون مدنی نیز می‌تواند این نظر را تایید نماید (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۷۸). همچنین انتخاب اشخاص حقوقی به سمت قیم در برخی کشورها سابقه دیرینه داشته و هیچ‌گاه مورد اختلاف نبوده است.<sup>۱</sup> نتیجه آن‌که تعیین شخص حقوقی به سمت قیم نه تنها قابل ایراد نیست بلکه به مصلحت محجور نیز می‌تواند باشد زیرا: گاه اشخاص حقیقی شایسته، سمت قیمومت را نمی‌پذیرند و در قبول این سمت برای افراد اجبار وجود ندارد و در صورت امکان، اجبار افرادی که مایل به قبول قیمومت نیستند، به سود محجور نیست.

انتصاب اشخاص حقوقی نظیر سازمان بهزیستی به عنوان قیم که شایستگی و آمادگی سرپرستی محجور را دارند به مصلحت وی می‌باشد. زیرا این سازمان از جمله مؤسسات دولتی است که علاوه بر دارا بودن امکانات لازم، وظایف قیم را از طریق مسئولان و مأموران خود انجام می‌دهد و تغییر مسئولان آن تأثیری در وظایف و مسئولیت‌های شخص حقوقی ندارد و با تغییر این مسئولان نیاز به تصمیم جدید از سوی دادگاه نیست و بدین نحو حمایت از محجور از ثبات و دوام بیشتری برخوردار خواهد بود در حالی که اگر قیمومت موقت یا دائم به یکی از رؤسا یا مسئولان شخص حقوقی واگذار گردد، با تغییر شخص مسئول، قیمومت دچار وقفه می‌شود و علی‌الاصول باید برای تعیین قیم جدید به دادگاه یا رئیس دادگستری شهرستان رجوع کرد که خود مشکلاتی در پی خواهد داشت. هر چند اشخاص فوق نماینده قانونی محجور خواهند بود و دارای اختیارات و مسئولیت‌های قانونی قیم هستند، اما این سمت برای آنان موقت است و تا زمانی ادامه دارد که دادگاه برای محجور نصب قیم نکرده باشد. همچنین این قیم موقت دارای حق توکیل به غیر است و می‌تواند شخص دیگری را به عنوان وکیل جهت اداره امور محجور تعیین نماید.

۱. در حقوق فرانسه، چنانچه سمت قیمومت افراد کبیر بلاتصدی باشد، دولت و در مورد اطفال این سمت به مؤسسات کمک اجتماعی واگذار می‌شود و دولت مکلف به پذیرش این سمت است و نمی‌تواند از این امر استنکاف نماید. در این راستا در سال ۱۹۹۸ میلادی تصویب‌نامه‌ای جهت سامان‌دهی قیمومت دولت و مددکاری دولت صادر شده که به موجب آن، دولت می‌تواند اشخاص متفاوتی را برای قیمومت بر شخص تعیین کند (صفایی، ۱۳۷۸).

نکته مهم در ماده واحده آن که تعیین قیم موقت منحصر به موارد ضروری است و تشخیص این ضرورت نیز صرفاً به عهده سازمان بهزیستی می‌باشد.

به اعتقاد برخی حقوق‌دانان اخذ تدابیر موقت جهت حمایت محجوران به وسیله دادستان (رئیس دادگستری) و اداره سرپرستی در قانون ما سابقه دارد و نوآوری قانونی در این زمینه نیاز نبوده است. زیرا به استناد ماده ۱۲۲۴ قانون مدنی تعیین قیم برای محجوران، مادام که برای آنان قیم تعیین نشده و حفظ و نظارت بر اموال آنان از اختیارات مدعی‌العموم است. از نظر وظیفه‌ای که ماده فوق بر عهده دادستان گذارده است، باید گفت که خصوصیتی در امور مالی نیست و دادستان باید با وحدت ملاک از ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی برای مواظبت شخص محجور و اداره امور غیر مالی او نیز قبل از نصب قیم اقدام لازم انجام دهد. علاوه بر ماده ۱۲۲۴ قانون مدنی، ماده ۶۴ قانون امور حسبی نیز نصب امین موقت قبل از تعیین قیم را برای محجور پیش‌بینی کرده است. البته نصب امین موقت بر عهده دادگاه است و وظیفه او برابر همان ماده حفظ اموال محجور و تصرفاتی است که ضرورت دارد. با توجه به حکم شماره ۳۱۱ دیوان‌عالی کشور<sup>۱</sup> مورخ ۱۳۲۳/۴/۱۵ دادستان می‌تواند شخصی را به نمایندگی از خود جهت اداره اموال محجور به طور موقت تعیین کند.

بنا بر توضیحات فوق، اخذ تدابیر موقت جهت حمایت محجوران به وسیله دادستان (رئیس دادگستری) و اداره سرپرستی در قانون ما سابقه دارد و نوآوری قانونی در این زمینه نیاز نبوده است. تنها نوآوری که در ماده واحده دیده می‌شود محدود کردن اختیار رئیس دادگستری به مواردی «ضروری» با تشخیص سازمان بهزیستی و نیز تغییر عبارت «مصلحت» به «ضرورت» است. در حالی که آنچه در امور محجوران اهمیت دارد مصلحت محجور است نه ضرورت که مرحله‌ای بالاتر از مصلحت است. ضمناً دادن اختیار تشخیص ضرورت، به سازمانی که خود متقاضی قیمومت موقت و به بیانی خواهان اعطای قیمومت است، بر خلاف اصول حقوقی است و بهتر بود تهیه‌کنندگان قانون به این امر توجه می‌نمودند. شاید بتوان منظور قانون‌گذار را این‌گونه تفسیر

۱. شعبه ۳ دیوان‌عالی کشور در حکم شماره ۳۱۱ مورخ ۱۳۲۳/۴/۱۵ اعلام داشته است: «چون به موجب ماده ۱۲۲۴ قانون مدنی تا وقتی که برای صغیر قیم تعیین نشده، وظیفه دادستان نظارت در مال صغیر است، بنا براین اقدام کسی در این مورد به نمایندگی از طرف دادستان بی‌اشکال خواهد بود.»

نمود که ماده فوق به استناد ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور تنها جنبه حمایت از محجوران تحت پوشش این سازمان را دارد (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۷۸).

### اداره سرپرستی :

اداره سرپرستی یکی از زیر مجموعه‌های دادگستری می‌باشد که وظیفه رسیدگی به امور صغار، مجانین، غایبان و مفقودین اثر و اموال بلا صاحب و بلاوارث و صدور ولایت‌نامه و عزل و نصب قیم و امین... را دارا می‌باشد و تقریباً در هر محلی که دادسرا تشکیل شده باشد، اداره سرپرستی نیز تأسیس شده و به امور فوق‌الذکر رسیدگی می‌نماید. در تهران این اداره مستقلاً تحت نظر یکی از معاونان ریاست کل دادگستری استان و با حضور بانوان قاضی مشاور و چند شعبه دادگاه و در شهرستانها در خود دادگستری مستقر است و از جمله وظایف آن اقدام در موارد زیر است :

بعد از فوت پدر در صورت حیات ولی قهری یا وصی منصوب به صدور ولایت نامه اقدام می‌نماید. ولی مذکور مستقلاً به اداره امور صغیر پرداخته و هیچ مرجعی حق دخالت در امور صغیر وی را ندارد مگر آن‌که به تجویز ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی‌علیه گردد که در این صورت از طرف دادگاه عزل می‌شود.

در صورت فوت ولی خاص (پدر، جد پدری، وصی)، برای مادر (در صورتی که صلاحیت داشته و حاضر به پذیرش این سمت باشد) و در غیراین صورت برای اقربای شایسته طفل که این سمت را پذیرفته‌اند قیم‌نامه صادر می‌شود. قیم منصوبی تحت نظارت اداره سرپرستی انجام وظیفه می‌نماید و در صورت ضرورت بر قیم ناظر استصوابی یا استطلاعی تعیین می‌گردد.

تعیین امین برای اداره اموال و صغار غایبین، ولی قهری که در زندان به سر می‌برد، اداره سهم الارثی که ممکن است از ترکه متوفی به جنین برسد، جنین ولی یا وصی نداشته باشد و اداره اموالی که به مصارف عمومی می‌رسد و مدیری نداشته باشد وفق مقررات بر عهده این اداره می‌باشد. امین منصوبی نیز تحت نظارت اداره سرپرستی انجام وظیفه می‌کند.

## وظایف دادستان در امور اطفال بی سرپرست:

رسیدگی به گزارش مامورین انتظامی و ثبت احوال دایر بر وجود صغیر برای متوفی (ماده ۶۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۶).

تقاضای نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها و نظارت در امور محجوران (تبصره ۱ ماده ۳ لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص الحاقی ۱۳۶۰).

حفظ و نظارت اموال صغار و مجانین و اشخاص غیررشید تا تعیین قیم برای آنها (ماده ۱۲۲۴ قانون مدنی).

اقدام برای تعیین قیم جهت طفلی که ولی قهری او محجور شده است (ماده ۱۱۸۵ قانون مدنی). درخواست خروج از تحت قیمومت (ماده ۱۲۴۵ قانون مدنی).

ظهارنظر درخصوص درخواست خروج از تحت قیمومت (ماده ۱۲۵۵ قانون مدنی).

تقاضای فسخ قرار دوره آزمایشی (ماده ۴ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳). موافقت با خروج از کشور طفلی که برای سرپرستی به کسی سپرده شده است در دوره آزمایشی (ماده ۱۵ قانون حمایت از کودکان بدون مصوب ۱۳۵۳).

درخواست فسخ حکم سرپرستی (ماده ۱۶ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳). اعلام نتیجه تحقیقات در مورد وجود صغیر برای متوفی به دادسرای محل اقامت دائمی متوفی (تبصره ذیل ماده ۶۸ قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۶).

تحقیق درخصوص وجود یا عدم وجود ولی خاص برای صغیر و اقدام برای تعیین قیم برای او در صورت عدم وجود ولی خاص (ماده ۶۸ قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۶).





## فصل پنجم

### ضمائم



## ترمینولوژی حقوقی:

**آیین دادرسی مدنی:** مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن هستند به کار می‌رود (ماده ۱ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱).

**آیین نامه اجرایی:** آیین‌نامه‌ای که برای اجرا یک قانون مقرر می‌شود. ممکن است آیین‌نامه اجرایی را خود مجلس و یا دولت و یا مقامات اداری کشور در حدود صلاحیتی که دارند تهیه و به معرض اجرا بگذارند، (لنگرودی، ۱۳۷۷)

اباحه: اجازه تملک یا ارتکاب فعل یا مصرف و اخذ چیزی است (ماده ۹۲ قانون مدنی) (لنگرودی، ۱۳۷۷).

ابلاغ: (دادرسی مدنی) رساندن یک سند رسمی (خواه از اوراق دعوی باشد خواه از اوراق اجرا احکام یا اجرا اسناد لازم‌الاجرا و غیره). به اطلاع شخص یا اشخاص معین با رعایت تشریفات قانونی مخصوص (لنگرودی، ۱۳۷۷).

اثبات: مرحله علم به چیزی را مرحله اثبات آن چیز نامند و چون در علم خطا هم واقع می‌شود بنابراین ممکن است مرحله اثبات مطابق مرحله ثبوت (واقع) نباشد. (در مقابل ثبوت استعمال می‌شود، رک. ثبوت) به جای اثبات، عبارت «به ثبوت رساندن» را به کار می‌برند و این از اغلاط است (لنگرودی، ۱۳۷۷).

انفاق: انفاق به معنی صرف کردن است و نفقه اسمی از انفاق. در اصطلاحات حقوق مدنی عبارت است مسکن و اثاث خانه و خوراک و پوشاک به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت انفاق کننده (ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی).

اقامتگاه: اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور

او اقامتگاه محسوب می‌شود. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود (ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی).

اماره: اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته شود (ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی). اولی را اماره قانونی و دومی را اماره قضایی نامند. اماره یا فرض قانونی فرق دارد (لنگرودی، ۱۳۷۷).

اهدا جنین: واگذاری داوطلبانه و رایگان یک یا چند جنین از زوجهای واجد شرایط مقرر در قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور و آیین‌نامه آن به مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری برای انتقال به زوجهای متقاضی دارای شرایط مندرج در همان قانون (بند پ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور).

اقلیت‌های دینی: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند (اصل سیزدهم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

اهلیت: برای این که متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند (ماده ۲۱۱ قانون مدنی).

اهلیت: عبارت است از صلاحیت شخص برای این که خودش حقوق خود را اعمال کند (نصیری، ۱۳۸۳).

اعسار: صفت غیربازرگانی که به واسطه عدم کفایت دارایی یا دسترسی نداشتن به مال خود قدرت پرداخت هزینه دادرسی یا دیون خود را نداشته باشد (ماده یک قانون اعسار ۱۳۱۳) (لنگرودی، ۱۳۷۷).

امور حسبی: امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون این که رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آنها باشد (ماده ۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲).

ارث: (فقه - مدنی) دارایی متوفی بعد از کسر واجبات مالی و دیون و ثلث را ارث گویند و مالیات بر ارث به آن تعلق می‌گیرد. یعنی مبلغ حاصل از جمع واجبات مالی و دیون و ثلث باید از دارایی

مثبت میت خارج شود. باقی مانده متعلق مالیات بر ارث است. زیرا عنوان ارث فقط بر همان باقی مانده صدق می کند (لنگرودی، ۱۳۷۷).

**استصحاب:** از ماده صحب، به معنای به همراه داشتن است و در اصطلاح عبارت است از حکم به استمرار آنچه که پیش تر وجود داشته است. به دیگر سخن رعایت وضع یقینی سابق که بعداً در بقای آن شک حاصل گردد (ولائی، ۱۳۸۳). (فقه - دادرسی) در لغت به معنی به همراه داشتن چیزی است. در اصطلاح عبارت است از رعایت وضع یقینی سابق که بعداً در بقاء آن شک و تردید حاصل گردیده است (لنگرودی، ۱۳۷۷).

**اصاله الاباحه:** هر گاه در حلال یا حرام بودن چیزی تردید کنیم، اصل اباحه جاری کرده حکم به عدم حرمت می کنیم. زیرا آنچه نیازمند نص است الزامات قانونی است و الا عدم الزامات قانونی احتیاجی به نص ندارد. پس اصل در اشیا قبل از ورود شرع اباحه است. زیرا هیچ گونه دلیلی (اعم از علم یا علمی) دلالت ندارد که این عمل ضرر دنیوی دارد و برای اثبات ضرر اخروی نیز باید دلیل شرعی اقامه گردد، در حالی که فرض ما بر این است که فاقد دلیل شرعی هستیم، زیرا اگر در واقع عقابی در کار بود، لازم بود خداوند به ما اعلام فرماید (ولائی، ۱۳۸۳).

**احوال شخصیه:** عبارت است از مجموع صفات انسان که به اعتبار آنها یک شخص در اجتماع دارای حقوق شده و آن حقوق را اجرا می کند مانند تابعیت و ازدواج و اسم اقامتگاه و اهلیت و غیره. احوال شخصیه در معنی اخص، شامل اهلیت نیست (ماده هفتم قانون مدنی) مقصود از احوال در ثبت احوال همین معنی است. (ماده پنجم پروتکل ضمیمه عهدنامه مودت و اقامت و تجارت ایران و یونان مصوب) (لنگرودی، ۱۳۷۷). از وضعیت و اهلیت تشکیل می شود و این هر دو از مختصات شخصیت از جنبه حقوقی است (نصیری، ۱۳۸۳).

**بلوغ:** رسیدن طفل است به حال احتلام (در مرد) و حیض یا حمل (در مورد زنان) (لنگرودی، ۱۳۷۷).

**پیمان نامه:** قرارداد بین المللی را گویند (لنگرودی، ۱۳۷۷).

پزشک قانونی: پزشکی که وظیفه او کمک به احقاق حق و اجرا عدالت در امور مدنی و جزایی است از قبیل تشخیص وقوع قتل و کیفیت و اقسام جرح و تشخیص جنون یا ضعف عقل و تشخیص کسی که واجد شرط معافیت از سن است (لنگرودی، ۱۳۷۷).

تابعیت: عبارت از رابطه سیاسی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد (نصیری، ۱۳۸۴).

تبعه ایران: اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

- ♦ کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.
- ♦ کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
- ♦ کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشد.
- ♦ کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند.
- ♦ کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.
- ♦ هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.
- ♦ هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره: اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.

#### (ماده ۹۷۶ قانون مدنی)

تفسیر مضیق: نوعی از تفسیر قضایی است که به موجب آن مدلول یک قانون در چهارچوب مفهوم خویش محبوس گردیده و از سرایت دادن آن به موارد سکوت (و یا به مواردی که احتمال دارد که شامل آن موارد باشد) خودداری می‌شود در قانون مجازات باید تفسیر مضیق نمود. در قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی و امارات قانونی و مسئولیت مدنی حتماً باید تفسیر مضیق کرد (لنگرودی، ۱۳۷۷).

تأمین: در لغت به معنی قرار دادن در امن و آسایش است و در اصطلاح به معنی وثیقه و تضمین است و قرار تأمین قراری است که در حقیقت وثیقه‌ای برای متقاضی آن مقرر می‌دارد. در آیین دادرسی مدنی توقیف مال را گویند (لنگرودی، ۱۳۷۷).

تعارض قوانین: به معنای اعم شامل اقسام تعارض‌ها شده و محکمه در هر موردی تعارض بین قوانین پیش آید باید از بین قوانین مختلف از قبیل قانون محل وقوع شی، قانون اقامتگاه، قانون مملکت متبوعه و... قانون صلاحیت‌دار را تشخیص دهد. علت اصلی پیدایش تعارض تفاوتی است که در حقوق کشورها درخصوص تشکیل و آثار حقوق اشخاص احکام کسانی یافت نمی‌شود (نصیری، ۱۳۸۴).

تلقیح مصنوعی: داخل کردن نطفه مرد در رحم زن از طریق آلات پزشکی و یا هر وسیله دیگری غیر از مقاربت و نزدیکی جنسی است که یا کامل است یا ناقص.

تلقیح مصنوعی کامل: آن است که پرورش و انعقاد اسپرم مرد و تخمک زن در داخل دستگاه صورت می‌گیرد که طفل متولد را کودک آزمایشگاهی می‌نامند.

تلقیح مصنوعی ناقص: از طریق جایگزینی مصنوعی اسپرم در داخل رحم صورت می‌گیرد.

حضانت: ناظر به نگهداری جسمی و فیزیکی صغیر و مجنون است نه اداره امور مالی و غیرمالی و انجام دادن اعمال حقوقی از جانب مجبور (ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی: نگهداری و حضانت از اطفال حق و تکلیف ابوبین است).

حکم قطعی: حکم غیرقابل اعتراض و پژوهش و نیز حکم قابل اعتراض که در موعد اعتراض و پژوهش شکایت نشده باشد و نیز احکامی که در رسیدگی پژوهشی صادر می‌شود و حکمی که پس از شکایت پژوهشی قرار سقوط صادر شده باشد قطعی است (لنگرودی، ۱۳۷۷).

حقوق مکتسبه: حقوقی که تحت شرایط قانونی معینی به دست آمده است و آن شرایط قانونی عوض شده است و با این حال آن حقوق به اعتبار شرایط زمان حدوث آنها معتبر باید شناخته شود. در بحث از عطف قانون به ماسبق از آن گفتگو می‌شود و در موارد دیگر هم مورد بحث قرار گرفته است (لنگرودی، ۱۳۷۷).

حجر: در لغت به معنی منع است و در اصطلاح حقوقی عبارت است از منع شخص از تصرف در اموال و حقوق مالی خود و انجام دادن اعمال حقوقی. بنابراین محجورین کسانی هستند که به علت صغر سن یا نقص یا اختلال در قوای دماغی نمی‌توانند در امور خود آزادانه تصرف کنند و اعمال حقوقی که برای حیات انسان لازم است انجام دهند و از این رو به حمایت‌های قانون‌گذار نیاز دارند. در ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، اسباب حجر ذکر شده و به صغر، سفه و جنون محدود گردیده است. حجر ناشی از این سه سبب، نهاد حقوقی خاصی را تشکیل می‌دهد و تابع رژیم واحدی است (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۷۵).

حکم: چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به‌طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود (ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱).

حوزه قضایی: عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. تقسیم‌بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی‌دهد (تبصره ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱).

جنین: نطفه حاصل از تلقیح خارج از رحمی زوجهای قانونی و شرعی است که از مرحله باروری تا حداکثر پنج روز خواهد بود. این جنین می‌تواند به دو صورت تازه و منجمد باشد (بند ب ماده ۱ قانون آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور).

دادخواست: شکوائیه است که به مراجع قضایی به طور مکتوب (در اوراق مخصوص) و یا شفاهی عرضه می‌شود. وجود دادخواست که یک موجود اعتباری است مستقل از برگ دادخواست است زیرا دادخواست ممکن است شفاهی باشد. درخواست از مراجع قضایی اعم از دادخواست است. زیرا هر دادخواستی متضمن درخواستی است ولی هر درخواستی ملازم با دادخواست و شکوائیه نیست مانند درخواست در امور حسبی و درخواست صدور اجرائیه و غیره. دادستان: مدعی العموم.



رأی وحدت رویه: ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸: هر گاه در شعب دیوان عالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه‌های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای وزیر دادگستری یا رئیس دیوان مزبور یا دادستان کل هیأت عمومی دیوان عالی کشور که در این مورد لااقل با حضور ۳ ربع از روسا و مستشاران دیوان مزبور تشکیل می‌یابد موضوع مختلف فیه را بررسی کرده و نسبت به آن اتخاذ نظر می‌نماید. در این صورت نظر اکثریت هیأت مزبور برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است و جز به موجب نظر هیأت عمومی یا قانون قابل تغییر نخواهد بود.

گواهی عدم امکان سازش: مطابق ماده ۶ قانون حمایت خانواده داور یا داوران سعی در سازش بین طرفین خواهند کرد و در صورتی که موفق به اصلاح نشوند نظر خود را در ماهیت دعوی ظرف مدت مقرر کتباً به دادگاه اعلام می‌نمایند. این نظر به طرفین ابلاغ می‌شود تا ظرف مدت ده روز نظر خود را به دادگاه اعلام نمایند. در صورتی که طرفین با نظر داور موافق باشند دادگاه دستور اجرای نظر داور را صادر می‌نماید مگر این که رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد که در این صورت ملغی‌الاثرب می‌شود. هرگاه یکی از طرفین به نظر داور معترض بوده یا در موعد مقرر جوابی ندهد یا رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد دادگاه به موضوع رسیدگی نموده حسب مورد رای مقتضی یا گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد.

دادگاه‌های عمومی: دادگاه‌های عمومی به ترتیب مقرر در این قانون به دعاوی حقوقی و جزایی و امور حسبی رسیدگی می‌کنند (ماده ۱ لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸/۷/۵ شورای انقلاب).

دادنامه: پاکت‌نویس رأی دادگاه که به امضای دادرس دادگاه و مدیر دفتر آن رسیده باشد و حاوی فصول مذکور در دادرسی مدنی باشد (لنگرودی، ۱۳۷۷).

دعاوی خانوادگی: منظور از دعاوی خانوادگی دعاوی مدنی بین هر یک از زن و شوهر و فرزندان و جد پدری و وصی و قیم است که از حقوق و تکالیف مقرر در کتاب هفتم در نکاح و طلاق (من جمله دعاوی مربوط به جهیزیه و مهر زن) و کتاب هشتم در اولاد و کتاب نهم در خانواده و کتاب دهم در حجر و قیمومت قانونی مدنی همچنین از مواد ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹ و

۱۰۳۰ قانون مذکور و مواد مربوط در قانون امور حسبی ناشی شده باشد(ماده ۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵).

دفترخانه اسناد رسمی: دفترخانه اسناد رسمی واحد وابسته به وزارت دادگستری است و برای تنظیم و ثبت اسناد رسمی طبق قوانین و مقررات مربوط تشکیل می‌شود. سازمان و وظایف دفترخانه تابع قوانین و نظامات راجع به آن است(ماده ۱ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵).

دلیل: دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند(ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱).

دیوان عالی کشور: دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که رئیس قوه قضاییه تعیین می‌کند، تشکیل می‌گردد(اصل ۱۶۱ قانون اساسی).

دادگاه‌های عمومی: دادگاهی که علی‌الاصول صلاحیت رسیدگی به هر نوع دعوی را دارد و عدم صلاحیت آن در مورد یا موارد مخصوص محتاج به تصریح قانونی است که مانند اغلب دادگاه‌های دادگستری. در مقابل دادگاه‌های اختصاصی استعمال می‌شود(لنگرودی، ۱۳۷۷).

دادنامه: در ظرف پنج روز از تاریخ صدور حکم یا قرار که مستقلاً قابل شکایت است پاکنویس آن باید تهیه شده و به امضاء دادرس دادگاه و مدیر دفتر برسد این پاکنویس دادنامه خوانده می‌شود (ماده ۱۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸/۶/۲۵).

دسته‌های ارتباط: روابط حقوقی افراد با توجه به تجانس آنها در دسته‌های مختلف تقسیم‌بندی گردیده که به آنها دسته‌های ارتباط می‌گویند. مانند احوال شخصیه، اموال و قراردادهای، که برای هر کدام قانون خاصی از دیدگاه حقوق بین‌الملل خصوصی تعیین شده است(الماسی، ۱۳۸۵).

رویه قضایی: آرای صادر شده در هیأت عمومی تمیز را خواه به صورت اصراری باشد خواه به صورت لازم‌الاتباع رویه قضایی و رویه تمیزی گویند(لنگرودی، ۱۳۷۷).

رشد: کیفیت نفسانی است که دارنده آن می‌تواند نفع و ضرر یا حسن و قبح را تشخیص دهد چنین کسی را رشید گویند (لنگرودی، ۱۳۷۷).

رأی دادگاه: رأی دادگاه پس از انشاء لفظی باید نوشته شده و به امضای دادرس یا دادرسان برسد و نکات زیر در آن رعایت گردد:

- ♦ تاریخ صدور رأی.
- ♦ مشخصات اصحاب دعوا یا وکیل یا نمایندگان قانونی آنان با قید اقامتگاه.
- ♦ موضوع دعوا و درخواست طرفین.
- ♦ جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی براساس آنها صادر شده است.
- ♦ مشخصات و سمت دادرس یا دادرسان دادگاه (ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱).

رأی قطعی: هر رأی که قابلیت اجرا داشته باشد (لنگرودی، ۱۳۷۷).

رضاع: ماهیت حقوقی رضاع از عناصری فراهم می‌آید که با اجتماع آن عناصر، قرابت رضاعی هم حاصل می‌شود. عنصر اصلی آن انبات لحم و شد عظم است (که احراز آن دشوار است) و به جای این عنصر به تعداد دفعات شیر خوردن (پانزده شیر خوردن) و یا به زمان معینی از شیر خوردن (یک شبانه روز) اکتفا کرده‌اند به شرط این که سایر خصوصیات هم جمع شود، (لنگرودی، ۱۳۷۷).  
 صلاحیت ذاتی (مطلقه): صلاحیت یک دادگاه از حیث محدود بودن به حدود صنف دادگاه و درجه دادگاه و نوع دادگاه (لنگرودی، ۱۳۷۷).

صلاحیت نسبی: اختیار یک دادگاه معین است نسبت به دادگاه معین دیگر که از حیث نوع و صنف و درجه شبیه یکدیگرند مثلاً وقتی که معلوم شد که دعوی معین در صلاحیت دادگاه شهرستان است باید دید دادگاه شهرستان کدام محل صلاحیت آن را دارد (لنگرودی، ۱۳۷۷).

صلح: عقدی است که در آن طرفین توافق بر امری از امور کنند بدون این که توافق آنها معنون به عنوان یکی از عناوین معروف عقود باشد (لنگرودی، ۱۳۷۷).

صغیر: بر دو نوع است: صغیر غیر ممیز (شخص نابالغی است که داری قوه درک و تمیز نیست. زشت را از زیبا و سود را از زیان تشخیص نمی‌دهد و نمی‌تواند اراده حقوقی داشته باشد). صغیر ممیز

دارای قوه درک و تمیز نسبی است با این که به سن بلوغ نرسیده، زشت را از زیبا و سود را از زیان باز می‌شناسد و می‌تواند اراده حقوقی داشته باشد. در حقوق مدنی ایران سن خاصی ندارد و تشخیص آن با دادرس است.

طفل: منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد (تبصره ۱ ماده ۴۹ لایحه مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام).

طفل طبیعی (نامشروع): طفل حاصل از زنا را گویند (لنگرودی، ۱۳۷۷).

سرپرست: به معنی قیم است و سرپرستی قیمومت را گویند و اداره سرپرستی از ادارات دادگستری در نصب قیم و نظارت در کار او اقدام می‌کند (لنگرودی، ۱۳۷۷).

سجل احوال: سجل احوال هر کس به موجب دفاتری که برای این امر مقرر است معین می‌شود (ماده ۹۹۲ قانون مدنی).

سند سجلی: (به تشدید لام) سندی است که مطابق مقررات قانون ثبت احوال به ثبت رسیده و مندرجات آن رسمی و معتبر است (ماده یک نظامنامه ۱۳۱۹)، (لنگرودی، ۱۳۷۷).

سردفتر: اداره امور دفترخانه اسناد رسمی به عهده شخصی است که با رعایت مقررات این قانون بنا به پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با جلب نظر مشورتی کانون سردفتران و به موجب ابلاغ وزیر دادگستری منصوب و سردفتر نامیده می‌شود (ماده ۲ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتر یاران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵).

سفیه: یا غیر رشید در لغت به معنی جاهل و احمق و در فقه و حقوق مدنی به کسی که عادت او اسراف و تبذیر در خرج است و تصرفات مالی او عاقلانه نیست. ولی معاملات و تصرفات غیررشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از این که اجازه قبلا داده شده باشد یا بعد از انجام عمل. بنابراین سفیه می‌تواند ازدواج و طلاق داشته باشد.

صلاحیت ذاتی: رسیدگی نخستین به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد (ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱).

عقد: عقد عبارت است از تعهد یک طرف بر قبول امری که مورد قبول طرف دیگر باشد (ماده ۱۸۳ قانونی مدنی و عقد تشریفاتی شکلی است (لنگرودی، ۱۳۷۷).

عقد تشریفاتی: پیمانی است که تراضی آن باید همراه با تشریفات یا با واژه‌های خاص باشد و گر نه نفوذ حقوقی ندارد و التزامی به بار نمی‌آورد (عقدی که علاوه بر ایجاب و قبول نیاز به تشریفات دیگری نیز هست و آن تشریفات شرط صحت عقد است) (شهبازی، ۱۳۸۰). این تشریفات یا تنظیم سند رسمی است یا مزایده یا حضور اشخاص (به نظر دکتر شهیدی و امامی اگر تشریفات لحاظ نشود عقد باطل نمی‌شود اما به نظر دکتر کاتوزیان عقد باطل می‌شود).

عزل: سلب سمت مأمور دولت یا وکیل و نایب و نماینده قانونی از طرف کسی که آن سمت را اعطاء نموده یا از طرف قانون‌گذار مانند عزل قیم (ماده ۱۲۴۸ قانون مدنی به بعد).

غیر رشید: غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد (ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی).

فرزند:

الف) طفل را گویند خواه پسر باشد خواه دختر. در فقه لغت ولد همین معنی را دارد.

ب) زائیده انسان بی‌واسطه و باواسطه که شامل اولاد و اولاد اولاد (هر قدر که پایین رود) می‌شود (لنگرودی، ۱۳۷۷).

فرجام : به معنی دیوان تمیز است (لنگرودی، ۱۳۷۷).

فسخ: اثر عقد معین یا ایقاع معین را از بین برده و به حالت زمان حدوث عقد یا ایقاع (در حدود امکان و قدرت) بر می‌گرداند این اختلاف هست که فسخ از حین وقوع عقد موثر است (در عقود و به تبع در ایقاعات نیز) یا از حین فسخ. ثمره اختلاف در نمائات حادث بین عقد و ایقاع و زمان فسخ ظاهر می‌شود. نظر راجح این است که فسخ از حین فسخ موثر است.

فرزند: طفل را گویند خواه پسر باشد خواه دختر، در فقه لغت ولد همین معنی را دارد، (لنگرودی، ۱۳۷۷).

فرزند واقعی (بیولوژیک): فرزند واقعی کسی است که از نسل دیگری و رابطه خونی با والدین خود داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۳). فرزند صلبی و فرزند بیولوژیک واژه‌های معادل آن هستند.

فرزند تعمیدی: در آیین مسیحیت بعضی از افراد با تشریفات و قوانین مذهبی فرزند تعمیدی می‌پذیرند، اما این نوع خویشاوندی، خانواده به وجود نمی‌آورد. آثار فرزند تعمیدی با آثار فرزندخواندگی متفاوت است و بیشتر یک عنوان تشریفاتی، مذهبی و سنتی است.

فرزند رضاعی: فرزند ناشی از قرابت رضاعی.

قانون اساسی: متشکل از مجموعه مقررات، قواعد و اصول کلی است که شکل حکومت، سازمان عالی قوای سه گانه کشور و ارتباط آنها را با یکدیگر و حقوق و آزادی‌های افراد ملت را در مقابل دولت مشخص می‌نماید. اصل بر این است که تمامی قوانین عادی یک کشور و همه مصوبات دولت (تصویب‌نامه، آیین نامه، اساسنامه، بخشنامه و دستورالعمل) با قانون اساسی تطبیق داشته باشد (مدنی، ۱۳۷۶).

قرابت: قرابت بر سه نوع است.

قرابت نسبی: خویشاوندی خونی.

قرابت سببی: خویشاوندی ناشی از ازدواج

قرابت رضاعی: رابطه ناشی از شیر خوردن.

قرابت ناشی از سرپرستی (فرزندخواندگی): رابطه ایست که به حکم مستقیم قانون ایجاد می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۷۸).

قیم: نماینده قانونی محجور که از طرف مقامات صلاحیت‌دار قضایی در صورت نبودن ولی قهری و وصی او تعیین می‌شود. اختیارات قیم کمتر از اختیارات وصی است (لنگرودی، ۱۳۷۷).  
 قبالة ازدواج رسمی: قبالة ازدواج و طلاق‌نامه در صورتی که مطابق نظام‌نامه‌های وزارت عدلیه به ثبت رسیده باشد سند رسمی و الا سند عادی محسوب خواهد شد (ماده ۲ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰/۵/۲۳).

قرار: چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود (ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱).

قوه قضائیه: قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤل تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

- ♦ رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.
- ♦ احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.
- ♦ نظارت بر حسن اجرای قوانین.
- ♦ کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
- ♦ اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین (اصل ۱۵۶ قانون اساسی).
- ♦ کودکان بی‌سرپرست: به کودکانی اطلاق می‌شود که بنا به هر علت و به طور دائم یا موقت سرپرست خود را از دست داده باشند (بند ۴ ماده ۲ قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴).

لایحه قانونی: لوایح قانونی که از طرف دولت به مجلس پیشنهاد می‌شود باید:

- ♦ دارای موضوع و عنوان مشخص باشد.
- ♦ دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد آن در مقدمه لایحه به وضوح درج شود.
- ♦ دارای موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان لایحه باشد، (ماده ۱۳۴ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۰).

لازم‌الاجرا شدن قوانین: قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجراست، مگر آن که در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد (ماده ۲ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۴۸/۸/۲۹).

مؤسسه: منظور از مؤسسه در این قانون هر نوع شخصیت حقوقی است که به ثبت رسیده یا تشکیل شده باشد (تبصره ۱ ماده ۱ قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری و از کارافتادگی و فوت مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۹).

مجنون: کسی که فاقد قوه عقل و درک است و مبتلا به اختلال کامل قوای دماغی است. به عبارت دیگر مجنون مختل‌المشاعر است. جنون دارای درجاتی است اما در حقوق ایران بدون هیچ‌گونه توجهی به این درجات در ماده ۱۲۱۱ قانون مدنی مقرر داشته: «جنون به هر درجه که باشد موجب حجر است. مجنون را به اعتبار استمرار جنون و عدم استمرار به دو دسته تقسیم کرده‌اند: جنون دائمی یا اطلاق و مجنون ادواری».

مقیم: منظور از مقیم، داشتن اقامتگاه به مفهوم قانون مدنی در ایران است. مأمور ثبت احوال: نماینده یا مأمور ثبت احوال کسی است که از طرف سازمان ثبت احوال کشور یا ادارات تابعه برای ثبت وقایع یا دریافت اطلاعات منصوب شده باشد (ماده ۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶).

محاکم اختصاصی: محاکم اختصاصی آن است که به هیچ امری حق رسیدگی ندارد غیر آنچه قانون صراحتاً اجازه داده است مثل محاکم تجارت (ماده ۴ قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷/۴/۲۷).

محکومیت جزایی مؤثر: مطابق تعریف در قوانین جزایی ۱۳۶۶، محکومیت به جزای نقدی کمتر از دو میلیون ریال و نیز محکومیت به حبس تعزیری کمتر از یک‌سال در جرائم عمدی، محکومیت مؤثر تلقی نمی‌شود و هیچ‌گونه آثار کیفری نخواهد داشت و مانع سرپرستی نخواهد بود (صفایی و امامی، ۱۳۷۸).

موصی: (به فتح ص) در اصطلاحات قانون مدنی و فقه شخصی که به موجب وصیت عهدی مامور اقدام به امری شده او را موصی‌علیه نامند. اصطلاح موصی‌علیه کمتر به کار می‌رود و اصطلاح معروف در این معنی (وصی) است.

نسخ: در لغت به معنی از بین بردن و محو کردن و ازاله است (لنگرودی، ۱۳۷۷).



نظم عمومی: مجموعه سازمانهای حقوقی و قواعد مربوط به حسن جریان امور راجع به اداره یک کشور یا راجع به حفظ امنیت و اخلاق در روابط بین افراد به طوری که افراد نتوانند از طریق قرارداد خصوصی از آن تجاوز کند. قوانین الزامی که شامل امر و نهی مقنن است قوانینی است که اراده افراد در صورتی که مخالف آنها باشد بی اثر است (لنگرودی، ۱۳۷۷).

نسب: عبارت از رابطه خویشاوندی است که از راه خون بین دو یا چند نفر برقرار می شود. ناظر استصوابی: کسی است که همه اعمال قیم یا آنچه را دادگاه معین می کند، باید به تصویب او برسد تا نفوذ حقوقی بیابد (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۲۵۵).

ناظر اطلاعی: شخصی است که باید از کارهای قیم آگاه شود (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۲۵۵). نفقه: نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق (ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی). نکاح منقطع: نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد (ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی).

مال: از نظر حقوقی به چیزی مال می گویند که دارای دو شرط اساسی باشد:  
الف: مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی.  
ب: قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد.  
همچنین در در تعریف مال مرسوم است که می گویند چیزی است که ارزش داد و ستد دارد و در برابر آن پول یا مال دیگر داده می شود. مال بر دو قسم است:

**مال غیر منقول:** مالی است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود اعم از این که استقرار آن ذاتی باشد یا به واسطه عمل انسان به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود.

**مال منقول:** مالی منقول مالی است که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون این که به خود یا محل آن خرابی وارد آید. مال منقول بر دو قسم است: ذاتی و حکمی (شهبازی، ۱۳۸۰). وصیت به ثلث: وصیت موصی به صرف ترکه او تا میزان ثلث ترکه را اصطلاحاً وصیت به ثلث نامند و اگر زائد بر میزان ثلث درآید آن را وصیت به زائد بر ثلث نامند (لنگرودی، ۱۳۷۷).

وصیت: اعمال حقوق مدنی از طریق استخلاف (یعنی تعیین جانشین برای بعد از فوت) این معنی شامل وصیت تملیکی و عهدی است (لنگرودی، ۱۳۷۷).

ولی قهری: ولی قهری که گاهی به اختصار ولی گفته می‌شود کسی است که به حکم مستقیم قانون اختیار اداره امور محجور و انجام دادن اعمال حقوقی از جانب او را دارد. ولایت قهری خاص پدر و جد پدری است. حق ولایت پدر و جد پدری توأم و در عرض هم است (نه در طول هم) و نیز هر دو همزمان است پس با مرگ به دیگری منتقل نمی‌شود و از بین نمی‌رود (شهبازی، ۱۳۸۰). وصی: هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشند وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید (ماده ۱۱۸۸).

ولی خاص: پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده می‌شود (ماده ۱۱۹۴ قانون مدنی).

وضعیت: عبارت است از مجموع اوصاف حقوقی و شخص و شامل اموری است که در حقیقت اجزای وضعیت را تشکیل می‌دهد و اهم آن عبارت است از نکاح، طلاق، افتراق، نسب، سن (صغر)، حجر، ولایت قانونی، قیمومت و غیره (نصیری، ۱۳۸۳).

وراث قانونی: وراث قانونی از لحاظ این قانون عبارتند از: فرزندان و زوج یا زوجه دائمی و مادر و پدری که در کفالت متوفی بوده‌اند و همچنین نوادگانی که پدر و مادرشان فوت شده و در کفالت متوفی هستند با دارا بودن شرایط (از ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱). ورثه: مراد از ورثه در این جا عبارت است از اولاد و عیال و همچنین پدر و مادری که در کفالت متوفی باشد و همچنین نواده که پدر و مادرش فوت کرده و در کفالت متوفی باشد (ماده ۳ قانون وظایف مصوب ۱۳۸۷/۲/۱).

وصیت تملیکی: وصیت تملیکی عبارت است از این که کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجانی تملیک کند. وصیت عهدی عبارت است از این که شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مأمور می‌نماید (ماده ۸۲۶ قانون مدنی).

وصیت عهدی: وصیت تملیکی عبارت است از این که کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجانی تملیک کند. وصیت عهدی عبارت است از این که شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مأمور می‌نماید (ماده ۸۲۶ قانون مدنی).

وصیت‌نامه: وصیت‌نامه اعم از این که راجع باشد به وصیت عهدی یا تملیکی منقول یا غیرمنقول ممکن است به طور رسمی یا خودنوشت یا سری تنظیم شود (ماده ۲۷۶ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲).

ولی: کسی که به حکم قانون اختیار دیگری یا دیگران را در قسمتی از امور دارا می‌باشد خواه در امور خصوصی (مانند ولایت پدر و جد نسبت به صغیر) و خواه در امور عمومی (لنگرودی، ۱۳۷۷).  
ولی خاص: پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده می‌شود (ماده ۱۱۹۴ قانون مدنی).

وحدت ملاک: در اصطلاحات جدید حقوقی به جای قیاس به کار رفته است (لنگرودی، ۱۳۷۷).  
هبه: عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجانی به کس دیگری تملیک می‌کند. تملیک‌کننده را واهب طرف دیگر را متهب، مالی را که مورد هبه است عین موهوبه می‌گویند (ماده ۷۹۵ قانون مدنی).

هزینه: عبارت از پرداخت‌هایی است که به طور قطعی به ذی‌نفع در قبال تعهد یا تحت عنوان کمک یا عناوین مشابه با رعایت قوانین و مقررات مربوط صورت می‌گیرد (ماده ۲۳ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱).

هویت: حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. شخصیت، ذات، هستی و وجود، منسوب به هو، ورقه هویت، شناسنامه،... (عمید، ۱۳۷۹).

یتیم: در کتب حقوقی از واژه یتیم صحبتی به میان نیامده است. اما درباره لفظ صغیر نوشته‌اند صغیر کسی است که تحت ولایت پدر یا جد پدری یا وصی و یا قیم باشد و از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (امامی، ۱۳۷۰). از دیدگاه قرآن و مفسرین «یتیم» به کودکی اطلاق می‌شود که قبل از رسیدن به سن بلوغ پدرش را از دست بدهد (صنعتی‌نیا، ۱۳۷۰).

## واژه نامه انگلیسی

|                                     |                         |
|-------------------------------------|-------------------------|
| Foreign National                    | اتباع خارجه             |
| Act of curator                      | انتخاب قيم از طرف محكمه |
| Department of trusteeship           | اداره سرپرستی           |
| Capacity                            | اهليت                   |
| Child support agency                | انجمن حمايت از کودکان   |
| Temporary trustee                   | امين موقت               |
| Presumption                         | اماره                   |
| Failing circumstances               | اعسار                   |
| Immovable                           | اموال غيرمنقول          |
| Domicile                            | اقامتگاه                |
| Personal status                     | احول شخصيه              |
| Inheritance                         | ارث                     |
| Proof of lineage                    | اثبات نسب               |
| Discharge of contract               | انحلال عقد              |
| Registration office of civil status | داره ثبت احوال          |
| Foster – relationship               | اقارب رضاعی             |
| Blood relatives                     | اقارب نسبی              |
| Insurance                           | بیمه                    |
| Test – tube baby                    | بچه آزمایشگاهی          |
| Foster child                        | بچه سرراهی              |
| Adult                               | بالغ، کبیر              |
| Treaty                              | پیمان نامه              |
| Coroner                             | پزشکی قانونی            |
| Orphanage                           | پرورشگاه (دارالایتام)   |

|                                 |                               |
|---------------------------------|-------------------------------|
| Conflict of Laws                | تعارض قوانین                  |
| Nationality                     | تابعیت                        |
| Obligation                      | تعهد                          |
| Restrictive interpretational    | تفسیر مضیق                    |
| Registration of personal statue | ثبت احوال                     |
| Paternal grandfather            | جد پدری                       |
| Juridical science               | حقوق                          |
| Administration , letters of     | حق ولایت بر اولاد             |
| Adoption order                  | حکم فرزندان‌دگی               |
| Care proceedings                | حکم مراقبت و مواظبت از بچه‌ها |
| Custody                         | حضانت                         |
| Judicial writ                   | حکم قضایی                     |
| Welfare services                | خدمات رفاهی                   |
| Family court                    | دادگاه مدنی خاص (خانواده)     |
| Court of appeal                 | دادگاه تجدیدنظر               |
| Competent Court                 | دادگاه صالح                   |
| Statement of Claim              | دادخواست                      |
| Public Prosecutor               | دادستان                       |
| Virgin girl                     | دختر باکره                    |
| Adoptive relationship           | رابطه فرزندان‌دگی             |
| Mental maturity                 | رشد                           |
| Mortgage                        | رهن                           |
| Birth relationship              | رابطه نسبی                    |
| Legal guardian                  | سرپرست قانونی                 |
| Adult age Age of puberty        | سن بلوغ                       |
| Fool                            | سفیه                          |

|                         |                                  |
|-------------------------|----------------------------------|
| Issuing a judgment      | صدور حکم                         |
| Ward of court           | صغیر یا مجنون ، تحت حمایت دادگاه |
| Minor                   | صغیر                             |
| Undiscerning minor      | صغیر ممیز                        |
| Discerning minor        | صغیر غیر ممیز                    |
| Transaction, compromise | صلح                              |
| Dismissal               | عزل                              |
| Solemn contract         | عقد تشریفاتی                     |
| Natural child           | فرزند طبیعی (نامشروع)            |
| Legitimate child        | فرزند واقعی                      |
| Child Adoption          | فرزندخواندگی                     |
| Adopted Child           | فرزندخوانده                      |
| Adopt ant               | فرزندخواه                        |
| Cancellation            | فسخ                              |
| Protection law          | قوانین حمایتی                    |
| Constitution            | قانون اساسی                      |
| Civil Code              | قانون مدنی                       |
| National law            | قانون ملی                        |
| Substantive law         | قانون ماهوی                      |
| Curator                 | قیم                              |
| Writ                    | قرار                             |
| Legislation             | قانون گذاری                      |
| Marriage relationship   | قربابت سببی                      |
| Legal guardianship      | قیمومت                           |
| Embargo Marriage        | ممنوعیت ازدواج                   |
| Adoption agency         | موسسه فرزندخواندگی               |

|                                    |                |
|------------------------------------|----------------|
| Person placeman under guardianship | مولى عليه      |
| Welfare of the child               | مصلحت طفل      |
| Incapable                          | محجور          |
| Criminal liability                 | مسئوليت كيفرى  |
| Debtor                             | مديون          |
| Insane                             | جنون           |
| Single                             | مجرد           |
| Under guardianship                 | حجور           |
| Appointmen of trustee              | نصب امين       |
| Public order                       | نظم عمومى      |
| Legal agency                       | نماينده قانونى |
| Parentage                          | نسب            |
| Maintenance                        | فقه            |
| Wil                                | وصيت           |
| Natural guardianship               | ولايت قهرى     |
| Specific guardian                  | وصايت          |
| Endowment                          | وصى            |
| Parents                            | والدين، ابوين  |
| Heritage                           | وراثت          |
| Identity                           | هويت           |
| Gift, donation                     | هبه            |

## نمونه فرم‌های قضایی

## نمونه دادخواست تقاضای فرزندخواندگی



تاریخ ..... ۱۳

شماره.....

پیوست.....

شماره پرونده .....

| مشخصات طرفین           | نام                                                                  | نام خانوادگی | نام پدر | شغل | محل اقامت: شهرستان - دهستان - خیابان - کوچه -<br>بخش<br>شماره - پلاک |
|------------------------|----------------------------------------------------------------------|--------------|---------|-----|----------------------------------------------------------------------|
| خواهان                 | ۱: نام<br>زوج<br>۲: نام<br>زوجه                                      |              |         |     |                                                                      |
| خوانده                 | ۱: دادستان دادرسی عمومی<br>۲: سازمان بهزیستی استان (محل نگهداری طفل) |              |         |     |                                                                      |
| وکیل یا نماینده قانونی | مشخصات وکیل زوجین در صورتی که وکیل داشته باشند                       |              |         |     |                                                                      |
| تعیین خواسته و بهای آن | تقاضای صدور حکم سرپرستی دائم (فرزندخواندگی)                          |              |         |     |                                                                      |



|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |                                                                                                                                                                                     |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p><b>دلایل و منضمات دادخواست</b></p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           | <p>۱- فتوکپی عقدنامه، ۲- مدارک پزشکی دایر بر نازایی، ۳- مدارک مربوط به استطاعت مالی، ۴- مدارک مربوط به صلاحیت اخلاقی (عدم سوء پیشینه - استشهادیه محلی)، ۵- مدرک مورد نیاز دیگر"</p> |
| <p>ریاست محترم مجتمع قضایی "شهرستان محل اقامت خواهان ها"</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می‌رساند: اینجانبان خواهانهای فوق به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره..... مورخ / / عقد ازدواج دائمی در دفترخانه "شماره و نام شهرستان" منعقد کرده‌ایم و در خلال مدت..... سال ازدواج و با توجه به مدارک پزشکی که ضمیمه می‌باشد تاکنون صاحب فرزندی نشده‌ایم. به مؤسسه کودکان بی‌سرپرست مراجعه و کودک دختر/ پسر..... ماهه‌ای را با نام ..... انتخاب و علاقه‌مند به نگهداری و حضانت وی می‌باشیم. نظر به این که از صلاحیت اخلاقی و مالی طبق مدارک پیوست برخوردار می‌باشیم، تقاضای صدور حکم بر فرزندخواندگی مورد تقاضا است.</p> <p>محل امضاء - مهر- انگشت</p> |                                                                                                                                                                                     |
| <p>شماره و تاریخ ثبت دادخواست<br/>شماره.....<br/>تاریخ.....</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 | <p>شعبه: ..... دادگاه عمومی: ..... رسیدگی فرمائید.<br/>نام و نام خانوادگی مقام ارجاع کننده: .....<br/>تاریخ ..... امضاء</p>                                                         |

## نمونه نامه معرفی طفل از سازمان بهزیستی به دادگاه

تاریخ.....

شماره.....

پیوست.....

سازمان بهزیستی استان.....

### بسمه تعالی

ریاست محترم دادگاه شعبه .....

سلام علیکم:

احتراماً، پیرو نامه شماره ..... مورخ ..... آن شعبه مبنی بر معرفی طفل واجد شرایط تحویل به متقاضیان آقای ..... و خانم ..... بدین وسیله طفل دختر به نام ..... متولد ..... می باشد که در تاریخ ..... طی نامه شماره ..... مرجع قضایی به شیرخوارگاه بهزیستی معرفی، ضمن اعلام این مطلب که تاکنون کسی به عنوان پدر و مادر و جد پدری مراجعه نکرده و خانواده نیز شناسایی نشده، خواهشمند است دستور مساعد جهت صدور قرار دوره آزمایشی برای متقاضیان سرپرستی صادر و نتیجه را به اداره اعلام فرمائید.

مدیریت بهزیستی شهرستان .....

## نمونه قرار دوره آزمایش



تاریخ.....

شماره.....

پیوست.....

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

## دادنامه

## بسمه تعالی

تاریخ : .....

کلاس پرونده : .....

شماره دادنامه : .....

تاریخ تقدیم دادخواست : .....

مرجع رسیدگی شعبه ..... دادگاه عمومی حقوقی .....

خواهان: ۱- (نام و نام خانوادگی زوج).....

۲- (نام و نام خانوادگی زوجه).....

به نشانی : .....

خوانده: سازمان بهزیستی استان ..... به نشانی : .....

خواسته : صدور قرار سرپرستی آزمایشی (فرزندخواندگی).

گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاس فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق العاده/ مقرر دادگاه به تصدی امضاءکننده زیر تشکیل است با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

« رأی دادگاه »

درخصوص درخواست زوجین مبنی بر صدور قرار آزمایشی نسبت به طفل بدون سرپرست به نام..... متولد ..... که تحت سرپرستی اداره سرپرستی استان ..... می باشد، با عنایت به محتویات پرونده از جمله تصویر مصدق نکاحیه رسمی شماره .....، صادره از دفتر ثبت رسمی ازدواج شماره .....، حوزه ثبت ..... وجود علاقه زوجیت بین خواهانها از سال ..... محرز است و زوجین فاقد فرزند مشترک هستند و براساس گواهی های ارائه شده از سوی مراجع ذیربط که مضبوط در پرونده می باشد نامبردگان فاقد سوء پیشینه کیفری و فاقد اعتیاد به مواد مخدر و بیماری های مسریه و خطرناک می باشند و تمکن مالی و صلاحیت اخلاقی آنان نیز محرز گردیده است. لذا دادگاه بنا به مواد (۱)، (۳)، (۵)، (۷) و (۱۱) قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ صلاحیت خواهانها برای سرپرستی از کودک مزبور را احراز نموده و به استناد ماده (۴) قانون مذکور قرار سرپرستی موقت زوجین فوق الذکر نسبت به طفل یاد شده را صادر و اعلام می نماید در طول مدت سرپرستی آزمایشی دادستان و اداره بهزیستی نظارت خواهند داشت رای دادگاه به استناد تبصره ماده ۴ قانون مذکور ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در محاکم تجدیدنظر استان ..... است.

رئیس شعبه ..... دادگاه عمومی حقوقی .....

## قانون حمايت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹

### نمونه صورت جلسه تحويل فرزند به زوجين

#### نمونه تعهد نامه (۱)

#### نوع سند : وصيت

### نمونه تعهدات مالي به فرزند خوانده (۱)

#### نوع سند : وصيت عهدي<sup>۱</sup>

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| چون توفيقات رباني و تأييدات سبحاني شامل حال آقاي ..... فرزند ..... داراي شناسنامه شماره ..... صادره از ..... متولد ..... ساكن ..... و خانم ..... فرزند ..... داراي شناسنامه شماره ..... صادره از ..... متولد ..... ساكن ..... مزبور گرديده. لذا در تاريخ ..... زير نامبردگان بالا در اين دفتر خانه حاضر شده و در كمال صحت و سلامت عقل و شعور ، پس از اقرار به وحدانيت حضرت احديت و خاتميت نبوت حضرت محمد(ص) رسول اكرم و ولايت حضرت علي ابن ابیطالب(ع) و يازده فرزند آن بزرگوار و اقرار به تمام ماجاء به النبي(ص)، اظهار و اقرار نمودند:                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |
| نظر به اين كه از سازمان بهزيستي استان ..... به نشاني ..... كودكي را جهت نگهداري و سرپرستي و حضانت تحويل گرفته و او را به فرزندى قبول کرده و برايش با نام دوشيزه/آقاي ..... شناسنامه اي تحت شماره ..... صادره از حوزه ..... تهران متولد روز ... ماه ... سال ... شمسي دريافت داشته ايم. بنا بر اين خود را موظف و مكلف و متعهد به نگهداري و حضانت و سرپرستي از طفل نامبرده مي نماييم و به موجب اين سند رسمي سازمان بهزيستي را وصي شرعي و قانوني خود قرار داده كه پس از درگذشت هر يك از اينجانبان (موصي يا موصيه) ثلث كليۀ اموال منقول و غير منقول (ماترك) هر يك از اينجانبان را تعيين و مشخص نموده و به دوشيزه/آقاي ..... فوق الذكر اختصاص و تحويل داده كه بايد در مالكيت مشاراليها/مشاراليه استقرار يابد و ساير ورثه را هيچ گونه حق و ادعايي در اين زمينه نخواهد بود و وصي موصوفه حق دارد و مي تواند طبق مقررات اقدامات شرعي و قانوني را در اين باره به عمل آورد. |
| محل امضاء زوج                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |
| محل امضاء زوجه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |

۱. نمونه تعهد نامه از كتاب حقوق ثبت نمونه اسناد اخذ شده است.

## نمونه تعهدات مالی به فرزندخوانده (۲)

## نوع سند: تعهدنامه

در تاریخ .....، آقای .....، فرزند .....، به شماره شناسنامه .....، صادره .....، متولد سال ..... شمسی، شغل ..... و خانم .....، فرزند .....، به شماره شناسنامه .....، صادره .....، متولد سال ..... شمسی، شغل ..... پس از حضور اقرار و اعتراف نمودند بر این که طفل دختر/ پسر .....، به شماره شناسنامه .....، صادره .....، متولد ..... شمسی را به فرزندی قبول نموده و از شیرخوارگاه ..... تحویل گرفته و متعهد شده اند:

در حفاظت و حضانت طفل، تحصیل، خوراک، پوشاک و بهداشت وی نهایت دقت و مراقبت پدرانه و مادرانه را داشته باشیم.

یک ثلث از دارایی های خود اعم از منقول و غیرمنقول را به وی منتقل نماییم.

چنانچه طفل مذکور را مجدداً به شیرخوارگاه برگردانیم مبلغ ..... ریال به عنوان وجه التزام و به نفع طفل بدون هیچ عذری نقداً پرداخت نماییم.

دفترچه حسابی غیرقابل برداشت به مبلغ ..... ریال در یکی از بانک های کشور به نفع طفل افتتاح نموده و تا زمانی که به سن هیجده سالگی برسد ماهانه مبلغ ..... ریال به حساب وی واریز نماییم.

نماینده سازمان بهزیستی را به عنوان نماینده تام الاختیار خود جهت نظارت کارشناسی بر وضعیت سرپرستی و نیز انجام تعهدات مالی فوق در صورت استنکاف خود قرار می دهیم. این سند با توجه به نامه شماره ..... مورخ ..... تنظیم و برابر دادنامه شماره ..... مورخ ..... شعبه ..... دادگاه عمومی (حقوقی) ..... طفل صغیر مذکور به طور دائم به متعهدین فوق سپرده شده است و از نظر وصول حق الثبت ثلث مرقوم به مبلغ ..... ریال تقویم و مبلغ ..... ریال حق الثبت طبق فیش شماره ..... ریال حق التحریر و بهای اوراق طی فیش شماره ..... بانک ..... پرداخت شد و شماره قبض تحریر و شماره مسلسل اوراق ..... است.

محل امضاء زوج:

محل امضاء زوجه:

### صورت جلسه تحویل طفل به خانواده فرزندپذیر:

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |  |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--|
| <p>طی این صورت جلسه طفل با نام مستعار ..... از تاریخ ..... طی حکم آزمایشی شماره .....<br/>         ..... آقای .....<br/>         ..... صادره از شعبه ..... دادگاه عمومی ..... به زوجین ..... خانم .....<br/>         ..... آقای ..... خانم .....<br/>         دارنده شماره شناسنامه ..... صادره از ..... خانم ..... تحویل گردید.<br/>         ..... آقای .....<br/>         بدیهی است از تاریخ فوق سرپرستی طفل با نظارت اداره بهزیستی شهرستان ..... خانم ..... به<br/>         نامبردگان واگذار شده و هر گونه مسئولیت قانونی بر عهده آنان می باشد.</p> |  |
| <p>امضاء تحویل گیرندگان (زوج و زوجه):</p> <p>امضاء مددکار اجتماعی واحد:</p> <p>امضاء سرپرست مجتمع:</p> <p>امضاء کارشناس مسئول شبه خانواده استان:</p> <p>امضاء معاونت امور اجتماعی بهزیستی استان:</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |  |

## نمونه حکم سرپرستی دائم (فرزندخواندگی)



واکستری جمهوری اسلامی ایران

تاریخ.....

شماره.....

پیوست.....

## فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

## دادنامه

دادگاه.....

## بسمه تعالی

تاریخ رسیدگی: .....

کلاس پرونده : .....

شماره دادنامه : .....

تاریخ تقدیم دادخواست : .....

مرجع رسیدگی شعبه ..... دادگاه عمومی حقوقی .....

خواهان : ۱- ( نام و نام خانوادگی زوج ) ۲- ( نام و نام خانوادگی زوجه ) ؛ به نشانی:

.....

خوانده : سازمان بهزیستی استان ..... به نشانی : .....

خواسته : نگهداری و سرپرستی دائم از کودک فاقد سرپرست

گردشکار - خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاس فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق العاده/ مقرر دادگاه به تصدی امضاء کننده زیر تشکیل است با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

## «رأی دادگاه»

درخصوص درخواست زوجین آقای ..... و خانم ..... به طرفیت سازمان بهزیستی استان ..... مبنی بر صدور حکم سرپرستی دائم نسبت به طفل بدون سرپرست به نام ..... که طی دادنامه ..... قرار سرپرستی آزمایشی صادر و طفل تحویل زوجین و مدت ۶ ماه دوره سرپرستی طی

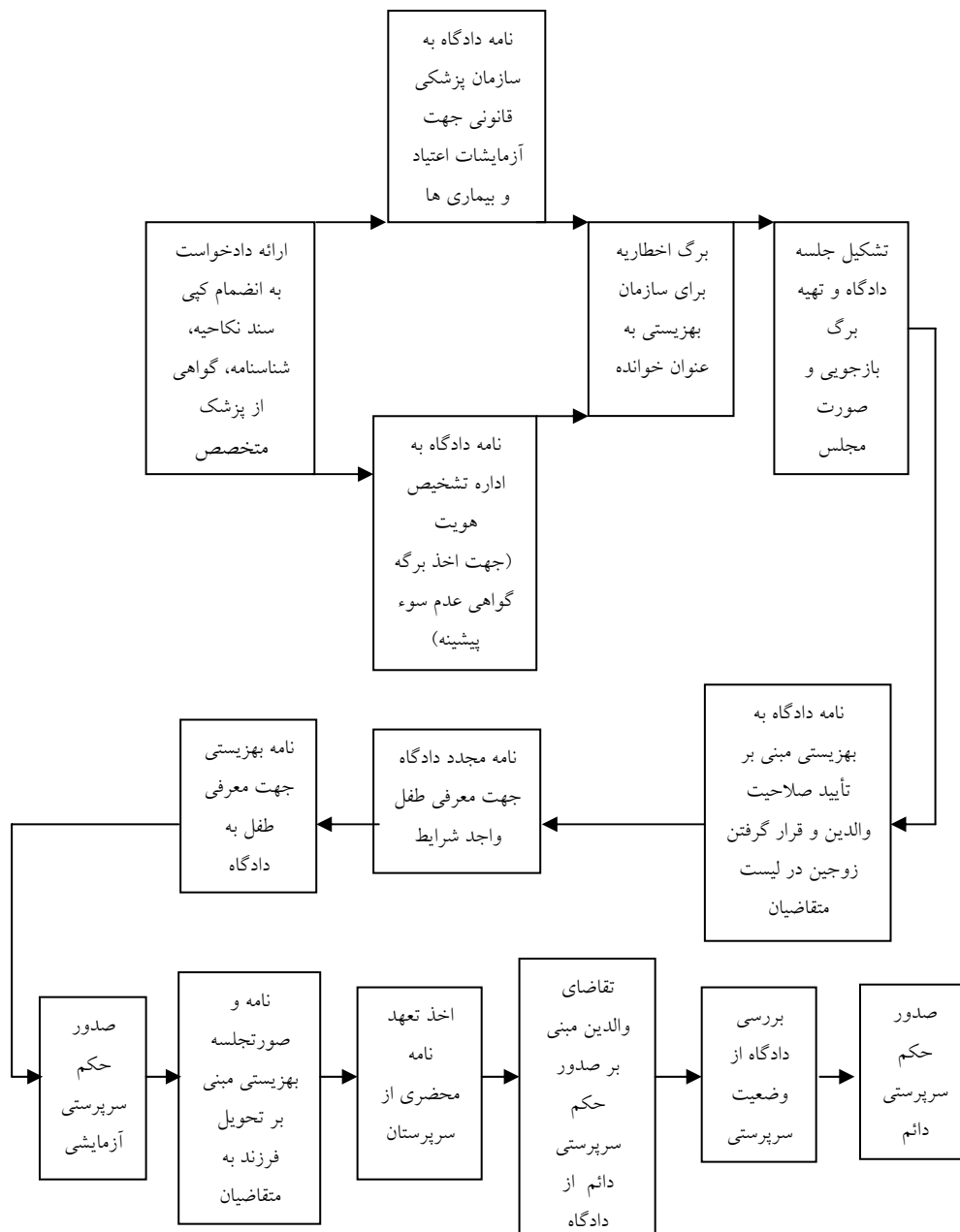


شده و عاطفه و علاقه متقابل نیز بین آنها ایجاد شده است دادگاه با بررسی موضوع و با توجه به محتویات پرونده از جمله سپردن تضمین مالی از سوی زوجین سرپرست به استناد مواد اول، دوم، سوم، پنجم، ششم و یازدهم قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳ حکم سرپرستی دائم زوجین ( خواهان ها ) نسبت به طفل یاد شده را صادر و اعلام می نماید رأی دادگاه ظرف بیست روز پس از ابلاغ به استناد ماده ۹ قانون مذکور و مواد ۳۳۰ و ۳۳۶ قانون آئین دادرسی مدنی قابل اعتراض و رسیدگی در محاکم تجدیدنظر استان می باشد.

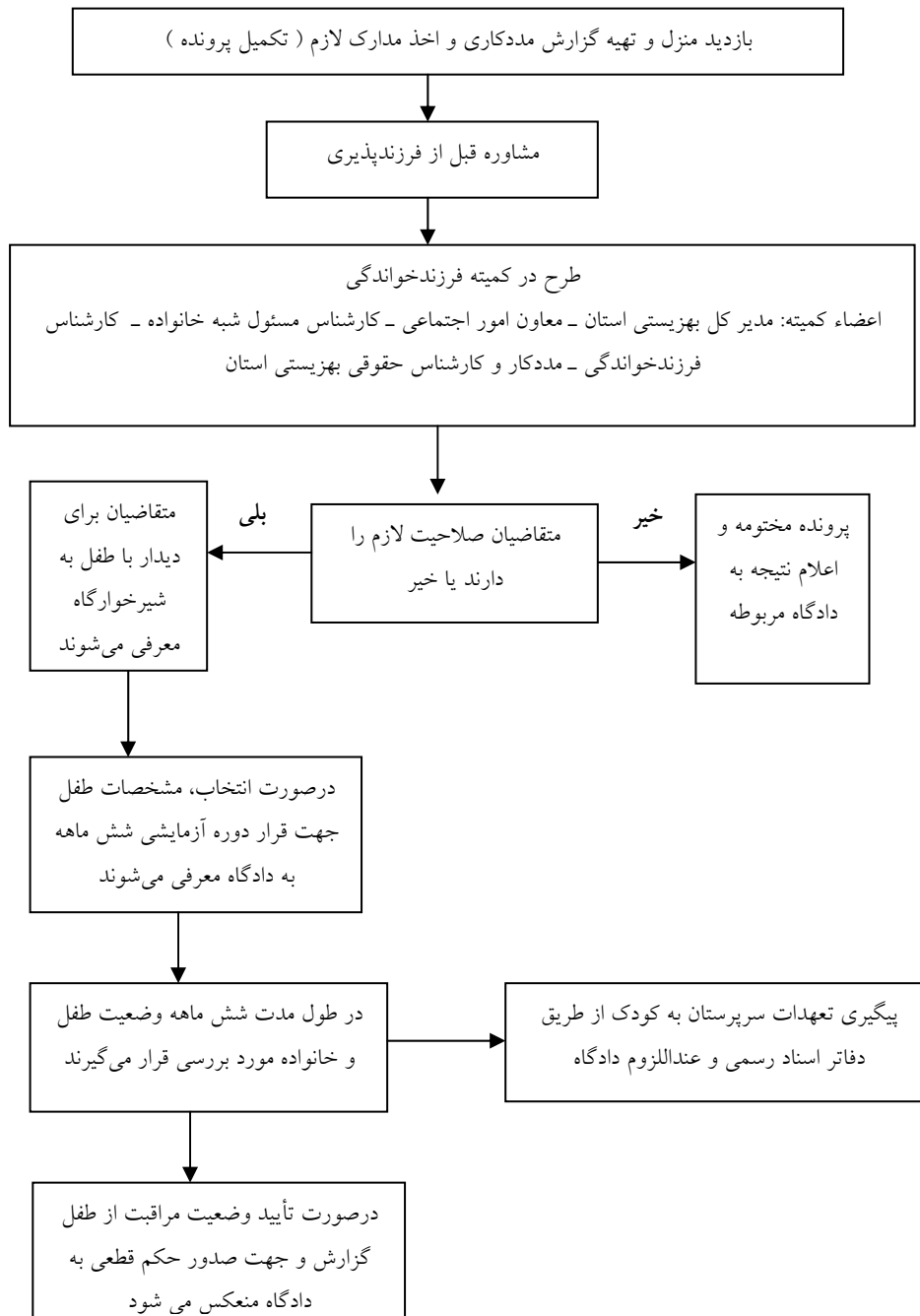
دفتر نسخه ای از حکم قطعی برای اداره ثبت احوال استان ..... ارسال و ابلاغ تا در اجرای ماده (۱۴) قانون مذکور شناسنامه با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج صادر و در شناسنامه های زوجین نیز خلاصه حکم را منعکس نمایند.

رئیس شعبه ..... دادگاه عمومی حقوقی .....

## نمودار مراحل صدور حکم قضایی سرپرستی (فرزندخواندگی)



## نمودار فرآیند فرزندپذیری در سازمان بهزیستی



## نمونه حکم امین موقت (۱)



تاریخ.....  
شماره.....  
پیوست.....

محل الصاق  
عکس  
امین موقت

### بسمه تعالی

آقای ..... به شماره شناسنامه ..... به موجب پیشنهاد این اداره و دادنامه شماره .....  
خانم  
صادره از شعبه ..... دادگاه عمومی ..... شما به استناد ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی به سمت امین موقت بر  
صغیر ..... تعیین و منصوب گردیده اید. مراتب بدینوسیله اعلام تا به وظایف قانونی خود عمل نمائید.  
مشخصات صغیر به شرح ذیل است:  
( نام کودک ) ..... متولد روز ..... ماه ..... سال .....

رئیس اداره سرپرستی و امور محجورین .....

## نمونه حکم امين موقت (۲)



شماره : .....

تاريخ : .....

پيوست : .....

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

## دادنامه

دادگاه .....

## بسمه تعالى

تاريخ رسيدگى : .....

كلاس ه پرونده : .....

شماره دادنامه : .....

مرجع رسيدگى شعبه ..... دادگاه عمومى حقوقى ..... به تصدى رياست دادگاه امضاء كننده ذيل

خواهان : اداره سرپرستى و امور محجورين

خوانده : ..... (ولى قهرى طفل)

خواسته : تقاضاى نصب امين موقت

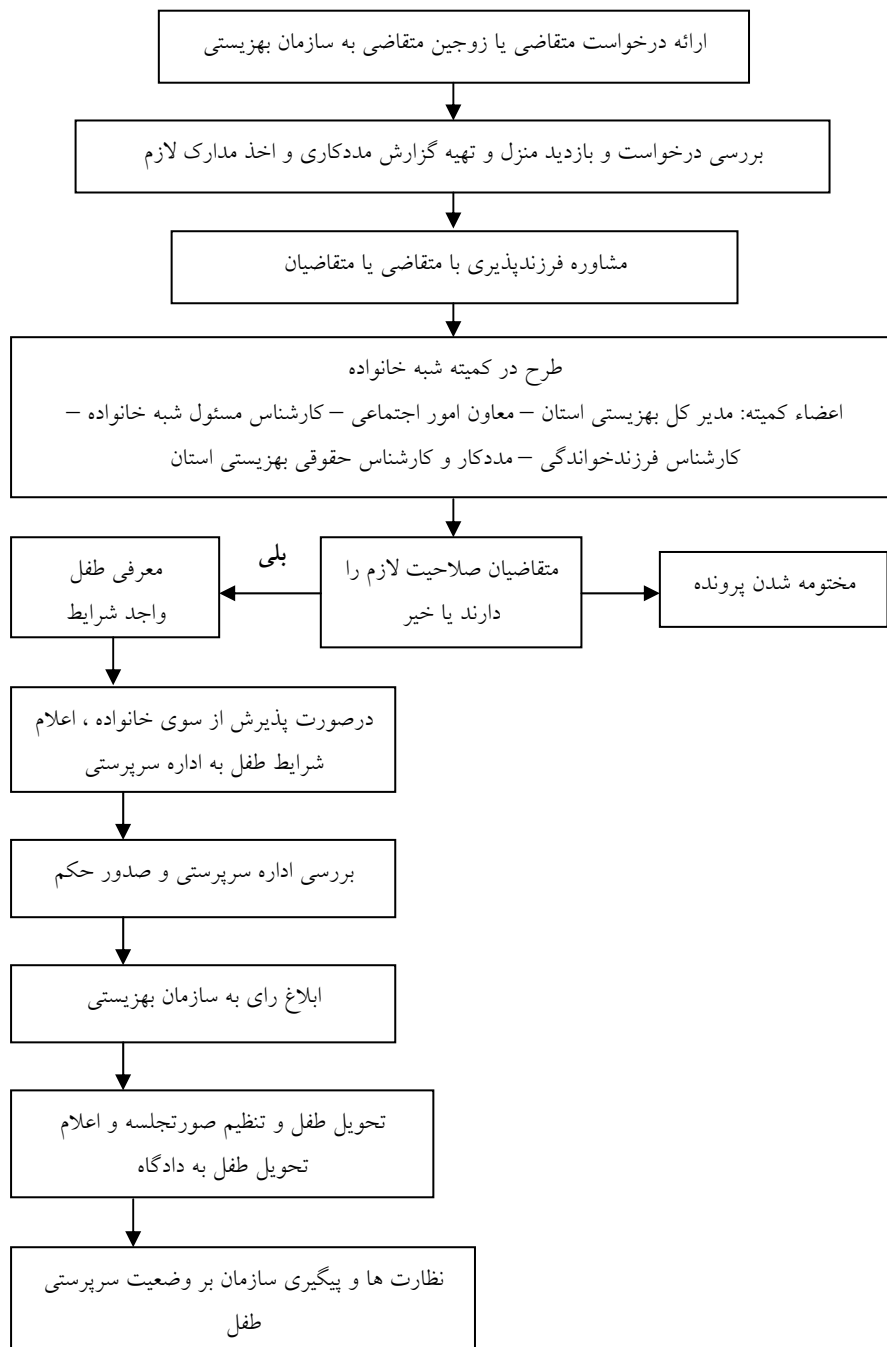
گردشكار - خواهان دادخواستى به خواسته فوق به طرفيت خوانده بالا تقديم داشته كه پس از ارجاع به اين شعبه و ثبت به كلاس ه فوق و جرى تشريفات قانونى در وقت فوق العاده / مقرر دادگاه به تصدى امضاء كننده زير تشكيل است با توجه به محتويات پرونده ختم رسيدگى را اعلام و به شرح زير مبادرت به صدور رآى مى نمايد.

«راى دادگاه»

درخصوص درخواست اداره سرپرستى و امور محجورين و دادرى ..... شعبه ..... به شماره ..... مبنى بر نصب امين موقت به منظور تصدى و اداره امور و اموال مولى عليه غايب مفقودالاثر نظر به محتويات مندرج در پرونده كه به شرح آن غائب (عدم دسترسى) بودن ولى قهرى منحصر فوق الذكر محرز است و اينكه از جانب خود كسى را براى امر فوق معين ننموده است دادگاه مستنداً به ماده ۱۱۸۷ قانون مدنى خانم / آقاى ..... را به سمت امين موقت جهت تصدى و اداره امور و اموال مولى عليه غايب مذكور در فوق منصوب و اعلام مى دارد رآى دادگاه قطعى است.

رئيس شعبه ..... دادگاه عمومى حقوقى .....

## نمودار فرآیند حکم امین موقت در سازمان بهزیستی



## نمونه حکم قیمومت

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا

«هر کس مال یتیمان را به ناحق میخورد همانا آتش سوزان را در شکمهای خود میریزد.» «قرآن کریم»

تاریخ: .....

شماره: .....

پیوست: .....

## بسمه تعالی

## قیم نامه

## دفتر امور سرپرستی

آقای ..... شما بر حسب ارجاع اداره سرپرستی دادگاه خانواده به موجب دادنامه شماره ..... مورخ خانم

..... به نظارت استصوابی ..... به سرپرستی ..... به اسامی زیر منصوب شده‌اید که با اطلاع اطلاع  
صغیر  
صغار  
مجنون

رعایت صرفه و صلاح در امور مربوط به <sup>اف</sup>مداخله نمائید. بنابراین به وظیفه سرپرستی عمل نموده و تا زمان تصدی همه ساله صورتحساب مربوطه را به دفتر امور سرپرستی شعبه ..... دادگستری شهرستان..... تسلیم نمائید. ضمناً به منظور آگاهی توجه شما رابه مندرجات پشت این برگ که قسمتی از مواد مربوط به امور قیمومت است جلب می نماید.

محجور  
اسامی ..... فرزند..... شماره شناسنامه..... مورخ..... ضمناً دریافت محجورین

حقوق و مستمری توسط قیم بلامانع است.

دادگاه عمومی ..... شهرستان.....

## قوانین مرتبط

## قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳

- ماده ۱ -** هر زن و شوهر مقیم ایران می‌توانند با توافق یکدیگر، طفلی را با تصویب دادگاه و طبق مقررات این قانون سرپرستی نمایند.
- ماده ۲ -** این سرپرستی به منظور تأمین منافع مادی و معنوی طفل برقرار می‌گردد ولی در هر حال از موجبات ارث نخواهد بود.
- ماده ۳ -** تقاضانامه سرپرستی باید مشترکاً از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه شود و دادگاه در صورت احراز شرایط ذیل قرار سرپرستی طفل را برای دوره آزمایشی صادر کند:
- الف - پنج سال تمام از تاریخ ازدواج آنها گذشته و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند.
- ب - سن یکی از زوجین حداقل ۳۰ سال تمام باشد.
- ج - هیچ یک از زوجین دارای محکومیت جزایی مؤثر به علت ارتکاب جرائم عمدی نباشند.
- د - هیچ یک از زوجین محجور نباشند.
- ه - زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند.
- و - زوجین با یکی از آنها دارای امکان مالی باشند.
- ز - هیچ یک از زوجین مبتلا به بیماریهای واگیر صعب‌العلاج نباشند.
- ح - هیچ یک از زوجین معتاد به الکل یا مواد مخدر و سایر اعتیادات مضر نباشند.
- تبصره ۱ -** باردار شدن زوجه یا تولد کودک در خانواده سرپرست در دوران آزمایشی یا پس از صدور حکم موجب فسخ سرپرستی نخواهد بود.
- تبصره ۲ -** هر گاه زوجین به دلایل پزشکی نتوانند صاحب فرزند شوند دادگاه می‌تواند آنان را از شرایط بند الف و ب این ماده معاف نماید.



**ماده ۴ -** قبل از صدور حکم سرپرستی دادگاه با کسب نظر مؤسسه یا شخصی که کودک تحت سرپرستی موقت اوست طفل را با صدور قرار دوره آزمایشی به مدت شش ماه به زوجین سرپرست خواهد سپرد. عدم موافقت افراد یا مؤسسات مذکور در صورتی که به تشخیص دادگاه به مصلحت کودک نباشد قابل ترتیب اثر نخواهد بود. در مدت دوره آزمایشی دادگاه مجاز است بنا به تقاضای دادستان یا انجمن ملی حمایت از کودکان یا مؤسسه‌ای که طفل قبلاً در آنجا تحت سرپرستی بوده است و یا رأساً در اثر تحقیق به وسائل مقتضی دیگر قرار صادره را فسخ نماید. زوجین سرپرست در مدت آزمایشی حق دارند انصراف خود را اعلام کنند و در این صورت دادگاه قرار صادره را فسخ خواهد نمود.

**تبصره -** قرار دادگاه در مورد برقراری دوره آزمایشی و فسخ آن فقط قابل رسیدگی پژوهشی است.

**ماده ۵ -** دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر خواهد نمود که درخواست کنندگان سرپرستی به کیفیت اطمینان بخشی در صورت فوت خود هزینه تربیت و نگهداری و تحصیل طفل را تا رسیدن به سن بلوغ تأمین نمایند.

**تبصره -** هر گاه وجوه یا اموالی از طرف زوجین سرپرست به طفل تحت سرپرستی صلح شده باشد در صورت فوت طفل وجوه و اموال مذکور از طرف دولت به زوجین سرپرست تملیک خواهد شد.

**ماده ۶ -** طفلی که برای سرپرستی سپرده می‌شود باید دارای شرایط زیر باشد:

الف - سن طفل از ۱۲ سال تمام کمتر باشد.

ب - هیچ یک از پدر یا جد پدری یا مادر طفل شناخته نشده یا در قید حیات نباشند و یا کودکانی باشند که به مؤسسه عام‌المنفعه سپرده شده و سه سال تمام پدر یا مادر یا جد پدری او مراجعه نکرده باشند.

**تبصره -** کسانی که کودکان واجد شرایط را قبل از تصویب این قانون تحت سرپرستی گرفته‌اند در صورتی که از جهات اخلاقی و مادی واجد شرایط باشند، به تشخیص دادگاه نسبت به سایر متقاضیان در مورد کودکان حق تقدم دارند و در این حالت شرط سن نیز برای طفل و سرپرست او رعایت نخواهد شد.

**ماده ۷-** دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به کلیه امور مربوط به این قانون دادگاه حمایت خانواده محل اقامت درخواست‌کننده است.

**ماده ۸ -** دادگاه از نظر رسیدگی به امر سرپرستی موضوع این قانون تابع مقررات حمایت خانواده است.

**ماده ۹-** احکام صادر در کلیه امور مربوط به سرپرستی قابل رسیدگی پژوهشی و فرجامی است.

**ماده ۱۰ -** متقاضیان می‌توانند با تصویب دادگاه و رعایت مقررات این قانون کودکان متعددی را سرپرستی نمایند.

**ماده ۱۱ -** وظایف و تکالیف سرپرست و طفل تحت سرپرستی او از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر حقوق و تکالیف اولاد پدر و مادر است.

**تبصره -** اداره اموال و نمایندگی قانونی طفل صغیر به عهده سرپرست خواهد بود مگر آن که دادگاه ترتیب دیگری اتخاذ نماید.

**ماده ۱۲ -** در مواردی که اختلاف زناشویی زوجین سرپرست منجر به صدور گواهی عدم امکان سازش می‌شود دادگاه در مورد طفل تحت سرپرستی به ترتیب مقرر در قانون حمایت خانواده اقدام خواهد کرد.<sup>۱</sup>

**ماده ۱۳ -** مقررات قانون احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در مورد فرزندخواندگی به اعتبار خود باقی است.<sup>۲</sup>

۱. ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳- در کلیه مواردی که گواهی عدم امکان سازش صادر می‌شود دادگاه ترتیب نگهداری اطفال و میزان نفقه ایام عده را با توجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین و مصلحت اطفال معین می‌کند و اگر قرار شود فرزندان نزد مادر یا شخص دیگری بمانند ترتیب نگهداری و میزان هزینه آنان را مشخص می‌نماید نفقه زوجه از عواید و دارایی مرد و نفقه اولاد و مبلغ ماهانه مقرر در ماده ۱۱ از عواید و دارایی مرد یا زن یا هر دو حتی از حقوق بازنشستگی استیفا خواهد گردید. دادگاه مبلغی را که باید از عواید یا دارایی مرد یا زن یا هر دو برای هر فرزند استیفا گردد تعیین و طریقه اطمینان بخشی برای پرداخت آن مقرر می‌کند. دادگاه همچنین ترتیب ملاقات اطفال را برای طرفین معین می‌کند. حق ملاقات با طفل در صورت غیبت یا فوت پدر یا مادر به تشخیص دادگاه با سایر اقربا خواهد بود.

تبصره ۱- اطفالی که والدین آنان قبل از تصویب این قانون از یکدیگر جدا شده‌اند در صورتی که به طریق اطمینان بخشی ترتیب هزینه و نگهداری و حضانت آنان داده نشده باشد مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

۲. قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم، مصوب دهم مرداد ۱۳۱۲  
ماده واحده - نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده، محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را، جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد، به طریق ذیل رعایت نمایند:

در مسائل مربوط به نکاح و طلاق، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.

**ماده ۱۴-** مفاد حکم قطعی سرپرستی به اداره ثبت احوال ابلاغ و در اسناد سجلی زوجین سرپرست و طفل درج و شناسنامه جدیدی برای طفل فقط با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوجین صادر خواهد شد.

**ماده ۱۵-** خروج طفل صغیری که برای سرپرستی به کسی سپرده شده در دوره آزمایشی از کشور منوط به موافقت دادستان محل خواهد بود.

**ماده ۱۶-** سرپرستی که به موجب این قانون برقرار می‌شود فقط در موارد ذیل قابل فسخ است:

۱- تقاضای دادستان در صورتی که سوء رفتار یا عدم اهلیت و شایستگی هر یک از زوجین سرپرست برای نگهداری و تربیت طفل تحت سرپرستی محرز باشد.

۲- تقاضای دادستان در صورتی که سوء رفتار طفل برای هر یک از آنان غیر قابل تحمل باشد همچنین در موردی که سرپرست قدرت و استطاعت برای تربیت و نگهداری طفل را از دست داده باشد.

۳- توافق طفل بعد از رسیدن به سن کبر یا زوجین سرپرست یا موافقت زوجین سرپرست با پدر و مادر واقعی طفل صغیر.

**ماده ۱۷-** قبل از صدور حکم فسخ سرپرستی دادگاه در هر مورد سعی خواهد نمود که اقدامات لازم را در جهت بقاء سرپرستی به عمل آورد. در صورت صدور حکم فسخ سرپرستی و قطعیت آن مراتب به وسیله دادگاه صادر کننده حکم برای تصحیح شناسنامه و اسناد مربوط به اداره ثبت احوال اعلام می‌شود.

## قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴

**ماده ۱ -** به پیروی از تعالیم عالیه اسلام در جهت حفظ شئون و حقوق اجتماعی زن و کودک بی سرپرست و زدودن آثار فقر از جامعه اسلامی و به منظور اجرای قسمتی از اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زنان و کودکان بی سرپرستی که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگری نیستند از حمایت‌های مقرر در این قانون بهره‌مند خواهند شد.

در مسائل مربوط به ارث و وصیت ، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی.

در مسائل مربوط به فرزندخواندگی، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدر خوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.

**ماده ۲ - مشمولان این قانون عبارتند از :**

۱- زنان بیوه: بیوه به زنانی اطلاق می‌شود که به عقد ازدواج (دائم یا منقطع) در آمده و سپس به یکی از دلایل طلاق، فوت شوهر، فسخ عقد، صدور حکم موت فرضی، بذل مدت در نکاح منقطع شوهر خود را از دست داده باشند.

۲- زنان پیر و سالخورده: زنان مُسنی هستند که قادر به تأمین معاش خود نباشند.

۳- سایر زنان و دختران بی‌سرپرست: به زنان و دخترانی اطلاق می‌شود که بنا به عللی از قبیل مفقودالثر شدن یا از کارافتادگی سرپرست بطور دائم یا موقت بدون سرپرست (نان آور) می‌مانند.

۴- کودکان بی‌سرپرست: به کودکانی اطلاق می‌شود که بنا به هر علت و به طور دائم یا موقت سرپرست خود را از دست داده باشند.

**تبصره ۱ -** پسران موضوع بند ۴ این ماده تا رسیدن به حداقل سن قانونی (مندرج در قانون کار) و دختران تا زمانی که ازدواج نمایند مشمول این قانون باقی خواهند ماند، مگر این‌که تحت سرپرستی قرار گیرند یا به نحوی تمکّن مالی بیابند.

**تبصره ۲ -** پسرانی که ادامه تحصیل دهند به شرط وجود اعتبار تا پایان تحصیلات مشمول این قانون می‌باشند.

**ماده ۳ -** زنان و کودکان بی‌سرپرستی که به هر نحو از مستمریهای بازنشستگی، از کارافتادگی و بازمندگان بهره‌مند می‌شوند و یا از تمکّن مالی برخوردار باشند از مشمول مقررات این قانون خارج هستند.

**ماده ۴ - حمایت‌های موضوع این قانون عبارتند از :**

۱- حمایت‌های مالی شامل تهیه وسائل و امکانات خودکفائی یا مقرری نقدی و غیرنقدی به صورت نوبتی یا مستمر.

۲- حمایت‌های فرهنگی، اجتماعی، شامل ارائه خدمات نظیر خدمات آموزشی (تحصیلی) تربیتی، کاریابی، آموزش حرفه و فن جهت ایجاد اشتغال، خدمات مشاوره‌ای و مددکاری جهت رفع مسائل و مشکلات زندگی مشمولان و به وجود آوردن زمینه ازدواج و تشکیل خانواده.

۳- نگهداری روزانه یا شبانه‌روزی کودکان و زنان سالمند بی‌سرپرست در واحدهای بهزیستی یا واگذاری سرپرستی این گونه کودکان و زنان به افراد واجد شرایط .

**تبصره -** کلیه مشمولان واجد شرایط که از سلامت جسمی و روانی برخوردارند؛ به تشخیص مددکاران ذیربط، جهت شرکت در دوره‌های آموزشی حرفه ای و کارایی می‌شوند.

**ماده ۵-** میزان و مدت پرداخت مقرری ماهیانه طبق آیین نامه‌ای تعیین می‌گردد که بنا به پیشنهاد سازمان بهزیستی کشور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

**تبصره -** پرداخت مقرری نقدی و غیرنقدی تا احراز موارد مندرج در ماده (۶) این قانون ادامه خواهد یافت.

**ماده ۶-** در موارد زیر مقرری مشمولان قطع خواهد شد.

۱- در صورت ازدواج، رجوع یا تحت تکفل قرار گرفتن.

۲- یافتن تمکن مالی .

۳- خودداری از شرکت در دوره‌های آموزشی (تحصیلی) و آموزش حرفه‌ای بدون عذر موجه.

۴- امتناع از قبول شغل مناسب پیشنهادی.

**تبصره -** در صورت محکومیت کیفری که منجر به بازداشت و زندان شود، مقرری مربوط در مدت محکومیت قطع خواهد شد.

**ماده ۷-** هر کس براساس اسناد و گواهی‌های خلاف یا با توسل به عناوین تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده نماید به رد عین یا معادل کمک‌های نقدی و غیرنقدی دریافتی و نیز تا دو برابر آن جریمه محکوم می‌شود و چنانچه موجبات استفاده اشخاص ثالث را من غیرحق فراهم نماید به جزای نقدی تا ۳ برابر مزبور محکوم خواهد شد.

**تبصره ۱-** کلیه خسارات و وجوه حاصله از جرائم نقدی مقرر در این قانون جزء درآمد اختصاصی سازمان بهزیستی و در یک ردیف درآمد و هزینه مستقل همه ساله در قانون بودجه منظور و طبق آیین نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید هزینه می‌گردد.

**تبصره ۲-** سازمان بهزیستی می‌تواند از هدایا و کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت اجرای این قانون استفاده نماید.

**ماده ۸-** چنانچه مشمولان این قانون، اشتغال، ازدواج یا رجوع خود را مکتوم داشته و مقرری دریافت دارند، برابر ماده ۷ این قانون مورد پیگرد قرار خواهند گرفت.

**ماده ۹-** سازمان بهزیستی کشور مجری این قانون خواهد بود و موظف است آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط را از ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ قانون با هماهنگی کلیه نهادها و دستگاه‌های ذیربط تهیه و جهت تصویب به هیأت وزیران تقدیم نماید.

**تبصره -** اجرای این قانون مانع از انجام وظایف قانونی و موارد پیش‌بینی شده در اساسنامه کمیته امداد امام خمینی (ره) نمی‌باشد و کمیته مزبور در چارچوب وظایف قانونی خویش کماکان نسبت به ارائه خدمات مربوط ادامه خواهد داد.

**ماده ۱۰-** کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی و وابسته به دولت، مؤسسات عمومی و سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می‌باشد موظفند همکاریهای لازم را در زمینه اجرای این قانون با سازمان بهزیستی کشور معمول دارند.

قانون فوق مشتمل بر ۱۰ ماده و ۸ تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۱/۸/۲۴ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

## **آیین‌نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۴/۵/۱۱**

### **هیأت وزیران**

**ماده ۱ -** محور و اساس حمایتها و اقدامات اجرایی موضوع این آیین‌نامه عبارت است از ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌ها و موجبات عادی‌سازی زندگی زنان و کودکان بی‌سرپرست موضوع ماده ۲ قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست که از این پس در این آیین‌نامه به اختصار قانون نامیده می‌شود.

**ماده ۲ -** کودکان بی‌سرپرست مشمول قانون با هماهنگی نیروی انتظامی مورد شناسایی قرار می‌گیرند و پس از تحقیقات اولیه و طی مراحل قانونی از طریق مراجع ذیصلاح قضایی به سازمان بهزیستی کشور معرفی می‌شوند.

**تبصره :** در موارد اضطراری به منظور حفظ سلامت کودکان، واحدهای بهزیستی رأساً کودکان کمتر از هفت سال را با رعایت ضوابط، پذیرش موقت می‌کنند و متعاقب آن مدارک و گزارشهای لازم را به مراجع ذیصلاح قضایی ارسال و اعلام می‌کنند.

**ماده ۳ -** مشمولان موضوع مواد ۳ و ۶ قانون همچنین مشمولانی که در نتیجه اقدامات حمایتی و خدمات و تسهیلات دریافتی به تشخیص مددکاران و تأیید مدیران مسؤول، توانایی

لازم را برای گذراندن زندگی عادی و خوداتکایی کسب کرده باشند، از شمول اقدامات حمایتی خارج می‌شوند و مجاز به استفاده از حمایت‌های موضوع این آیین‌نامه نیستند.

**ماده ۴ -** اقدامات اجرایی به منظور ایجاد حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی از زنان و کودکان بی‌سرپرست عبارتند از :

الف. خدمات آموزشی و تربیتی در سطوح آمادگی و پیش‌دبستانی تا تحصیلات عالی.

ب. خدمات حرفه‌آموزی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.

ج. خدمات کارایی و اشتغال.

د. مددکاری، مشاوره و راهنمایی.

ه. نگهداری و مراقبت از افراد نیازمند به ویژه کودکان و سالمندان، متناسب با نیازها و شرایط سنی و جنسی و اجتماعی هر فرد یا خانواده تحت پوشش به صورت مستقیم و غیرمستقیم تا حصول اطمینان از بازتوانی و خوداتکایی کامل آنان توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان‌های بهزیستی استانها.

**تبصره ۱:** پسران بی‌سرپرست تا رسیدن به سن قانونی (موضوع ماده (۷۹) قانون کار) و دختران بی‌سرپرست تا زمانی که ازدواج نکرده باشند، مشمول پذیرش در واحدهای نگهداری شبانه‌روزی می‌شوند.

**تبصره ۲:** دختران بی‌سرپرستی که واجد شرایط پذیرش در واحدهای شبانه‌روزی نباشند، بنا به تشخیص سازمان بهزیستی از حمایت‌های موضوع این آیین‌نامه بهره‌مند می‌شوند.

**تبصره ۳:** به منظور جلوگیری از جدایی فرهنگی و اجتماعی کودک از فرهنگ بومی خود و فراهم شدن زمینه بازگشت به خانواده و اجتماع، حتی‌الامکان کودکان بی‌سرپرست در شهرهای محل تولد یا شهرهای همجوار پذیرش و نگهداری می‌شوند و در صورتی که در بدو پذیرش، والدین یا بستگان کودک شناسایی شوند، به منظور پیشگیری از ورود کودکان به واحدهای شبانه‌روزی و حفظ نهاد خانواده در صورت نیاز نسبت به ارائه حمایت‌های مالی، فرهنگی و اجتماعی طبق ضوابط و آیین‌نامه‌های مربوط اقدام می‌شود.

**تبصره ۴:** شرایط خانواده‌های داوطلب واجد شرایط و نحوه نگهداری آنها براساس دستورالعمل اجرایی مورد عمل سازمان بهزیستی کشور تعیین می‌شود.

**ماده ۵ -** پرداخت‌های غیرمستمر، ناظر بر فراهم ساختن و تهیه امکانات، ابزار و وسایل حرفه‌آموزی، کار و اشتغال، تأمین هزینه‌های کارآموزی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای،

پرداخت سرمایه کار و تأمین هزینه‌های تشکیل خانواده و ازدواج به تناسب شرایط و تواناییهای جسمی، اجتماعی و اقتصادی مشمولان است که سالانه در حد اعتبارات مصوب در برنامه‌های مربوط توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها به مشمولان نیازمند و واجد شرایط اختصاص می‌یابد.

**ماده ۶-** میزان و مدت پرداختهای مستمر به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

الف. مستمری ماهانه :

♦ افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند و خانواده‌های دو نفره، حداکثر ۳۰٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال.

♦ خانواده‌های سه نفره، حداکثر ۳۵٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال.

♦ خانواده‌های چهار نفره، حداکثر ۴۰٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال.

♦ خانواده‌های پنج نفره و بیشتر، حداکثر ۵۰٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال.

**تبصره:** کلیه پرداختهای یاد شده به صورت نقدی و حتی‌المقدور توسط سیستم بانکی با توجه به اعتبارات دستگاه پرداخت کننده تا حداکثر میزان تعیین شده، انجام می‌شود.

ب. هزینه تحصیلات: هزینه تحصیلات برای هر یک از دانش‌آموزان و دانشجویان خانواده‌های تحت حمایت، حداکثر معادل ۵/۰۰۰ ریال در ماه تعیین می‌شود.

ج. حق سرانه بیمه خدمات درمانی: حق سرانه بیمه خدمات درمانی برای هر یک از زنان و کودکان بی‌سرپرست معادل رقم مصوب هر ساله از محل اعتبارات موضوع ماده (۱۴) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوبها و افراد مشمول این آیین‌نامه را تحت پوشش بیمه خدمات درمانی درآورد.

د. هزینه نگهداری: بخشی از هزینه نگهداری و مراقبت از کودکان بی‌سرپرست و زنان سالمند مشمول، در مراکز نگهداری شبانه‌روزی غیردولتی همچنین مراکزی که به شکل هیأت امنایی اداره می‌شوند، به صورت سرانه توسط سازمان بهزیستی تأمین و پرداخت می‌شود. سازمان بهزیستی موظف است اولویت امر نگهداری افراد مشمول را در میان خانواده‌های داوطلب واجد صلاحیت فراهم کند و شرایط را با پرداخت هزینه سرانه نگهداری تعیین شده رعایت نماید و گسترش دهد.



**تبصره ۱-** هزینه نگهداری و مراقبت از مشمولان نیازمند در مراکز نگهداری وابسته به سازمان بهزیستی، کماکان از محل اعتبارات جاری این سازمان در برنامه‌های زیربست تأمین می‌شود و افرادی که در مراکز توانبخشی و حمایتی سازمان بهزیستی نگهداری می‌شوند، مشمول پرداخت‌های فوق قرار نمی‌گیرند.

**تبصره ۲-** اقدام به تأمین مسکن مشمولان نیازمند در قالب سیاستها و اقدامات حمایتی دولت با استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی صورت می‌گیرد.

**ماده ۷-** مبانی و میزان پرداخت مستمریهای مشمولان این آیین‌نامه در سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی(ره) هماهنگ و یکسان می‌باشد.

**ماده ۸-** در شرایطی که انجام و ارائه خدمات آموزشی و نگهداری مشمولان این آیین‌نامه در مراکز غیروابسته به سازمان بهزیستی اعم از بخش دولتی و غیردولتی یا در خانواده صورت گیرد، هزینه‌های مربوط به صورت سرانه از محل اعتبارات مصوب سالانه سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها پرداخت می‌شود.

**ماده ۹-** افراد و خانواده‌های تحت پوشش علاوه بر کسب موقعیتها و شرایط موضوع ماده (۶) قانون، در صورت نیل به خوداتکایی و کسب توانایی لازم برای زندگی متعارف (به تشخیص مددکاران و تأیید مدیران ذیربط) مجاز به استفاده از حمایتهای اقتصادی و دریافت مستمری نخواهند بود.

**ماده ۱۰-** سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها موظف به بررسی و تنظیم برنامه‌های اجرایی و ارائه و طرح آن در قالب بودجه عملیاتی سالانه پیشنهادی به سازمان برنامه و بودجه برای ایجاد تعادل لازم بین حجم و میزان فعالیتها و اقدامات و منابع اعتباری و قابل تخصیص سالانه هستند.

**ماده ۱۱-** سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها موظفند ضمن اعمال نظارت مستمر و برنامه‌ریزی شده بر مراحل اجرایی اقدامات، گزارش اقدامات و فعالیتهای انجام یافته را هر شش ماه یک بار به سازمان برنامه و بودجه ارسال کنند.

**ماده ۱۲-** در اجرای مواد (۷) و (۸) قانون، سازمان بهزیستی مکلف است موارد تخلف را پس از بررسی و تشخیص تخلفات به مراجع ذیصلاح قضایی منعکس و متخلفان را با تشکیل پرونده برای اعمال مجازاتهای مالی مقرر در ماده (۷) قانون معرفی کند.

**ماده ۱۳-** وزارت امور اقتصادی و دارایی به منظور حسب مبالغ واریزی جرایم موضوع مواد (۷) و (۸) قانون، حساب جداگانه‌ای به عنوان سازمان بهزیستی کشور افتتاح با رعایت

تبصره (۱) ماده (۷) قانون می‌کند. مبالغ واریز شده به حساب یاد شده همچنین مشارکتهای مردمی و هدایای نقدی مردم به سازمان بهزیستی در اجرای قانون، به عنوان بخشی از منابع تأمین اعتبار اقدامات اجرایی قانون محسوب می‌شود.

**ماده ۱۴ -** سازمان بهزیستی کشور موظف است مددکاران (ترجیحاً مددکاران زن) خود را برای نظارت و آگاهی از وضعیت کودکان و زنان سالمند سپرده شده به خانواده‌های داوطلب و مراکز، اعزام کند.

## ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور

### مصوب ۱۳۵۹:

در جهت تحقق مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تأمین موجبات برنامه‌ریزی هماهنگی، نظارت و ارزشیابی و تهیه هنجارها و استانداردهای خدماتی و توسعه دامنه اجرای برنامه‌های بهزیستی در زمینه حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند ارائه خدمات مختلف به کودکان و تدارک امکانات پیشگیری و توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولین جسمی و روانی و تجدید تربیت منحرفین اجتماعی و حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال بی‌سرپرست و معلولین غیرقابل توانبخشی و سالمندان و آموزش نیروی انسانی خدمات بهزیستی و توانبخشی و تأمین موجبات تشویق، جلب مشارکت و فعالیت گروه‌های داوطلب و مؤسسات غیردولتی سازمان بهزیستی کشور تشکیل می‌شود.

## ماده واحده قانون واگذاری قیمومت محجوران تحت پوشش سازمان

### بهزیستی کشور به سازمان مذکور تا زمان تعیین قیم توسط دادگاه صالح

### مصوب ۱۳۷۶/۵/۱۱:

در کلیه مواردی که سازمان بهزیستی کشور متکفل امور فرد محجوری می‌گردد که محتاج نصب قیم باشد مکلف است جهت نصب قیم موضوع را به مراجع قضایی مربوطه اعلام نماید.

تا زمانی که دادگاه فرد معینی را به عنوان قیم نصب نکرده در موارد ضروری رئیس دادگستری محل می‌تواند رئیس سازمان بهزیستی کشور و مدیران کل و رؤسای ادارات بهزیستی محل را با حق توکیل به غیر موقتاً به عنوان نماینده قانونی محجورین با اختیارات و مسؤولیتهای قانونی قیم منصوب نماید. تشخیص ضرورت به عهده سازمان مذکور می‌باشد.

تبصره - تهیه و تصویب آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به عهده وزارت دادگستری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد.

**آیین‌نامه قانون واگذاری قیمومت محجوران تحت پوشش سازمان  
بهبودی کشور به سازمان مذکور تا زمان تعیین قیم توسط دادگاه صالح  
مصوب ۱۳۷۶/۵/۸ مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۱ وزرای  
دادگستری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی:**

**ماده ۱-** سازمان بهزیستی یا ادارات تابعه آن در مواردی که متکفل امور فرد محجوری می‌گردند که محتاج نصب قیمت می‌باشد، مکلفند مراتب را به مراجع قضایی مربوطه اعلام نمایند.

**ماده ۲-** مرجع قضایی در رسیدگی به درخواست سازمان، هرگونه تحقیقی را که لازم بداند به عمل آورده و از اطلاعات اشخاص استفاده نموده و حکم مقتضی صادر می‌نماید.

**ماده ۳-** تا زمانی که دادگاه فرد معینی را به عنوان قیم نصب نکرده و به تشخیص سازمان بهزیستی کشور تعیین نماینده قانونی ضروری باشد رؤسای دادگستری حسب مورد رئیس سازمان بهزیستی کشور مدیران کل و رؤسای ادارات بهزیستی محل را با حق توکیل به غیر موقتاً به عنوان نماینده قانونی محجورین با اختیارات و مسؤولیتهای قانونی قیم منصوب می‌نماید.

**ماده ۴-** ملاک در تعیین ضرورت عبارت است از این که با عدم اقدام سریع موجبات تضییع حقوق محجور تحت پوشش فراهم گردد. تشخیص این امر به عهده سازمان بهزیستی کشور و مدیران کل و رؤسای ادارات بهزیستی محل حسب مورد خواهد بود.

**ماده ۵ -** رئیس سازمان بهزیستی کشور یا مدیران کل و یا رؤسای ادارات بهزیستی محل بر حسب مورد می‌توانند با صلاحدید به شخص امین جهت نمایندگی قانونی محجور تحت پوشش وکالت دهند.

**ماده ۶ -** سازمان بهزیستی کشور یا ادارات تابعه تا زمان نصب قیم می‌تواند هرگونه اقدامی را که برای مراقبت و سرپرستی محجور و حفظ و نظارت اموال و سایر امور مالی او لازم باشد انجام داده و در پرونده مربوطه ثبت می‌نماید.

**ماده ۷ -** واحد بهزیستی که به موجب قانون نمایندگی محجور را بر عهده دارد مکلف است صورت حساب زمان تصدی خود را تا پایان مدت نمایندگی به مرجع قضایی صالح تسلیم نماید همچنین تعیین نمایندگی را طبق ماده (۵) به اطلاع رئیس دادگستری محل برساند.

**ماده ۸ -** مواردی که در این آیین نامه تصریح نگردیده مشمول مقررات قانون مدنی و قانون امور حسبی خواهد بود.

**ماده ۹ -** این آیین نامه در ۹ ماده در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۱۱ توسط وزارتین دادگستری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و تصویب رسیده است.

## مواد ۲۶ و ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت

**ماده ۲۶-** سازمان بهزیستی کشور موظف است پس از بررسیهای کارشناسی برای

متقاضیان فعالیت در امور زیر پروانه فعالیت صادر نماید:

- ۱- تأسیس مهدهای کودک
- ۲- تأسیس مراکز نگهداری شبانه‌روزی کودکان بی‌سرپرست و خیابانی
- ۳- تأسیس خانه سلامت دختران و زنان
- ۴- تأسیس مجتمعها و مراکز خدمات بهزیستی
- ۵- تأسیس کلینیک و اورژانسهای مددکاری اجتماعی
- ۶- تأسیس مراکز خدمات مشاوره‌ای اجتماعی
- ۷- تأسیس مراکز توانبخشی معلولین
- ۸- تأسیس مراکز حرفه‌آموزی معلولین
- ۹- تأسیس مراکز توانبخشی و نگهداری سالمندان
- ۱۰- تأسیس مراکز توانبخشی و درمانی بیماران روانی مزمن.
- ۱۱- تأسیس مراکز خدمات مشاوره ژنتیک
- ۱۲- تأسیس انجمنها و مؤسسات غیردولتی و خیریه که در راستای اهداف سازمان بهزیستی کشور فعالیت می‌نمایند.

سازمان مذکور مجاز است در مقابل صدور پروانه برای آن تعداد از فعالیتهایی که جنبه انتفاعی دارند براساس تعرفه‌ای که توسط سازمان بهزیستی کشور تعیین و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، وجوهی را به عنوان هزینه صدور یا تمدید پروانه فعالیت دریافت

و به حساب درآمد عمومی کشور (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید. همه ساله معادل وجوه واریزی از محل ردیف اعتباری که در قوانین بودجه سالانه پیش‌بینی می‌گردد و در اختیار سازمان مذکور قرار می‌گیرد تا در جهت نگهداری و اداره مراکز تحت پوشش خود هزینه نماید.

**ماده ۸۸ -** در اجرای وظایف اجتماعی دولت به ویژه تکالیف مذکور در اصول بیست و نهم (۲۹) و سی‌ام (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور منطقی نمودن حجم و اندازه دولت و کاهش تدریجی اعتبارات هزینه‌ای و بهبود ارائه خدمات به مردم و جلب مشارکت بخش غیر دولتی و توسعه اشتغال و صرف بودجه و درآمدهای عمومی با رعایت اصول سوم (۳)، بیست و نهم (۲۹) و سی‌ام (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مصالح عامه، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی که عهده دار ارائه خدمات اجتماعی، فرهنگی، خدماتی و رفاهی از قبیل آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عمومی، تربیت بدنی، درمان، توانبخشی، نگهداری از سالمندان، معلولین و کودکان بی‌سرپرست، کتابخانه‌های عمومی، مراکز فرهنگی و هنری، خدمات شهری و روستایی، ایرانگردی و جهانگردی می‌باشند مجازند برای توسعه کمی و کیفی خدمات خود و کاهش حجم تصدیهای دولت بر اساس مقررات و ضوابط این ماده اقدامات ذیل را انجام دهند.

**الف -** اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی که متقاضی ارائه خدمات بر اساس مفاد این ماده می‌باشند می‌بایست صلاحیتهای فنی و اخلاقی لازم و پروانه فعالیت از مراجع قانونی ذیربط داشته باشند.

ب - ارائه خدمات موضوع این ماده توسط بخش غیر دولتی به سه روش، خرید خدمات از بخش غیر دولتی، مشارکت با بخش غیر دولتی و واگذاری مدیریت بخش غیر دولتی انجام می‌شود.

ج - دستگاههای اجرایی مشمول این ماده برای توسعه کمی خدمات خود با استفاده از ظرفیتهای موجود در بخش غیر دولتی (موضوع بند «الف») و با پرداخت هزینه سرانه خدمات، نسبت به خرید خدمات و ارائه آن به مردم طبق شرایط دولتی اقدام نمایند.

### قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲

**ماده ۱-** به موجب این قانون کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذیصلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنینهای حاصله از تلقیح خارج از رحم زوجهای قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها (هر یک به تنهایی یا هردو) اثبات رسیده اقدام نمایند.

**ماده ۲-** تقاضای دریافت جنین اهدایی باید مشترکاً از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه شود و دادگاه در صورت احراز شرایط ذیل مجوز دریافت جنین را صادر می‌کند:

الف - زوجین بنا به گواهی معتبر پزشکی، امکان بچه‌دار شدن نداشته باشند و زوجه استعداد دریافت جنین را داشته باشد.

ب - زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند.

ج - هیچ یک از زوجین محجور نباشند.

د - هیچ یک از زوجین مبتلا به بیماریهای صعب‌العلاج نباشند.



ه - هیچ یک از زوجین معتاد به موادمخدر نباشند.

و - زوجین بایستی تابعیت جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند.

**ماده ۳ -** وظایف و تکالیف زوجین اهدا گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و

تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است .

**ماده ۴ -** بررسی صلاحیت زوجین متقاضی در محاکم خانواده ، خارج از نوبت و بدون

رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی صورت خواهد گرفت و عدم تأیید صلاحیت زوجین

قابل تجدیدنظر می باشد.

**ماده ۵ -** آیین نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارت بهداشت، درمان و

آموزش پزشکی با همکاری وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد

رسید.

قانون فوق مشتمل بر پنج ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و نهم تیرماه یک

هزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۸ به تأیید

شورای نگهبان رسیده است .

رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

## آیین نامه اجرایی قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۳

### فصل اول - تعاریف و کلیات:

**ماده ۱-** در این آیین نامه، واژه‌ها و اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌رود:

الف - قانون: منظور قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور - مصوب ۱۳۸۲ - است.

ب - جنین: نطفه حاصل از تلقیح خارج از رحمی زوجهای قانونی و شرعی است که از مرحله باروری تا حداکثر پنج روز خواهد بود. این جنین می‌تواند به دو صورت تازه و منجمد باشد.

پ - اهدا جنین: واگذاری داوطلبانه و رایگان یک یا چند جنین از زوجهای واجد شرایط مقرر در قانون و این آیین نامه به مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری برای انتقال به زوجهای متقاضی دارای شرایط مندرج در قانون.

### فصل دوم - شرایط اهدا و دریافت جنین:

**ماده ۲-** زوجهای اهدا کننده باید دارای شرایط زیر باشند:

الف - علقه و رابطه زوجیت قانونی و شرعی.

ب - سلامت متعارف جسمی و روانی و ضریب هوشی مناسب.

پ - نداشتن اعتیاد به مواد اعتیادآور و روان گردان.

ت - مبتلا نبودن به بیماریهای صعب العلاج نظیر ایدز، هیپاتیت و...

**تبصره -** مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری مکلفند قبل از دریافت جنین از اهدا کنندگان، وجود شرایط مذکور در این ماده را احراز نمایند.

**ماده ۳ -** اهدا جنین باید با موافقت و رضایت کتبی زوجهای اهدا کننده و در مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری، با احراز هویت آنان و به صورت کاملاً محرمانه انجام گیرد.

**ماده ۴ -** زوجهای متقاضی جنین اهدایی باید واجد شرایط مقرر در ماده (۲) قانون باشند.

**ماده ۵ -** رسیدگی به درخواست دریافت جنین اهدایی، در دادگاه صالح و خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی به عمل می آید. صدور حکم به رد درخواست و عدم تأیید صلاحیت زوجین قابل تجدیدنظر می باشد.

**فصل سوم -** تکالیف و وظایف مراکز مجاز درمان ناباروری:

**ماده ۶ -** مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری مکلفند نسبت به موارد زیر اقدام نمایند:

الف - نگهداری جنینهای اهدایی از سوی اهدا کنندگان مسلمان و غیرمسلمان به طور جداگانه و رعایت تناسب دینی و مذهبی زوجهای متقاضی با جنین اهدایی در زمان انتقال.

ب - دریافت و نگهداری رأی قطعی مرجع قضایی از متقاضی.

پ - صدور گواهی و معرفی نامه لازم مبنی بر تأیید سلامت جسمی و روانی برای متقاضیان دریافت جنین طبق مقررات قانون و این آیین نامه.

ت - دریافت، نگهداری و انتقال جنینهای اهدایی در شرایط کاملاً محرمانه.

**تبصره -** اطلاعات مربوط به جنینهای اهدایی، جزو اطلاعات به کلی سری طبقه بندی می شوند.

**ماده ۷-** صدور گواهی عدم توانایی باروری و همچنین توانایی زوجه در زمینه دریافت و نگهداری جنین، پس از انجام تستها و آزمایشهای دقیق پزشکی در صلاحیت مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری می باشد.

#### فصل چهارم - شرایط لازم جهت دریافت، نگهداری و انتقال جنین

**ماده ۸-** هر یک از مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری می توانند بانک جنین طبق دستورالعملهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دایر نمایند. این بانک مسؤول دریافت و نگهداری جنین و انتقال آنها به زوجین نابارور طبق مقررات مندرج در قانون و این آیین نامه می باشد.

**ماده ۹-** مرکز مدیریت پیوند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است طبق دستورالعملهای وزارت یادشده نسبت به دریافت، نگهداری و انتقال جنین نظارت دقیق اعمال کند.

**ماده ۱۰-** ارائه مدارک و اطلاعات مربوط به اهداکنندگان و دریافت کنندگان جنین اهدایی تنها با رعایت قوانین مربوط به حفظ و نگهداری اسرار دولتی و به مراجع قضایی صلاحیت دار مجاز می باشد.

## قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل (۲۱) قانون اساسی (دادگاه خانواده) مصوب ۱۳۷۶/۵/۸

**ماده واحده -** رئیس قوه قضائیه مکلف است ظرف مدت سه ماه در حوزه‌های قضائی شهرستانها به تناسب جمعیت آن حوزه حداقل یک شعبه از شعب دادگاههای عمومی را برای رسیدگی به دعاوی خانواده اختصاص دهد. پس از تخصیص این شعب، دادگاهها حق رسیدگی به دعاوی مربوط به این دادگاهها را نخواهند داشت.

صلاحیت دادگاه خانواده عبارت است از رسیدگی به دعاوی مربوط به:

۱. نکاح موقت و دائم
۲. طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای مدت
۳. مهریه
۴. جهیزیه
۵. اجرةالمثل و نحله ایام زوجیت
۶. نفقه معوقه و جاریه زوجه و اقربای واجب‌النفقه
۷. حضانت و ملاقات اطفال
۸. نسب
۹. نشوز و تمکین

۱- به موجب قانون مذکور، مقررات لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص مصوب مهرماه ۱۳۵۸ تا حدودی ملغی‌الآثر گردیده است.

۱۰. نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها

۱۱. حکم رشد

۱۲. ازدواج مجدد

۱۳. شرایط ضمن عقد

**تبصره ۱-** قضات دادگاه‌های خانواده باید متأهل و با سابقه حداقل چهار سال کار قضایی باشند.  
**تبصره ۲-** در حوزه‌های قضائی بخش، دادگاه عمومی بخش قائم‌مقام دادگاه خانواده خواهد بود.

**تبصره ۳-** هر دادگاه خانواده حتی‌المقدور با حضور مشاور قضایی زن، شروع به رسیدگی نموده و احکام پس از مشاوره با مشاوران قضایی زن صادر خواهد شد.

## موادی از قانون مدنی

**ماده ۵-** کلیه سکنه ایران اعم از اتباع خارجه و داخله مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.

**ماده ۶-** قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو این‌که مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود.

**ماده ۷-** اتباع خارج مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.

**ماده ۸۵۱-** وصیت برای حمل صحیح است لیکن تملک او منوط است بر این‌که زنده متولد شود.

**ماده ۹۵۷-** حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر این که زنده متولد شود.

**ماده ۹۶۴-** روابط بین ابوین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر این که نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.

**ماده ۹۶۵-** ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه خواهد بود.

**ماده ۶۶۹-** هرگاه برای انجام امر دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد هیچ یک از آنها نمی‌تواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنماید مگر این که هر یک مستقلاً وکالت داشته باشد در این صورت هر کدام می‌تواند به تنهایی آن امر را به جا آورد.

**ماده ۸۲۹-** قبول موصی له قبل از فوت موصی موثر نیست و موصی می‌تواند از وصیت خود رجوع کند حتی در صورتی که موصی له موصی به را قبض کرده باشد.

**ماده ۸۵۴-** موصی می‌تواند یک یا چند نفر وصی معین نماید - در صورت تعدد اوصیاء باید مجتمعاً عمل به وصیت کنند - مگر در صورت تصریح به استقلال هر یک.

**ماده ۸۷۵-** شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حاملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد.

**ماده ۱۰۰۲-** اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.

**ماده ۱۱۶۹-** برای حضانت و نگهداری طفل که ابوین او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا سن ۷ سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است.

تبصره - بعد از ۷ سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه است.

**ماده ۱۱۷۷-۱** طفل باید مطیع ابوبین خود بوده و در هر سنی که باشد باید به آنها احترام کند.

**ماده ۱۱۹۲-۱** ولی مسلم نمی‌تواند برای امور مولی‌علیه خود وصی غیرمسلیمان معین کند.

**ماده ۱۱۹۶-۱** در روابط بین اقارب فقط اقارب نَسَبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به اتفاق یکدیگرند.

**ماده ۱۱۹۹-۱** نفقه اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب. در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است. هر گاه مادر هم زنده و یا قدر به انفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقرابت مساوی باشند نفقه را باید بحصه متساوی تادیه کنند.

**ماده ۱۰۴۱-۱** عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به ۱۳ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح. (اصلاحی ۱۳۸۱/۴/۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام)

تبصره - عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است و به شرط رعایت مصلحت مولی‌علیه صحیح می‌باشد.

**ماده ۱۰۴۳-۱** نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید.

**ماده ۱۰۴۴-۱** در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز عادتاً غیرممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد، وی می‌تواند اقدام به ازدواج نماید.



تبصره - ثبت این ازدواج در دفترخانه منوط به احراز موارد فوق در دادگاه مدنی خاص می‌باشد.

**ماده ۱۱۶۸-** نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است.

**ماده ۱۱۷۲-** هیچ یک از ابوبین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنها است از نگاهداری او امتناع کند در صورت امتناع یکی از ابوبین حاکم باید به تقاضای دیگری یا تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی‌المعموم نگاهداری طفل را به هر یک از ابوبین که حضانت به عهده او است الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا موثر نباشد حضانت را به خرج پدر و هر گاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تامین کند.

**ماده ۱۱۷۳-** هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند.

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

۱. اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار
  ۲. اشتها به فساد اخلاقی و فحشا
  ۳. ابتلا به بیماریهای روانی با تشخیص پزشکی قانونی
  ۴. سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تندی‌گری و قاچاق
  ۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف
- ماده ۱۲۰۴-** نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت به قدر رفع حاجب با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.

**ماده ۱۰۴۵-** نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد:

۱. نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود.
۲. نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود.
۳. نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پایین برود.

۴. نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات.

**ماده ۴۶۱-** قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط بر این که:

اولاً - شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد.

ثانیاً - شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد.

ثالثاً - طفل لااقل یک شبانه روز و یا ۱۵ دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد بدون این که در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد.

رابعاً - شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد.

خامساً - مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و از یک شوهر باشد بنابراین اگر طفل در شبانه روز مقداری از شیر یک زن و مقداری از شیر زن دیگر بخورد موجب حرمت نمی شود اگر چه شوهر آن دو زن یکی باشد و همچنین اگر یک زن یک دختر و یک پسر رضاعی داشته باشد که هر یک را از شیر متعلق به شوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر و یا آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آنها از این حیث ممنوع نمی باشد.

**ماده ۴۷۱-** نکاح بین اشخاص ذیل به واسطه مصاهره ممنوع دائمی است:

۱- بین مرد و مادر و جدات زن او از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی.

۲- بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر و یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد.

۳- بین مرد با اناث از اولاد زن از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر این که بین زن و شوهر زناشویی واقع شده باشد.

**ماده ۴۸۱-** جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به عقد منقطع باشد.

**ماده ۴۹۱-** هیچکس نمی تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود.

**ماده ۵۰۱-** هر کس زن شوهر دار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام موبد می‌شود.

**ماده ۵۱۰-** حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود.

**ماده ۵۲۰-** تفریقی که بالعان حاصل می‌شود موجب حرمت ابدی است.

**ماده ۵۳۰-** عقد در حال احرام باطل است و با علم به حرمت موجب حرمت ابدی است.

**ماده ۵۴۰-** زنا با زن شوهردار یا زنی که در عده و رجعه است موجب حرمت ابدی است.

**ماده ۵۵۰-** نزدیکی به شبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد از حیث مانعیت نکاح در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است ولی مبطل نکاح سابق نیست.

**ماده ۵۶۰-** اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمی‌تواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند.

**ماده ۵۷۰-** زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می‌شود مگر این که به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد.

**ماده ۵۸۰-** زن هر شخصی که به نه طلاق که شش تا آن عددی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام موبد می‌شود.

**ماده ۵۹۰-** نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست.

**ماده ۱۲۲۲-** در هر موردی که دادستان به نحوی از انحاء به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به دادگاه مدنی خاص رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می‌داند به آن دادگاه مدنی مزبور معرفی کند. دادگاه مدنی خاص از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می‌کند و نیز دادگاه مذکور می‌تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید در این صورت دادگاه باید حدود اختیارت ناظر را تعیین کند. اگر دادگاه مدنی خاص اشخاصی را که معرفی شده‌اند معتمد ندید اشخاص دیگری را از دادرسی خواهد خواست.

**ماده ۱۲۵۱-** هرگاه زن بی‌شوهری ولو مادر مولی‌علیه که به سمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ انعقاد نکاح به دادستان حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت دادستان یا نماینده او می‌تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر کند.

**ماده ۱۲۷۰-** اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که زنده متولد شود.

### برخی از اصول قانون اساسی

اصل سیزدهم - ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

اصل بیست و یکم - دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور ذیل را انجام دهد.

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او
۲. حمایت مادران، بالاخص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست
۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان خانواده
۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست
۵. اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنان در صورت نبودن ولی شرعی

اصل بیست و نهم - برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات حمایتی مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند.

اصل یک صد و شصت و هفت - قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزد.

## برخی از مواد قانون آیین دادرسی مدنی

**ماده ۲ -** هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی کند مگر این‌که شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوی را برابر قانون درخواست نموده باشند.

**ماده ۳ -** قضات دادگاهها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده حکم مقتضی را صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.

**تبصره -** چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون خلاف شرع بداند پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

**ماده ۴۸ -** شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد.

**ماده ۵۱ -** دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد:

۱. نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی‌الامکان شغل خواهان

**تبصره -** در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود مشخصات وکیل نیز باید درج گردد.

۲. نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده

۳. تعیین خواسته و بهای آن مگر آنکه تعیین بها ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد.

۴. تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می‌داند به طوری که مقصود واضح و روشن باشد.

۵. آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد.

۶. ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد. از اسناد و نوشته‌جات و اطلاع مطلعین و غیره. ادله مثبت به ترتیب و واضح نوشته می‌شود و اگر دلیل، گواهی گواه باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند.

۷. امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز از امضاء اثر انگشت او

**تبصره ۱-** اقامتگاه باید با تمام خصوصیات از قبیل شهر و روستا و دهستان و خیابان به نحوی نوشته شود که ابلاغ به سهولت ممکن باشد.

**تبصره ۲-** چنانچه خواهان یا خوانده شخص حقوقی باشد، در دادخواست نام و اقامتگاه شخص حقوقی نوشته خواهد شد.

**ماده ۵۷ -** خواهان باید رونوشت یا تصویر اسناد خود را پیوست دادخواست نماید. رونوشت یا تصویر باید خوانا و مطابقت آن با اصل گواهی شده باشد. مقصود از گواهی آن است که دفتر دادگاهی که دادخواست به آنجا داده می‌شود یا دفتر یکی از دادگاه‌های دیگر یا یکی از ادارات ثبت اسناد یا دفتر اسناد رسمی و در جایی که هیچ یک از آنها نباشد، بخشدار محل یا یکی از ادارات دولتی مطابقت آن را به اصل گواهی کرده باشد. در

صورتی که رونوشت یا تصویر سند در خارج از کشور تهیه شده باید مطابقت آن با اصل در دفتر یکی از سفارت خانه‌ها و یا کنسول‌گریهای ایران گواهی شده باشد. هرگاه اسنادی از قبیل دفاتر بازرگانی یا اساسنامه شرکت و امثال آنها مفصل باشد، قسمتهایی که مدرک ادعاست خارج‌نویس شده پیوست دادخواست می‌گردد. علاوه بر اشخاص و مقامات فوق، وکلای اصحاب دعوا نیز می‌توانند مطابقت رونوشت‌های تقدیمی خود را با اصل تصدیق کرده پس از الصاق تمبر مقرر در قانون به مرجع صالح تقدیم نمایند.



## **خودداری از اعزام کودکان بالای ۲ سال همراه متهم به زندان و معرفی آنان به مراکز مربوطه بخشنامه شماره ۱۳۸۰/۱۲/۸-۱/۸۰/۲۰۵۰ به واحدهای قضایی سراسر کشور**

سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اعلام کرده است: «بعضاً مشاهده می‌شود که قضات محترم محاکم، کودکان بالای ۲ سال همراه متهمان دستگیر شده را پس از صدور قرار به همراه زندانی، به زندان معرفی و زندان ناچار به پذیرش و نگهداری از آنها می‌باشد که با توجه به شرایط سنی این گونه کودکان و ساختار روحی و روانی آنان و آثار سوء نگهداری این نوباوگان در محیط زندان، آسیبهای جبران ناپذیری به آنان وارد می‌گردد.»

نظر به اهمیت موضوع و پیشگیری از مشکلات مزبور، خواسته‌اند تا قبل از معرفی این گونه متهمین به زندانها، نسبت به معرفی فرزندان بالای ۲ سال به مراکز مجهزی که بدین منظور از سوی سازمان بهزیستی فراهم گردیده است، اقدام گردد.

مراتب با توجه به تبصره ۲ ماده ۷۷ آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، جهت اطلاع قضات محترم اعلام می‌گردد.

**سید محمود هاشمی شاهرودی**

**رئیس قوه قضاییه**

## نظریه شماره ۷/۲۶۷۷ مورخ ۱۳۸۱/۴/۳۰ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه

با توجه به این که طفل رها شده از ناحیه والدین و یا احد از آنها به موسسه عام المنفعه سپرده نشده است لذا موضوع مشمول قسمت اول از شق (ب) ماده ۶ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۲۹ اسفند سال ۱۳۵۳ می باشد و قسمت دوم شق (ب) ماده مذکور ناظر به موردی است که طفل به موسسه عام المنفعه سپرده شده و سه سال تمام پدر و یا مادر و یا جد پدری کودک به موسسه عام المنفعه مراجعه نکرده باشد، لذا نیازی به گذشت ۳ سال تمام ندارد و دادگاه می تواند وفق ماده ۴ از همان قانون با رعایت سایر موارد مربوط بلافاصله مبادرت به صدور قرار دوره آزمایشی به مدت شش ماه نموده و طفل را به زوجین سرپرست بسپارد.»

## فهرست منابع:

### قرآن کریم

- الماسی، نجادعلی (۱۳۸۵) *تعارض قوانین*، ویرایش سیزدهم، نشر معراج.
- امامی، اسدالله (۱۳۷۰)، *وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران*، مجلات پژوهش‌های علوم انسانی، شماره ۲.
- امینی، عیسی (۱۳۷۶) *فرزندخواندگی در حقوق ایران*، روزنامه اطلاعات، ص ۱۳، شماره ۷/۲۱۲۸۶.
- ات کینسون، ریتا و ریچارد (۱۳۸۵) *زمینه روانشناسی هیلگارد*، ترجمه دکتر محمدتقی براهنی و دیگران، ویرایش پنجم، نشر رشد.
- بازگیر، یدالله (۱۳۷۵) *علل نقض آراء محاکم در موضوعات احوال شخصیه و مدنی در دیوان عالی کشور*، نشر ققنوس.
- برک، لوراای (۱۳۸۶) *روان شناسی رشد*، جلد اول، ترجمه یحیی سید محمدی، ویرایش اول، نشر ارسباران.
- *پیمان نامه حقوق کودک* (۱۹۹۱) صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، تهران.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷) *ترمینولوژی حقوق*، ویرایش نهم، تهران، نشر گنج دانش.

- حاج یوسفی، علی (۱۳۷۲) بررسی مفهوم پدیده بی سرپرستی، جلد دوم، نشر بهزیستی کشور، تهران، سازمان بهزیستی کشور دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- حبیبی، تهمینه، (۱۳۸۱) نقد فقهی کنوانسیون حقوق کودک، کتاب زنان، شماره ۱۶.
- حبیبی تبار، جواد (۱۳۸۳) گام به گام با حقوق خانواده - تحلیل علمی و کارورزی علمی حقوق خانواده، ویرایش دوم، نشر گام به گام.
- حجتی اشرفی، غلامرضا (۱۳۸۱) حقوق ثبت نمونه اسناد، چاپ ششم، نشر گنج دانش.
- روزبه، سعید (۱۳۸۴) پایان نامه کارشناسی، بررسی موانع فرزندخواندگی از دید کارشناسان سازمان بهزیستی تهران بزرگ، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- دفتر امور شبه خانواده (۱۳۸۵) آیین نامه اجرایی فرزندخواندگی، تهران، سازمان بهزیستی کشور.
- دفتر امور شبه خانواده (۱۳۸۵) آمار عملکرد سالیانه دفتر امور شبه خانواده، تهران، سازمان بهزیستی کشور.
- دفتر امور امور شبه خانواده (۱۳۸۵) اصلاحیه آئین نامه ضوابط ایجاد، اداره و انحلال خانه کودکان و نوجوانان هیات امنایی تحت نظارت سازمان بهزیستی، تهران، سازمان بهزیستی کشور.
- دفتر امور امور شبه خانواده (۱۳۸۵) گزارش آماری، تهران، سازمان بهزیستی کشور.
- رزاقی، رضا (۱۳۸۵) چکیده‌ای بر فرزندپذیری، ویرایش اول، تهران، نشر اداره کل روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور.

- رضایی، فاطمه (۱۳۸۶) *مروری بر مستند قانونی احکام امین موقت*، فصلنامه دیدگاه معاونت امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، ص ۱۶، شماره اول.
- رضایی، فاطمه (۱۳۸۴) *شیوه‌های قانونی تقویت برنامه مراقبت در خانواده*، نشریه علمی-آموزشی مرکز اطلاع رسانی و منابع علمی و مراقبت‌های شبانه‌روزی دفتر شبه خانواده، سازمان بهزیستی کشور، شماره اول.
- شهری و صمدی اهری و گودرزی و رحیمی اصفهانی، غلامرضا و محمدهاشم و حمیدرضا و عباس علی (۱۳۸۴) *مجموعه تنقیح قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه*، ویرایش اول، نشر روزنامه رسمی.
- شاهنگی، محمد حسن (۱۳۸۵) *نقدی بر قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست*، هفته نامه مهر نو، ص ۷، شماره ۵.
- شهبازی، دکتر محمد رضا (۱۳۸۰)، *جزوه درسی حقوق مدنی*.
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۷) *وضعیت کودک آزمایشگاهی در سیستم حقوقی ایران*، مقالات سمپوزیوم تخصصی باروری و ناباروری مسائل فقهی و حقوقی انتقال جنین، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده ابن‌سینا.
- صبری، نور محمد (۱۳۷۹) *راهنمای نگارش حقوقی*، ویرایش سوم، تهران، نشر فردوسی.
- صفایی و امامی، سید حسین و اسدالله (۱۳۷۸) *مختصر حقوق خانواده*، ویرایش دوم، نشر دادگستر.
- صفایی و قاسم زاده، سید حسین و سید مرتضی (۱۳۷۶) *حقوق مدنی اشخاص و محجورین*، ویرایش دوم، قم، نشر سمت.

- صفایی، سیدحسین (۱۳۷۸) *قیمومت شخص حقوقی و قانون واگذاری قیمومت محجورران تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور تا زمان تعیین قیم توسط دادگاه صالح*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۶.
- صنعتی نیا، عباسعلی، (۱۳۷۰) *در مسیر دآوری، ویرایش اول*، تهران، نشر روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور.
- عبادی، شیرین (۱۳۷۵) *حقوق کودک*، ویرایش چهارم، نشر یونیسف .
- عبادی، شیرین (۱۳۷۶) *حقوق کودک تطبیقی*، ویرایش اول، نشر شرکت قلم .
- علمچی میبدی، ملیحه (۱۳۸۱) *یتیم در قرآن و حدیث*، ویرایش اول، تهران، نشر شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- عمید، حسن (۱۳۷۹) *فرهنگ فارسی عمید (جیبی)*، نشر امیر کبیر، ویرایش هفدهم.
- غمامی، سید محمد مهدی (اسفند ۱۳۸۴) *فرزندخواندگی در خانواده رومی - ژرمنی «با بررسی تطبیقی در حقوق آلمان و فرانسه»*، مجله کانون سردفتران و دفتر یاران سال چهل و هفتم، دوره دوم، ماهنامه شماره پنجاه و پنج.
- فدوی، سلیمان (۱۳۸۴) *تعارض قوانین در فرزندخواندگی*، مجله کانون سردفتران و دفتریاران سال چهل و هفتم، دوره دوم، ماهنامه شماره پنجاه و شش
- قانون حمایت خانواده (۱۳۵۳) *مجموعه قوانین و مقررات حقوقی*، تهران، انتشارات آگاه.
- کار، مهرانگیز، (۱۳۷۸) *ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران*، نشر روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷) *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، ویرایش دوم، نشر دادگستر.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳) *حقوق مدنی خانواده*، جلد دوم- اولاد، روابط پدر و مادر و فرزندان، ویرایش ششم، نشر شرکت سهامی انتشار.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۰) *بایسته های حقوق جزای عمومی (۳-۲-۱)*، ویرایش پنجم، نشر میزان.
- گروه مؤلفان با مقدمه دکتر حسین میرمحمد صادقی (۱۳۷۸) *فرهنگ حقوقی مجد*، ویرایش اول، نشر مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- متولی، محمد، (۱۳۸۴) *قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین الملل خصوصی*
- مشگی، پروانه (۱۳۶۹)، *بررسی اثرات آموزشی و پرورشی فرزندخواندگی و شبانه روزی، دفتر آموزش و پژوهش - پژوهش های حمایتی، نشر سازمان بهزیستی کشور.*
- *مجموعه استفتائات مراجع تقلید (۱۳۸۱)* معاونت امور اجتماعی سازمان بهزیستی استان قم.
- مدنی، جلال الدین (۱۳۷۵) *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، ویرایش چهارم، نشر چاپخانه علامه طباطبایی.
- مدنی، جلال الدین (۱۳۷۶) *کلیات حقوق اساسی*، چاپ اول، نشر پایدار.
- منصوری، جهانگیر (۱۳۸۱) *قوانین و مقررات مربوط به امور حسبی*، ویرایش اول، نشر دیدآور.
- منصوری، جهانگیر (۱۳۷۹) *قانون مجازات اسلامی*، ویرایش دوم، نشر دید آور.
- منصوری، محمد (۱۳۷۶) *مجموعه قوانین و مقررات سازمان بهزیستی کشور*، تهران.

- موسوی، سید مجتبی (۱۳۸۴) *موانع و مشکلات حقوقی پیرامون مراقبت در خانواده*، مجموعه مقالات کارگاه علمی کاربردی مراقبت در خانواده، شیراز، دفتر امور شبه خانواده سازمان بهزیستی کشور.

- معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات (۱۳۸۱) *فرهنگ حقوقی (فارسی و انگلیسی) و (انگلیسی فارسی)*، نشر اداره معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات.

- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۶) *قانون مدنی*، ویرایش ششم، نشر خورشید.

- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۹)، *قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی*، ویرایش چهارم، نشر انتشارات خورشید.

- نصیری، محمد (۱۳۸۴) *حقوق بین الملل خصوصی*، ویرایش دوازدهم، نشر موسسه آگاه.

- نظری، ایراندخت (۱۳۸۰) *حمایت از کودکان بی سرپرست*، ماهنامه ندای صادق، شماره ۱۴.

- ولائی، عیسی (۱۳۸۳) *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*، نشر نی، ویرایش سوم.





